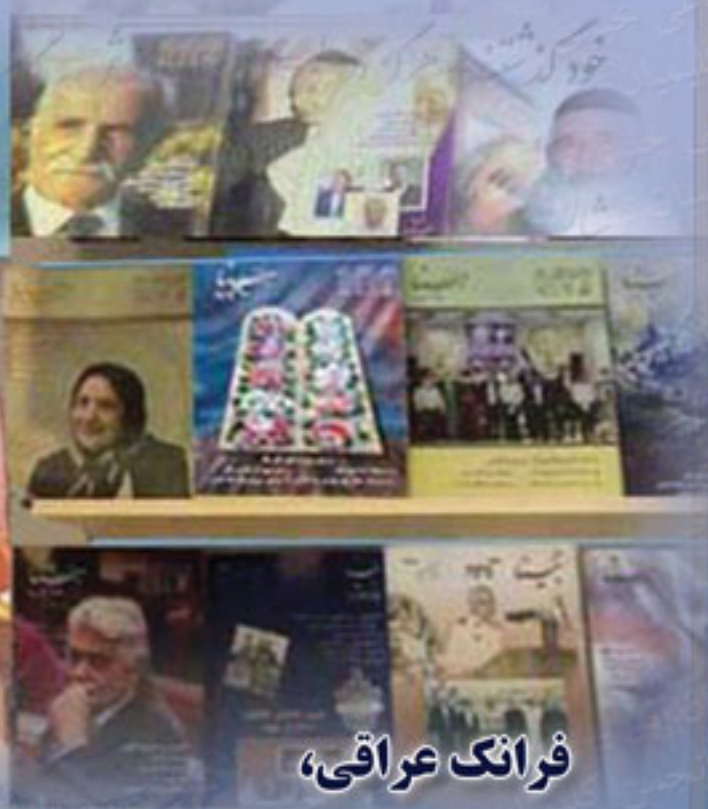


سرکار خانم فرانک عراقی

چه غرور آفرینند آج. عزیزانی که در کمال صداقت و در ستاری بهترین سال های عمر خود را در  
سنگر خدمت گذراندند و در جهت تحقق اهداف خالصانه از هیچ کوششی دریغ نکردند.

با پذیرش غم و شادی، عتاب و عقاب، صبر و شکیبایی و با توکل و استقامت، از جاب و مال



فرانک عراقی،

فعال فرهنگی و اجتماعی جامعه کلیمیان (۱۳۵۰-۱۴۰۱)







## سال بیست و چهارم - شماره ۵۷

پاییز ۱۴۰۱ شمسی

تیشری تا کیسلو ۵۷۸۳ عبری

اکتبر تا دسامبر ۲۰۲۲ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی

سردبیر: فرانک عراقی

ویراستار: آرش آبائی

اجراء، صفحه‌آرایی و طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

تایپ: بهاره برخوردار

### همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - سیما اخلاقی - آتوسا آرمین - شرگان انورزاده - سحر بروخیم  
نسترن جاذب - رحمن دلرحیم - لئا دانیالی - لیورا سعید - المیرا سعید  
فریمه طویبان - فرزاد طویبان - امید محبتی مقدم - مهران ملک  
الهام مؤدب - دوریتا معلمی - بهادر میکائیل - امیرفراز نعیموت  
مرجان یشایایی - مژده یمینیان.

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: [bina126@iranjewish.com](mailto:bina126@iranjewish.com)

پایگاه اینترنتی: [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)

کانال نشریه: @ofeq\_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.  
◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

افق بینا - אֶפְקָא בִּינָה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

### فهرست

- سخن مدیر مسئول / دکتر همایون سامه‌بیج / ۳
- دلنوشته‌ها / ۴
- با فرد سوگوار چگونه رفتار کنیم؟ / دوریتا معلمی / ۱۱
- حضرت یوسف / رحمن دلرحیم / ۱۳
- غرفه کلیمیان در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ / بهادر میکائیل / ۱۵
- گزارشی از موزه‌ی کلیمیان تهران / الهام مؤدب / ۱۷
- گفتگوی ادیان: زمینه‌ها و فرصت‌های اخلاقی / آرش آبائی / ۲۰
- کنیسا و تالار خراسانی‌ها / مهران ملک / ۲۴
- ملا یاقو و امپراطوری قفل‌ها / لئا دانیالی / ۲۷
- مثلث ادیان الهی در شهر یزد / نسترن جاذب / ۲۹
- مصاحبه با حاخام ترکیه / الهام مؤدب / ۳۱
- خانه به خانه در تعقیب بیماری همه‌گیر / مهدی نوروز / ۳۳
- برندگان یهودی نوبل اقتصاد ۲۰۲۲ / آرش آبائی / ۳۷
- شیندلر چینی، ناجی هزاران یهودی / آتوسا آرمین / ۳۸
- آمیزه‌ای از عشق و هنر، آثار ادلیا خانزاده / المیرا سعید / ۴۰
- در میان کاکتوس‌ها، مصاحبه با دانیلا داوودی / مژده یمینیان / ۴۲
- تاریخچه‌ی رقص در یهودیت / سیما اخلاقی (رفوآ) / ۴۴
- تاثیر موسیقی بر تغذیه / مژده یمینیان / ۴۸
- چه کسی پاسخگوست؟ / لیورا سعید / ۵۱
- طلاق: یک آسیب و زخمگاه ناگزیر / مرجان یشایایی / ۵۴
- پدیده‌ی جدیدی به نام طلاق در جامعه‌ی کلیمی / دوریتا معلمی / ۵۶
- باید آدمی دیگر شویم / المیرا سعید / ۵۷
- نوع نگاه / شرگان انورزاده / ۵۹
- تفاوت شکواییه و دادخواست / امیرفراز نعیموت / ۶۰
- من بی‌گناهم جناب سروان / شیپورچی / ۶۲
- اخبار / امید محبتی مقدم / ۶۴
- کنفرانس بین‌المللی «مساله جانشینی پیامبران در ادیان توحیدی» / ۶۹
- دیدار با رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها / ۷۱
- مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۸۳ عبری / آرش آبائی / ۷۲

כְּסֵחַן סַרְדִּבִּיר



—

פִּרָאנַק עִרָאקִי

כָּאֵרְשֵׁנַס אֵרְשֵׁד רוֹזְנָמֵה־נִּגָּרִי



سخن مدیر مسئول

## به یاد سردیرمان فرانک عراقی

دکتر همایون سامه یح نجف آبادی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

با عرض سلام و تبریک سال نو عبری به همکیشان عزیز و همچنین آرزوی قبولی تعنیت کیبور و با امید فرارو بودن سالی پر بار همراه با آرامش و رفاه و شادمانی برای تمامی انسان‌ها.

متأسفانه شروع سال عبری با اخبار خوبی همراه نبود و از دست دادن خانم فرانک عراقی و پیوستن او به نیاکانش باعث غم و اندوه فراوان برای من و تمامی فعالان اجتماعی و جامعه ایرانیان کلیمی گردید.

فرانک عراقی یکی از برجسته ترین زنان فعال در حوزه فرهنگی، زنان و جوانان و موثرترین عضو مجله افق بینا و سردبیر آن و همچنین عضو هیئت مدیره سازمان بانوان و دوشیزگان یهودی بود که در هر دو ارگان فعالیت و اثرات بی نظیری از خود به جای گذاشت.

فرانک از دوران نوجوانی وارد فعالیت‌های اجتماعی شد و به همین خاطر دارای تجارب بی نظیری در این امور بود که من را نیز از این تجارب بی بهره نمی گذاشت و در بسیاری از موارد یکی از بهترین مشاورین من بود. شناخت بنده از خانم عراقی تنها به فعالیت‌های اجتماعی ختم نمی شد؛ بلکه به واسطه دوستی و رفت و آمد خانوادگی شناخت دقیقی از آن بزرگوار و خانواده‌ی ایشان دارم. فرانک در ابتدا یک همسر و مادر دلسوز و دانا بود و در تربیت فرزندان خود اهتمام تمام داشت و به دلیل فعالیت‌های اجتماعی همسرش، آقای فرزاد طویبان، کمال همراهی را با ایشان داشت و همین باعث موفقیت همسر ایشان در خدمت رسانی به جامعه می شد.

با عرض تسلیت مجدد به خانواده محترم طویبان و جامعه‌ی شریف ایرانیان کلیمی و عرض پوزش به دلیل تاخیر در ارائه مجله افق بینا به هموطنان و مردم عزیزم، که دلیل آن بیماری و از دست دادن خانم عراقی بود، امید است تمام جامعه در سایه خداوند بزرگ دارای آرامش، امنیت و رفاه و سلامتی باشند.

و اطمینان دارم که در شرایط کنونی همه‌ی فرزندان ما از تدبیر لازم بهره‌مند هستند و به دور از هیجان از هر گونه

ناآرامی دوری می‌جویند. ■

## دلنوشته‌های دوستان

همکاران مجله بینا، پس از مدت‌ها همکاری با مرحومه فرانک عراقی به‌عنوان سردبیر، در این صفحه، دلنوشته‌هایی برای او به یادگار گذاشتند.

همچنین خانواده و برخی دوستان وی نیز مطالبی را درباره‌ی این مادر، همسر و دوست نگاشته‌اند.

### مادرم

مادرم، فرانک عراقی، در ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ در تهران به دنیا آمد. پدرش عنایت نام داشت و مادرش فرنگیس، که به مدت ۴۰ سال بهیار مدارس یهودی فخردانش و مجدانش و همچنین بیمارستان دکتر سپیر بود. مادرم پس از تحصیل در مدارس یهودی مجدانش و اتفاق در سال ۱۳۶۸ هم‌زمان با اخذ دیپلم، عضو خانه جوانان یهود تهران شد و بدین‌ترتیب فعالیت اجتماعی خود را شروع کرد. او در سال ۱۳۷۱ در رشته‌ی علوم ارتباطات، شاخه‌ی روزنامه‌نگاری، پذیرفته و پس از ۴ سال فارغ التحصیل کارشناسی آن رشته شد. در سال ۱۳۷۷ با همت هارون یشایایی - رئیس وقت انجمن کلیمیان - و با همکاری مدیر مرکز کامپیوتر انجمن، پایه‌گذار انتشار اولین بولتن خبری جامعه کلیمیان در آن دوره شد. این بولتن در ۴۵ شماره و تحت نظارت و سردبیری وی منتشر شد، که سرآغازی بود برای انتشار نشریه وزین افق بینا. هم‌زمان با شروع انتشار نشریه افق بینا از سال ۱۳۷۸ در شورای سردبیری آن عضو بود و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم ارتباطات گشت.

فرانک در سال ۱۳۹۵ و هم‌زمان با ریاست دکتر همایون سامه‌یچ در انجمن کلیمیان تهران به‌عنوان سردبیر مجله بینا منصوب شد و تا زمان درگذشتش ۱۶ شماره را با تلاش خود منتشر نمود. آخرین شماره بینا با مسئولیت او در بهار ۱۴۰۱ به مناسبت عید پسخ منتشر گردید.

هم‌زمان با سردبیری نشریه بینا، در سازمان بانوان یهود تهران نیز عضوی فعال بود. علاوه بر این وی از

اعضای فعال انجمن فارغ‌التحصیلان کلیمی نیز بود. علاقه به شعر و موسیقی منجر به فعالیتش در رشته‌ی هنری دفنوازی شد و با مهارتی که در این زمینه کسب کرد با همراهی گروه هنری‌اش چندین اجرا را روی صحنه برد.

مادرم، فرانک، در ابتدای سال ۱۳۷۸ با پدرم، فرزاد طوبیان، که او نیز عضو خانه جوانان یهود تهران و یکی از فعالان اجتماعی بود، ازدواج نمود. حاصل این ازدواج، دو فرزند است. فرحان ۲۲ ساله، فارغ‌التحصیل مهندسی پزشکی و من، فریماه ۱۸ ساله، پذیرفته رشته علوم ارتباطات، همان رشته‌ای که فرانک هم در آن تحصیل کرده بود و شب قبل از به‌کما رفتن مادرم، با خبر قبولی‌ام در رشته علوم ارتباطات با او جشن گرفتیم.

کمتر از یک سال پیش مادرم بیمار شد، اما همچنان به فعالیت‌های اجتماعی خود ادامه داد و هم‌زمان با روند درمان، در سازمان بانوان یهود و نشریه افق بینا فعالیت می‌کرد و به فعالیت اقتصادی می‌پرداخت و آخرین شماره مجله را نیز آماده‌ی انتشار نمود.

فرانک عراقی در ۲۹ شهریور به‌کما رفت و در روز شنبه ۹ مهرماه (۶ تیشری) به دیار باقی شتافت. او عمری کوتاه اما بسیار پرثمر داشت.

مادرم زنی بود خوش‌سیما و خوش‌سیرت که همیشه لبخندی به پهنای صورتش داشت. همیشه سرزنده و سرشار از امید بود. حتی در دوران بیماری‌اش، او بود که به نزدیکان قوت قلب می‌داد، بدون این که هرگز شکایتی کند یا زانوی غم به بغل گیرد.

مادرم برای خانواده‌اش فرزند و خواهری دلسوز، برای همکاران و همراهانش سردبیری مقتدر و مدبر و کارآمد، برای دوستانش یاری‌بی‌ریا و برای ما فرزندان مادری مهربان و دانا بود. او مرغ شب خوان پدرم بود.

گرچه من دیگر نمی‌بینم گل روی تو را  
خاطراتت را در این غم‌خانه پنهان می‌کنم  
گوهر یک‌دانه ام ای نازنین مادر من  
تا ابد یاد تو را در سینه پنهان می‌کنم

یادش گرامی، نامش جاویدان.

فریماه طوبیان

از نظرم گذشت که اغلب با مته به خشخاش زدن‌های من همراه بود و خنده‌های از سر درایت او. فرانک جان! رفتنت همه را داغدار کرد. امروز پس از سال‌ها همکاری و رفاقت، گریه‌های همکاران بینا و انجمن را دیدم. باشد که تلاش‌هایش را برای همیشه پاس بداریم و منش همدلانه و رفتار دوستانه‌اش را سرمشق قرار دهیم. چه خوب گفت بهادر میکائیل، که «جواهری را در بهشتیه دفن کردیم».

مرجان یشایایی

\*\*\*

فرانک عراقی جوانی بود که در جریان کارهای انجمن کلیمیان با او آشنا شدم. سال‌ها گذشت و گاهی فرانک را می‌دیدم. هیچ‌گاه ندیدم که فرانک از انجام کاری در خدمات اجتماعی شانه خالی کند یا طفره برود. همیشه خوش‌خلق و مصمم بود. درگذشت ناگهانی فرانک همه را غم‌زده کرد، ولی یادش و نامش همیشه گرمی خواهد بود.

هارون یشایایی

\*\*\*

"هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق." فرانک عراقی که از اعضای خانه جوانان بود، از همان شماره‌ی اول بولتن انجمن کلیمیان با عشق و پشتکار به منزل همه دوستان تلفن می‌کرد و روز جلسه را اعلام می‌کرد و برای تهیه آن حداکثر تلاش خود را می‌کرد. دانایی، انتقادپذیری، مدیریت مشارکتی، نظرخواهی از همکاران و روی خوش از ویژگی‌های بارز او بود. با کلام زیبا و هوشمندانه انتقاد می‌کرد. مشوق بود و روز تولد دوستان را تبریک می‌گفت. متأسفانه جای چنین فعال اجتماعی، مدیر تاثیرگذار و دوست و همراه عزیز برای جامعه‌ی کلیمی خالی است. اما خاطرات زیبا و خنده‌ی پرمهرش همیشه در یادها می‌ماند. راهش پر رهرو باد.

الهام مودب

\*\*\*

من و تو و رویاهایمان را همچون درختی که آرزوی رسیدن به عرش آسمان را داشت در بهار جوانه زدیم. شکوفه‌های رنگارنگ بر شاخسار سبز زندگی‌مان همچون عروسی بود که با تاج گل تزئینش کرده باشند... در تابستان‌ها جشن تولد میوه‌هایمان را گرفتیم و شادمان در گذر زمان خواب آرزوهایمان را دیدیم و به ثمر رسیدن میوه‌هایمان را در سر می‌پروراندیم.

و

پائیز وقت خزان ما بود. برگ برگ وجودت فروریخت و رویاهایمان در خاک شد.

حتی وقتی که خزان تمام وجودت را زرد کرد، فقط خندیدی و امتحان سخت خداوند را پذیرا شدی.

نه گسستی، نه خمیدی و فقط خندیدی. ۵۰ سالگی به قول خودت به تو نساخت. بدترین بزنگاه‌های زندگی‌مان را با هم گذراندیم ولی این بار که وقت چیدن خوبی‌ها و آرزوهایمان بود، رفتی و آتشی را به دل من به پا کردی، همانند روز اولی که در یک روز پائیزی تو را دیدم و عاشقت شدم.

رسیدن به تو صبر می‌خواهد و چه کم طاقتم من این بار.

همسرت

فرزاد طویبان

\*\*\*

امروز فرانک عزیزمان را تا آخرین منزلش بدرقه کردیم و همگی خون گریستیم. کمتر روزی را به این تلخی در حافظه‌ی این جامعه‌ی دیرپای صمیمی سراغ دارم.

به درستی او را بانویی مصلح و کاردان خواندیم و در میان فریادهای مامان...مامان فریما و چهره‌ی اشکبار پسرش فرحان و همسرش فرزاد، رفیق عزیزمان را به دست پدر و مادر و سایر اقوام و دوستانش سپردیم که پیش از او به دیار باقی رفته بودند.

هر لحظه از همکاری بسیار پر بار این سال‌های بینا

\*\*\*

نوجوان بودم که برای اولین بار مطلبم در بولتن خبری بینا که هنوز به شکل مجله در نیامده بود، چاپ شد و انگیزه پیدا کردم برای نوشتن‌های بیشتر برای بینا و همکاری با مجلات دیگر. این موضوع را مدیون خانم فرانک عراقی هستم که آن زمان از نوشته‌ی من استقبال کرد و تا همین شماره هم با آغوش باز مطلب مرا پذیرفت و تایید کرد.

در سال‌هایی که او سردبیر بود، گاه می‌شد به هر دلیل، مطلب آماده‌ای نداشتم و روزهای آخر که وقت ارسال مقاله به پایان می‌رسید، با کم‌رویی این موضوع را به او اعلام می‌کردم، اما او خنده‌ای به این معنی که "نمی‌توانی از زیرش در بروی" تحویل می‌داد و می‌گفت "صبر می‌کنم و نمی‌بندم تا نوشته‌ات را برسانی" و من با شرمساری از اهمال کاری خودم و بزرگواری او، به سرعت می‌نوشتم و تحویل می‌دادم.

از سال ۷۷ تا به حال که ۵۷ شماره از این مجله به چاپ رسیده، حضور، همکاری، همراهی و اشتیاق خانم عراقی را چه زمانی که سمت سردبیری داشت چه وقتی که این سمت را نداشت به‌خاطر می‌آورم.

علاوه بر فعالیت او در مجله، حضور، تاثیرگذاری و بیان نکات و نظرات او در تمام نهادهای جامعه نیز پررنگ بود که این قضیه باید الگویی باشد برای همه‌مان؛ الگویی که بدون توقع، با دلسوزی و خوشرویی همراه بود.

وقتی فرانک عراقی از بین‌مان رفت احساس کردم روح بینا هم رفت و نشریه بی‌مادر شد. تصور برگزاری جلسات، نوشتن و به چاپ رسیدن مجله بدون او سخت است، ولی ما هیئت تحریریه با تمام وجود اطمینان داریم که ادامه دادن و پیش بردن نشریه افق بینا، موجب آرامش و شادی روح او خواهد شد.

لیورا سعید

\*\*\*

\*\*\*

## آموزگار مهر

بانویی مهربان بود. ساده و صمیمی. متولد بهشت بود و چون بهشتیان می‌زیست. بهشتش را خود ساخته و بدان پرداخته بود. آینه‌وار بی‌ریا بود و بی‌ادعا. در دانشگاه رسم معرفت آموخته بود و خود رشته‌ای تحت عنوان "مردم‌داری" ابداع کرده بود. آموزگار مروت بود و مدارا و همواره محبت را رواج می‌داد. رو به قبله‌ای نماز می‌گزارد که همسو با خشنود کردن مردم روزگارش باشد. آیینش خدمت‌رسانی بود و این، همه‌ی باورش بود. در خیر رساندن پیش‌قدم بود و شهرتش آرامش بود. چهره‌ی بی‌لبخندش به یاد کسی نمی‌آید. به یاران و همکاران مهر می‌آموخت و مشوقشان بود در پیشرفت. امید را منتشر می‌کرد. مرامش سادگی بود و شکیبایی پیشه‌اش و با کبر و غرور بیگانه. دارایی‌اش یک قلب بی‌کینه بود که با هیچ ثروتی در دنیا آن را عوض نکرد. نگذاشت هیچ‌گاه غبار کینه و حسادت دلش را تیره کند. برای همنشینی با اقوام و دوستان، خود را از هرگونه تجمل و تشریفاتی بی‌نیاز می‌دید. روزهایش را با مطالعه و پیگیری اموری که بر عهده داشت به شب می‌رساند. نوشتن و خواندن قرین لحظاته‌اش بود. خط قرمزش یک-جا ماندن و نرفتن بود. شعار نبود، می‌گفت: "باید رفت تا ببینیم چه می‌شود." و رفت. رفتن را به ماندن ترجیح داد و ما را چه زود ترک کرد. هر کس که او را می‌شناخت در رفتنش خون گریست و به سوگ نشست. ماتم گرفتیم نه برای او، به حال خودمان که بی او، بی‌یاور شدیم، بی‌انگیزه ماندیم و پریشان. بعد از تو تکلیفمان این است:

تو را مشق می‌کنیم و آن‌قدر روش و منش تو را می‌خوانیم تا از بر شویم کسی که یاری رساندن و خدمت کردن به جامعه را رضای خود و در گرو رضای حق می‌داند، هرگز نمی‌میرد و خاطره‌اش از خاطره‌ها پاک نمی‌شود.

المیرا سعید



## فرانک عزیز

نمی‌دانم چگونه بنویسم، در شرایطی که هنوز از غم از دست دادنت، در ناپاوری به سر می‌برم.

می‌دانم که این دنیای فانی، برای روح بزرگ تو بسیار کوچک بود و اکنون از آسمان، به ما زمینی‌ها نظر می‌افکنی.

تو در کنار ما نیستی، اما نگاهت، صداقت و لبخند زیباییت، همیشه با ماست.

شماره‌ی جدید بینا، به زودی به زیر چاپ می‌رود، برای مطالبیم در این شماره، با خودت مشورت کردم...

اما اکنون که پرواز کرده‌ای و به سرمنزل مقصود رسیده‌ای، می‌خواهم با اجازه‌ی خودت، چند سطر دیگر هم بنویسم...

این بار، می‌خواهم در مورد خودت بنویسم، می‌خواهم در یک جمله بنویسم:

فرانک، خانمی عاقل و فهمیده، صبور، متین و با وقار، کوشا و فعال اجتماعی بود که همیشه با دل و جان به جامعه، خدمت می‌کرد.

راستی، با توجه به این که ذکر منابع همیشه برایت مهم بود، پس این بار هم منابعم را ذکر می‌کنم:

- ۱ - قلبم، ۲ - هیئت تحریریه مجله بینا، ۳ - هیئت مدیره سازمان بانوان، ۴ - دبیرستان اتفاق، ۵ - خانه جوانان یهود، ۶ - انجمن کلیمیان تهران، ۷ - جامعه کلیمیان تهران، و ...

مژده یمینیان

\*\*\*

## فرانک جان:

از روزی که با تو آشنا شدم، عادت کردم که پشتکارت، مقاومتت و خستگی ناپذیری‌ات را به همراه خوش‌فکری و مدیریت درستت، در ارتباط با مسئولیت‌هایی که برعهده می‌گرفتی، به دقت نظاره و تحسین کنم، به همراه اعتماد به نفسی که مثال زدنی بود.

به‌خوبی می‌دانستی که چه می‌خواهی و چگونه

انجامش دهی، آن هم با مدیریت درست زمان. همیشه فکر می‌کردم این‌ها را در فرصتی مناسب به تو بازگو کنم اما بیشتر اوقات، صحبت‌هایمان درباره‌ی ادبیات و بینا و مسائل جامعه بود.

حالا به تو می‌گویم و هوش و درایت و مدیریت و خوش‌خلقی‌ات را به همراه خستگی ناپذیری‌ات، تحسین می‌کنم.

با خوش‌خیالی، معتقدم که حرف‌هایم را می‌شنوی، هر چند، صد افسوس، که چقدر دیر.

کاش زودتر گفته بودم.

اما آن‌قدر در انجام وظایف اجتماعی‌ات، درست و منظم و دلسوزانه عمل کردی که در قلب یک‌یک افراد جامعه، تا ابد ماندگار شدی و انگار، همیشه هستی.

چهره‌ی همیشه باز و گشاده و متبسم تو و کارهای خداپسندانه‌ات، همیشه در خاطرمان خواهد ماند. بدرود فرانک جان.

بهشت، جایگاهت.

شرگان انورزاده

\*\*\*

## برای فرانک عزیز

هرکس او را دیده باشد لبخند گرم و روی خوشش را از یاد نخواهد برد. اما در بین فراوان خصلت نیکو که همه‌ی آشنایان مکرر خواهند گفت، برای من در فرصت کوتاه و بضاعت اندک شناختم، شنوا بودن فرانک عزیز بسیار ارزشمند بود. در زمانه‌ای که هر فرازی سکویی برای افاضه‌ی فضل و منبری برای گفتن و گفتن و فقط گفتن است، فرانک عزیز شنونده‌ای صبور و مشتاق و اهل گفتگو بود. همین یک بسنده از بسیاران. چو بوی گل از بین ما رفت و چو بوی گل در یاد ما ماند.

لنا دانیالی

\*\*\*

غم از دست دادن و نبودن فرانک عزیز غم بزرگیه و افسوس برای ما که این همکار و دوست خوب و عضو

و حقیقت مقالاتی ماندگار نوشته، یاد او را جاویدان ساخته، او نیز بداند همواره در قلب همگی ما بوده و هست و همچون ستاره‌ای در افق «بینا» می‌درخشد.  
ربرت شمیمان

\*\*\*

قسمت نشد که با تو کمی گفتگو کنم  
قسمت نشد که لحظه‌ی غمگین رفتنت  
با اشک‌هایم مسیر بهشت تو را شستشو کنم  
بوسیدنت که هیچ، بغل کردنت که هیچ  
قسمت نشد تو را یک دل سیر بو کنم  
یک ماه گذشت با دلتنگی و چشم‌انتظاری  
این ماه تلخ با یاد تو و بی‌حضورت چه سخت گذشت  
دیدار به قیامت عزیز دل  
همشاگردی‌ها

\*\*\*

### برای فرانک جانم

ما نوشتیم و گریستیم، ما خنده‌کنان به رقص برخاستیم، ما نعره‌زنان از سر جان گذشتیم... کسی را پروای ما نبود.

«احمد شاملو»

«بخند اگر قلبت درد دارد و شکسته است، چون این نیز بگذرد.» این را از فرانک در این سال‌ها آموختم. از زمان ورود به دانشگاه همدیگر را شناختیم تا به این روزها که ۲۸ سال می‌گذرد. اوقات خوش و خنده کم نداشتیم چه کنار خانواده‌هایمان چه در کنار دوستانمان. با لذت‌های ساده می‌خندیدیم، مثل نارنگی خوردن دستجمعی‌مان در انتهای اتوبوس وقتی از دانشگاه برمی‌گشتیم. چقدر خنده‌هایمان را دوست داشتیم. روزهای سخت هم داشتیم، کنار هم بودیم. همانطور که فرانک و فرزند مانند خواهر و برادری مهربان در اوقات سخت زندگی کنار من بودند و انسانیت و رفاقت را برای من معنایی دوباره کردند. فرانک از آن گروهی بود که نقاط ضعف و قوت‌هایش را با هم دوست داشت و برای بهتر شدن تلاش می‌کرد. برای من که مصداق شعر

تاثیرگذار جامعه‌مون را از دست دادیم. اما باور دارم کسی که در ایام حیات و حتی پس از مرگ هم تا این اندازه در قلب و روح همه دوستان خودش جای داره، همیشه زنده و ماندگار و من همیشه فرانک خانم را با اون لبخند زیبا در یادم حفظ می‌کنم.

سیما اخلاقی

\*\*\*

### برای فرانک عراقی

هر دوره به دوره افراد جدیدی می‌آیند و پا به عرصه وجود و گیتی می‌گذارند، حکایت ما و افسانه ققنوس است. در این میان بانویی اهل علم و ادب با منشی نیک، سرخیر برپایی مجله‌ای شایسته برای جامعه یهود ایران شد که شامل وقایع و حقایق علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی ... بود. با ارائه مقاله، عکس، گزارش به همراه تیمی متعهد که در هر فصل از اعضای آن در تهیه مطالب کمک کرده و متغیر بودند، ایجاد شد و گسترش یافت. با حمایت‌های انجمن کلیمیان تهران و نماینده ایشان در مجلس هر دوره به بار نشست و به حق ثمرات پرباری همچون برگزاری غرفه در نمایشگاه کتاب و رونمایی مجله افق بینا داشت. نقش اثرگذار او در رشد و پرورش ایده‌های خلاق با همکاری اعضای مختلف از سایر شهرها برای نوشتن مطالب، موجبات ثبات و تحکیم جایگاه او به عنوان فردی مسئول و دغدغه‌مند برای فرهنگ بن‌بیت عبری شد. چندین شماره مجله به سرپرستی فرانک عراقی به زیور طبع آراسته شد و خیل عظیم خوانندگان مدیون و مرهون این بانوی ادیب، خبرنگار و زحمتکش خواهند بود؛ همچون این که دو مقاله از اینجانب را چاپ نمودند. پیشنهادی جهت ادای احترام به مقام و عشق والای او و میراثی که از خود برجای گذاشت دارم، بدین صورت که پکیجی از تمام شمارگان یا برخی شماره‌های ویژه بینا تهیه و تنظیم شود و در دسترس خریدارانی که عشق در زندگی را هدف خود می‌دانند، قرار داده شود. شیفتگان علم و ادب

یکی بود یکی نبود      زیر گنبد کبود  
ما دو تا رفیق بودیم      توی دنیای حسود  
همیشه با هم بودیم      توی غم، شادی، سرود  
همدم و یار هم بودیم      توی شهر پر دود  
پس چی شد جدا شدیم      تو بگو چطوری شد  
هر کدوم تنها شدیم      غمگین و لبریز درد  
توی نیمه راه شدیم      یکی بود یکی نبود

شارونا هارون شیلی

\*\*\*

در این دنیا تنها قانونی که میان تمامی انسان‌ها مشترک است، نیستی است. همه می‌آییم و در نهایت می‌رویم، دیر یا زود. اما آنچه که موجب تفاوت می‌شود شیوه زندگی کردنمان است. فرانک عزیزمان اگرچه زندگی طولانی نداشت اما در عرض زندگیش چنان زیست که نامش را جاودان و یادش را پابرجا نگه دارد و همین تسلائی قلبم می‌شود. هر قدر فکر می‌کنم به خاطر نمی‌آورم کجا و چطور با فرانک آشنا شدم، نمی‌دانم چطور آن قدر صمیمی شدیم. فقط می‌دانم که انگار فرانک از اول بوده، انگار همیشه بوده و انگار همیشه خواهد بود. دوست خوش‌سیما و خوش‌سیرتم، دوست دانا و توانایم، همراه بینایم، دوست همه چیز تمامم، نام و یادت گرامی و ابدی.

دری‌تا معلمی و از طرف دوستان همیشگی

\*\*\*

نمی‌دانم از کجا شروع کنم و چطور بگویم تا عظمت غم عمیقی که بر جانمان گذاشتی و رفتی را نشان دهد. از خانمی‌ات، از زیبایی‌ات، از مهری که در صورت، رفتار و گفتارت نثار همه می‌کردی. از لبخند قشنگی که همیشه بر لبانت بود و ناخودآگاه همه را جذب تو می‌کرد. چطور است از تحصیلاتت بگویم، از روزنامه نگاری‌ات، از سردبیری مجله بینا، تنها نشریه رسمی جامعه‌ی کلیمی. از این‌که پاسخگوی تمام سوالات ما بودی و از مهربانیت که هر سوال را با آرامش و لبخند جواب می‌دادی. و از نقش همسر بودنت با آن همه مهر، با آن همه عشق و با آن همه مادر بودنت به نظرم همه

جناب سعدی بود: تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی. فرانک از آن‌هایی بود که با یک نظر هواخواهش می‌شدی، خوشبخت بودم از دوستی با فرانک و تا نفس دارم قدرانم. زندگی آدمی پر از حسرت است، من هم حسرت می‌خورم که به قرار مسافرت دوستانه‌مان نرسیدیم و او به تنهایی به سفر دیگری رفت. فرانک عزیزم انتخاب کرد در آغاز پاییزی که قرار است همه به تماشایش بنشینیم، چشمانش را ببندد و روح بزرگوارش به سوی نور و چشم‌اندازهای دور و روشن پرواز کند. فرانک جان «دوست جونم» گاهی دلم برای شنیدن صدا و صورت قشنگت تنگ می‌شود. وعده دیدار ما در تالار نور.

از طرف فرحناز بروجردی و

همکلاسی‌های دانشگاه

\*\*\*

### سلام رفیق

می‌خواهم برایت نامه‌ای بنویسم که می‌دانم می‌خوانی و من نمی‌بینم و هرگز پاسخی دریافت نخواهم کرد. اشکالی ندارد، من می‌گویم و تو بشنو. خودمانیم رفیق، فکر یک روز نبودنت را هم نمی‌کردم. خوب غافلگیرم کردی. تازه می‌فهمم آنچنان ضربه‌ای به قلبم خورده که نمی‌دانم چرا و از کجا و نمی‌دانم چه باید بکنم. نمی‌توانم خداحافظی کنم با کسی که از کودکی در کنارم بود و حرف‌های هم را می‌شنیدیم و سنگ صبور یکدیگر بودیم. می‌دانی، در این حال بی‌حالی باید سلام هم بدهم به تنهایی، به درد نبودنت و غرق شدن در خاطرات مشترکمان، و باید دعا هم بکنم برای تو که در خانه‌ی ابدیت در بهترین جایگاه آرام و بدون درد آرمیده باشی؛ و دعا برای خودم و دیگر بازماندگان که بتوانیم بار غم نبودنت را به دوش بکشیم و ادامه دهیم. چه بگویم رفیق نیمه راهم که هرگز بودنت را فراموش نمی‌کنم و هرگز نبودنت را باور نخواهم کرد، چون همیشه در قلبم زنده خواهی بود. خداحافظ یار دیرینه. آسوده و راحت بخواب و بدان که نامت همیشه در یادها می‌ماند.



## جناب آقای فرزاد طویان،

### خانواده‌ی محترم عراقی

درگذشت خانم فرانک عراقی را تسلیت گفته و  
برای شما و بستگان آن مرحومه تسلاهی خاطر  
آرزو مندیم.

انجمن کلیمیان تهران

هیئت تحریریه‌ی مجله بینا

## تسلیت درگذشت مهندس فرید یاشار



متأسفانه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱، جامعه‌ی کلیمیان تهران یکی از فعالان  
دلسوز خود را از دست داد.

مهندس فرید یاشار از اعضای موثر انجمن کلیمیان و کمیته‌ی جوانان  
بود که اکثر اعضای قدیم و جدید سازمان‌های جوانان شاهد فعالیت-  
های صادقانه‌ی او بودند.

یادش گرامی

## تسلیت درگذشت مرحوم آلبرت رحمانیم

اعضای انجمن کلیمیان تهران و هیئت تحریریه‌ی مجله بینا،  
درگذشت مهندس آلبرت رحمانیم را به جامعه‌ی کلیمیان  
تسلیت عرض می‌نماید.

سال‌ها مدیریت کنیسا و تالار خراسانی‌ها و فعالیت‌های

خیرخواهانه اجتماعی، یادگار اوست.

روحش شاد

را نمونه بودی. سرآمد و سرمشق برای همه‌ی ما بانوان  
جامعه کلیمی. رفتنت را باور نداریم.  
حیف بود، زود بود، جبران ناپذیر

سارا صداقت کمال

از طرف سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران

\*\*\*

### به یاد فرانک عراقی...

من از اواخر دهه‌ی ۷۰ به واسطه‌ی انتشار بولتن  
خبری انجمن کلیمیان که سردبیرش فرانک عراقی بود،  
با او به‌طور مستقیم همکاری داشتم و این همکاری با  
انتشار مجله‌ی بینا در فروردین ۱۳۷۸ جدی‌تر شد، که  
من و او و جمعی دیگر، شورای سردبیری مجله را تشکیل  
دادیم، و البته به تدریج از شمار اعضای این شورا کاسته  
شد. از سال ۹۵ پس از فراز و نشیب‌هایی، مجله‌ی بینا با  
سردبیری عراقی مجدداً روح تازه‌ای یافت و همکاری من  
و او در مجله از سر گرفته شد. عراقی نگاهی جامع و  
تحلیل‌هایی واقع‌گرایانه نسبت به جامعه‌ی کلیمیان داشت  
و در برابر مشکلات اداره‌ی نشریه و سلیقه‌های متفاوت  
افرادی که با آن‌ها برخورد داشت، بسیار بردبار و پذیرا بود.  
گاه در برابر نگرانی‌ها و سخت‌گیری‌های من در موضوع-  
های گوناگون- از جمله مقالات مجله - توصیه به صبر و  
گذشت می‌کرد.

در یک‌سال اخیر که درگیر بیماری‌اش بود، نه اخمی  
از او دیدم و نه شکایتی، تا لحظات آخر که در بیمارستان  
بستری و هوشیار بود، با هم درباره‌ی اوضاع مجله  
همفکری داشتیم، و حتی در همان شرایط بحرانی نیز لب  
به شکوه باز نکرد، تا آن که به اغما رفت و ما و مجله را  
ترک کرد.

هیئت تحریریه و همه‌ی دست‌اندرکاران مجله‌ی افق  
بینا، تا همیشه، فرانک عراقی و زحماتش را به نیکی به  
یاد خواهند داشت. روحش شاد.

آرش آبائی

## با فرد سوگوار چگونه رفتار کنیم؟

دُریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی

(به بهانه‌ی سوگ فرانک عراقی، دوست عزیزم)

مطمئناً در چنین شرایطی همه می‌خواهند کمک کنند ولی ممکن است رفتار یا گفتار نادرست نه تنها موجب آرامش نشود بلکه به اصطلاح داغ فرد سوگوار را هم تازه‌تر کند. بنابراین خیلی به جا و مفید است اگر بدانیم که در چنین شرایطی چه بکنیم و چه بگوییم.

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد فرد سوگوار احساسات شدید و متفاوتی را تجربه می‌کند و حتی ممکن است کنترلی بر رفتار و گفتار خودش نداشته باشد. در چنین شرایطی سعی کنید مانع از آسیب رساندن به خودش شوید. اما از گفتن جملاتی مانند "تحمل کن، اوضاع بهتر میشه، همه چیز درست میشه، تو می‌تونی از پشش بر بیایی" و مشابه خودداری کنید. چراکه این‌گونه جملات پیامی که به فرد سوگوار می‌رساند این است که "این اتفاق خیلی هم مهم و بزرگ نیست" و در واقع شرایط دشوار حال حاضر و آینده‌اش را انکار می‌کنید و یا کوچک می‌شمارید. همچنین با شنیدن این‌گونه جملات ممکن است فرد سوگوار چنین برداشت کند که احساساتش به رسمیت شناخته نمی‌شود. در عوض می‌توانید بگویید "می‌دونم که شرایط سختیه".

نگویید: "درکت می‌کنم" یا "می‌دونم چه حسی داری"، چرا که هرقدر هم که تجربه‌ی مشابهی داشته باشید، فعلاً این او است که عزیزش را از دست داده و نه شما. در عوض می‌توانید بگویید: "می‌فهمم که خیلی ناراحتی" و اجازه دهید که در مورد احساساتش و رنجی که می‌کشد حرف بزند.

گفتن جمله‌ی "من نمی‌دونم چکار می‌کردم اگر به جای تو بودم" نیز جمله‌ی مناسبی نیست، چرا که ممکن است موجب شود تا فرد سوگوار بیشتر احساس تنها ماندن

سوگ (غم از دست دادن) یکی از احساساتی است که تقریباً تمامی انسان‌ها تجربه می‌کنند. سوگ حس غم شدید است که می‌تواند با بی‌قراری، بی‌هدفی، پوچی، ناامیدی، اختلال در اشتها و خواب، کاهش تمرکز و توجه و اشتغال ذهنی زیاد به سوژه سوگ همراه باشد و در پی از دست دادن کسی یا چیزی مانند رابطه، سلامتی، دارایی و شغل به سراغ فرد می‌آید.

**هدف از ابراز همدردی این است که فرد**

**سوگوار بداند در کنارش و به فکرش هستیم.**

**می‌توانید از خاطراتی که با فرد متوفی**

**داشتید صحبت کنید.**

حس سوگ هرقدر هم شدید باشد معمولاً با گذر زمان افست می‌کند و فرد سوگوار کم‌کم به روال عادی زندگی باز می‌گردد. لازم به ذکر است که زمان لازم برای گذر از آن، از فردی به فرد دیگر متغیر است و به شخصیت، سن، میزان و شکل دلبستگی، شرایط ایجاد سوگ و عوامل دیگر بستگی دارد. در هر حال اگر پس از گذشت دو تا سه هفته سوگ رو به کاهش نگذاشت، لازم است که از افراد متخصص کمک گرفت، چرا که سوگ حل نشده می‌تواند موجب بروز مسائل دیگری شود که از عهده‌ی این مقال خارج است.

آنچه که می‌خواهم در این مطلب به آن بپردازم، چگونگی رفتار و گفتار اطرافیان فرد سوگوار است.

که تلویحا برای فرد سوگوار معنای آرزوی بدخواهی دارد. لطفاً لطفاً کاسه‌ی داغ‌تر از آتش نشوید و از به کار بردن جملات سوزناک به گونه‌ای که احساساتش به شدت تحریک شود خودداری کنید. این کار همانند آن است که بر روی زخمش نمک بپاشید.

همچنین مانع ابراز احساساتش نشوید (گریه نکن). نظراتان را به او تحمیل نکنید. اجازه دهید هر فردی به روش خودش سوگواری کند. هیچ آداب درست و غلطی برای سوگواری وجود ندارد. این سوگ اوست، پس اجازه دهید آن‌طور که می‌خواهد سوگواری کند. به او اجازه‌ی حرف زدن داده و موضوع صحبتش را تغییر ندهید.

هدف از ابراز همدردی این است که فرد سوگوار بداند در کنارش و به فکرش هستیم. جملات زیر می‌تواند این پیام را به او برساند:

"خیلی متاسفم"، "من هم دلم برایش تنگ می‌شود"، "می‌دونم که شرایط سختی داری"، "او فرد شریف/مهربان/... بود"، "هروقت خواستی با من حرف بزنی"، "من به فکر هستم". حتی می‌توانید از خاطراتی که با فرد متوفی داشتید صحبت کنید.

احساسات فرد سوگوار بالا و پایین می‌شود، بعضی روزها غمگین و بعضی روزها خوب است. حتی ممکن است بعضی مواقع شوخی کند و بخندد. اجازه دهید که با احساساتش راحت باشد. خودتان هم همان حسی را داشته باشید که احساس می‌کنید.

با تمام سنگینی و سختی دردی که فرد سوگوار حس می‌کند، به مرور زمان این حس فروکش کرده و فرد کم‌کم به روال عادی زندگی باز می‌گردد.

و در آخر، مرگ عزیزان فراموش نمی‌شود، ولی میزان هیجانات کاهش یافته و فرد با زندگی با شرایط جدید انطباق می‌یابد. ■

و گیر کردن زیر بار مشکلات بکند.

جملاتی مانند "تحمل کن"، "حالا چیزی نشده که این‌طوری می‌کنی"، خیلی زود حالت خوب میشه" هم از آن جملاتی است که ممکن است واکنش تندی را در پی داشته باشد، زیرا پیام نهفته در این‌گونه جملات این است که یا سوژه‌ی سوگ مهم و ارزشمند نیست و یا او در حال تظاهر است.

جملاتی مانند: "حداقل مرگش سریع و بی‌درد بود"، "حداقل ناگهانی نبود و فرصت خداحافظی داشت"، "حداقل راحت شد"، "اون زندگی چه فایده‌ای داشت؟"، "دیگه می‌تونم به زندگی خودت برسی" هم کمکی نمی‌کند، چرا که فرد سوگوار دستخوش هیجاناتش است و در این وضعیت نمی‌تواند به درستی مسائل را تجزیه و تحلیل و یا سود و زیان کند.

"غم آخرتون باشه"، یکی از جملات بسیار رایج است

**حس سوگ هر قدر هم شدید باشد معمولاً با**

**گذر زمان افت می‌کند و فرد سوگوار کم‌کم به**

**روال عادی زندگی باز می‌گردد.**

**زمان لازم برای گذر از آن، از فردی به فرد**

**دیگر متغیر است و به شخصیت، سن، میزان و**

**شکل دل‌بستگی، شرایط ایجاد سوگ و عوامل**

**دیگر بستگی دارد.**

**اگر پس از گذشت دو تا سه هفته سوگ رو به**

**کاهش نگذاشت، لازم است که از افراد**

**متخصص کمک گرفت**





رحمن دلرحیم

## حضرت یوسف سرمشقی برای عالم انسانیت

پژوهشگر و مدرس زبان عبری و تعلیمات دینی بهود

نام یوسف چون ستاره‌ای تابناک در آسمان تاریخ انسانیت می‌درخشد، اگر همه افراد انسانیت یوسف را سرمشق خود قرار داده و مانند او زندگی کنند دیگر در این دنیا اثری از پستی و رذالت، ظلم و جور، فساد و ناروایی وجود نخواهد داشت و انسان‌ها همان خواهند شد که خداوند عالمیان از آنها انتظار دارد. هزاران سال به عقب برگردیم و زندگی یوسف را مورد مطالعه قرار دهیم.

یوسف تقریباً هفت ساله بود که بی مادر شد و پدرش پرورش او را به عهده گرفت. عقل و هوش و کاردانی این کودک به حدی بود که پدر را شیفته خود ساخت و این شیفتگی به جایی رسید که تورات می‌فرماید: «ییسرائل (حضرت یعقوب) یوسف را از تمام فرزندانش بیشتر دوست می‌داشت». یوسف می‌دید که برادران بزرگترش یعنی پسران لئا با نظر حقارت به پسران بیلها و زیلیا می‌نگرند و آن‌ها را کنیززاده می‌خوانند. برای جبران این بی‌انصافی یوسف با پسران بیلها و زیلیا معاشرت می‌کرد و با زبان حال به آنها می‌فهماند که من - پسر راحل، سوگلی یعقوب - شما را هم طراز خود می‌دانم بنابراین از اهانت‌های برادران بزرگترم ناراحت نباشید. او هر خلافتی را از برادران خود می‌دید برای پدرش بازگو می‌کرد تا پدر فرزندان را نصیحت کند و آنها را به راه صواب هدایت نماید. نیت یوسف خوب بود و او صلاح برادران را می‌خواست ولی آن‌ها فکر می‌کردند که یوسف بدزبان است و با آن‌ها سر دشمنی دارد. می‌خواهد برادران را به چشم پدر خوار نماید تا خودش عزیزتر گردد و هرکاری که یوسف می‌کرد تا آن‌ها را از این اشتباه بیرون آورد نه فقط نتیجه‌ای نمی‌بخشید بلکه به عکس آتش کینه آن‌ها را شعله‌ورتر می‌ساخت.

روزی یعقوب به یوسف ماموریت داد که به منطقه‌ی شیخیم

رفته و از سلامتی برادران خبر آورد. به محض دیدن یوسف برادران قصد جان او را نمودند و اگر رثوبین دخالت نمی‌کرد به طور قطع او را می‌کشتند. او را به چاه انداختند و در فکر آن بودند که از چه راهی شر او را از خود دور سازند. فرصتی پیش آمد و برادران یوسف را به کاروان اسمعیلی‌ها فروختند. یوسف نازپرورده را در مصر در بازار برده فروشان به پوتیفر خواجه سرای فرعون فروختند و یوسف در خانه ارباب خود مانند سایر بردگان به کار و خدمت مشغول شد. ولی طولی نکشید که هوش و کیاست، زرنگی و کاردانی و امانت و درست‌کاری یوسف نظر ارباب خود را جلب نمود. یوسف به سرعت مدارج ترقی را پیمود و هنوز یک سال نگذشته بود که پوتیفر تمام هستی خود را به دست یوسف سپرد و او را همه کاره خانه خود نمود. یوسف از این ترقی ناگهانی خود را نباخت و گمراه نشد و دست خیانت به مال ارباب خود دراز نمی‌نمود.

در این هنگام آزمایشی برای او پیش آمد. در نظر بیاورید یوسف را در منتهای زیبایی، در اوج غرور و جوانی که در سرزمین غربت کسی او را نمی‌شناسد و بر او خورده‌ای نخواهد گرفت. در این حال زیباترین زن اربابش به او عشق می‌ورزد و از او می‌خواهد که این عشق را بپذیرد. ولی یوسف عفت و پاکدامنی را پیشه خود ساخته، جواب رد به زلیخا می‌دهد و به او می‌گوید: من چگونه به آقای خودم که تمام هستی‌اش را در اختیار من گذاشته است خیانت کنم؟ نه! من از خدا می‌ترسم هرگز به چنین رذالتی تن در نخواهم داد. بالاخره زلیخا کاری می‌کند که یوسف را به زندان بیاورند. زندانی که دوره آن دوازده سال طول می‌کشد. معمولاً اشخاصی که به زندان می‌افتند در اندک مدتی روحیه خود را از دست می‌دهند، به دنیا بدبین می‌شوند و حس انتقام و کینه جوئی روز به روز در آنها تقویت می‌شود؛ ولی زندان هم نتوانست روحیه یوسف را تغییر دهد. حسن رفتار، خوشخوئی و مهربانی او طوری توجه رئیس زندان را جلب نمود که او را معاون خود قرار داد و تمام امور زندان به دستور یوسف صورت می‌گرفت. او هر جا می‌رفت و هرکاری می‌کرد خدا با او بود. ناگهان معجزه‌ای به وقوع پیوست. فرعون خواب‌هایی می‌بیند که هیچ کدام از دانشمندان و ساحران معروف مصری نمی‌توانند آن را تعبیر کنند. آن وقت امیر ساقیان به شاه می‌گوید که یک غلام جوان عبری در

نقشه‌ای کشید که برادرانش بنیامین را به نزد او بیاورند تا او بنیامین را ظاهراً گرفتار کند و آن‌ها برای خلاصی برادر کوچک خود فداکاری و جان‌فشانی نمایند تا گناه آن‌ها در مورد فروش یوسف به غلامی کفاره و پاک گردد. وقتی که به مقصود خود رسید خویشتن را به برادران شناسانید. آن‌ها را در آغوش گرفت و بوسید و گریست. گریه‌ای که علامت محبتی بی پایان و صفای روحی لایتناهی بود. او به جای اینکه برادران را سرزنش کند که چرا این بلاها را بر سر من آوردید به آن‌ها گفت: خدا شما را وسیله نمود که من به مصر بیایم تا میلیون‌ها نفوس بشری از عواقب قحطی و مرگ قطعی نجات یابند. او پدر و برادران و تمام خانواده‌های آن‌ها را به نزد خود آورد. بهترین زندگی را برای آن‌ها فراهم نمود. یوسف هرگز نگذاشت که بنیامین برادرش و یعقوب پدرش از این راز آگاه گردند که برادران او را به غلامی فروخته‌اند. چون او نمی‌خواست که برادرانش خجل و سرافکنده گردند. بعد از وفات یعقوب برادران ترسیدند که مبادا بعد از مرگ پدر، یوسف از آنها انتقام گذشته را بکشد. به پای او افتاده و گفتند: «ما را ببخش، ما غلام تو هستیم» یوسف به شدت متاثر شد. قلب پاک او قبول نمی‌کرد که برادرانش او را اینقدر کینه جو بدانند. از این سوءظن برادران، یوسف بگریست و به آن‌ها فهمانید که کینه در دل او راه ندارد و کلمه انتقام را برای او مفهومی نیست. آری این بود یوسف. این بود سرمشقی برای عالم انسانیت. او خدا را شناخت و طبق میل او رفتار کرد. یوسف هشتاد سال با افتخار و سربلندی در مصر بزیست و نواده‌هایش تا پشت چهارم بر زانوهایش نشستند و از او علم و معرفت آموختند. حتی بعد از مرگ یوسف هم خداوند مقام و محبوبیت او را به جهانیان شناسانید. روایت است موقعی که حضرت موسی (ع) با عصای خود به دریای احمر حکم نمود که شکافته شود تا بنی اسرائیل از آن بگذرند دریا اطاعت نکرد. ولی هنگامی که صندوق حاوی استخوان‌های یوسف را به او نشان دادند «دریا دید و فرار نمود» ...

امروز در حدود سه هزار و یکصد سال از آن تاریخ می‌گذرد. هنوز نام یوسف فراموش نشده و او را به نیکی یاد می‌کنیم. این یاد کردن کافی نیست بلکه بایستی او را سرمشق زندگی خود قرار دهیم. ■

زندان خواب ما را خوب تعبیر کرد. یوسف به دربار شاه طلبیده شد. یوسف علاوه بر تعبیر خواب فرعون، او را راهنمایی کرد تا ملت خود را از خطر قحطی نجات دهد. در اینجا قدرت الهی کارگر شد. فرعون مستبد که خود را خدا می‌دانست به یوسف گفت: حالا که خدا این اسرار را به تو فهمانیده است کسی لایق‌تر از تو برای نجات ملت من از مرگ و نابودی نیست. طبق شهادت تورات عبریان در نظر مصریان مکروه و منفور بودند و ممکن نبود که یک عبری بتواند بر مصر حکومت کند. با وجود این که یوسف جوان بود، خارجی بود، غلام بود و به زندان ابد محکوم شده بود، ناگهان به اوج عظمت و رفعت رسید. سراسر کشور مصر به زیر فرمان او درآمد. یوسف جوان و یوسف رنج‌دیده و آزار کشیده که ناگهان از تاریکی مخوف به روشنائی عظیم رسیده بود این بار نیز خود را نباخت و بر خلاف مردم معمولی اخلاقی دگرگون نگشت. تمام همت خود را صرف آبادانی کشور کرد و برای پیشگیری از خطرات قحطی چاره اندیشید. انبارها بی حد و حساب پر از آذوقه شد. هفت سال فراوانی سپری شد و ناگهان قحطی شدید و بی سابقه‌ای بر مصر و کشورهای اطراف حکم فرما شد. مردم دسته دسته برای خرید آذوقه هجوم آوردند. یوسف از ترس اینکه مبادا مامورینش با مردم بدرفتاری نموده و خوراکی‌ها را به نفع خود احتکار کنند یا آن‌ها را برای استفاده خود گران‌تر از معمول بفروشند آذوقه را به دست خود گرفت. «خود یوسف به تمام مردم کشور غله می‌فروخت». در این موقع برادران گرسنه‌اش برای خرید آذوقه بنا به دستور پدر به مصر آمدند و با یوسف مواجه شدند. «یوسف برادران خود را شناخت ولی آن‌ها او را نشناختند.» هر شخص دیگری که به جای یوسف بود با برادران خود چه می‌کرد؟ بدون شک برای تلافی ناکامی‌ها و رنج‌ها و مرارت‌ها آن‌ها را به بدترین وضع شکنجه داده و با وحشتناک‌ترین مرگ‌ها می‌کشت. اما نه! یوسف یک فرد معمولی نبود. او یک انسان کامل بود. او در ظاهر آن‌ها را ناراحت کرد تا به گناه گذشته خود معترف گردند و توبه نمایند و توبه‌ی آن‌ها واقعی و کامل باشد. وقتی به هم گفتند «این به گناه آن است که برادر خود را به ناحق اذیت کردیم» یوسف به گوشه‌ای رفت و به شدت گریست. او شیمعون را زندانی کرد تا به او بفهماند که خودش در زندان چه کشیده است. او

## غرفه کلیمیان در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱

مهندس بهادر میکائیل



غرفه همچون سال‌های گذشته به عهده بهادر میکائیل، امید شایان مهر، بهزاد نصیرزاده، آیدین برخورداری و خانم آیلین تشخیصی سپرده شد. این تیم با کمک‌ها و همکاری‌های امید کدخدا، بنیامین بنایان و فرید هزقیه در جهت آماده سازی و برپایی غرفه‌ای در شان نام و اعتبار جامعه ایرانی کلیمی اقدام کرد.

دیوارهای غرفه با المان‌هایی از یهودیت (اثر استاد سلیمان ساسون با سبک خاص خود ایشان)، فرامینی از تورات مقدس و تصاویری از مشاهیر فرهنگی جامعه ایرانی کلیمی (استاد سلیمان حییم) مزین شده بود. این غرفه علاوه بر ارائه کتب مربوط به یهودیت و آثاری از نویسندگان، مترجمان و شعرای جامعه ایرانی کلیمی، تمام سعی و اهتمام

اردیبهشت ماه هر سال بزرگترین رویداد فرهنگی ایران زمین با نام نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار می‌شود. امسال پس از یک وقفه سه ساله به دلیل بیماری کرونا، نمایشگاه کتاب در مصلاهی امام خمینی (ره) تهران حیات مجدد یافت. انجمن کلیمیان تهران همچون سال‌های قبل از اسفندماه زمینه حضور خود را در این نمایشگاه آماده کرد و با پیگیری‌های فراوان، و همدلی و همفکری نهادهای مختلف جامعه کلیمی، حضور انجمن کلیمیان تهران در این نمایشگاه مسجل و قطعی شد.

با نظر اعضای کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران به ویژه مسئول این کمیته، آقای دکتر کهن صدق و موافقت و حمایت اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان، مدیریت این



شد. هرچند عواملی چون ترس از ابتلا به ویروس کرونا، عدم اطلاع رسانی صحیح از تاریخ و محل قطعی نمایشگاه، علاقه کم به فرهنگ کتاب و کتابخوانی، قیمت بالای کتب و شرایط نامطلوب اقتصادی، و استفاده از کتب مجازی باعث استقبال کمتر و کمزنگ‌تر نسبت به سال‌های قبل شده بود و همچنین بنا بر تصمیم مدیران ارشد نمایشگاه، متأسفانه یک روز به علت آلودگی هوا، نمایشگاه تعطیل شد. مدیران غرفه: بهادر میکائیل - امید شایان مهر - بهزاد

نصیرزاده - آیلین تشخیصی - آیدین برخوردار

همکاران: بنیامین بنایان - امید کدخدا

کارشناسان مذهبی: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار - حاخام صیون تهرانی - مهندس آرش آبائی - حاخام داوید ساسانی فرد - امید شایان مهر

سرپرستان غرفه: فرانک عراقی - شارونا هارون شیلی - شهرام فروزان فر - رامین سخایی - شهاب شهامی فر - بهادر میکائیل - آیلین تشخیصی - بهزاد نصیرزاده

طراحی دکور: استاد سلیمان ساسون - بهزاد نصیرزاده - فرید هزقیه

چاپ پوستر، بنر و بروشور: بهزاد نصیرزاده

امور فنی: پرهام ذکریاپور - بنیامین بنایان - امید

کدخدا - سامان کهن

تدارکات: داوید شومر

اطلاع رسانی: آیدین برخوردار

متصدیان غرفه: شایان ملکان - امید کدخدا - آیدین برخوردار - بنیامین بنایان - الین یروشالمی - آیلار یروشالمی - الناز حریریان - دلارام دل‌رحیم - سارا لاله‌پور - دانیلا یومطوبیان - سامان سامه‌یح - شهاب اسحاقی - پیام کهن صدق - نگار شکوهی‌نیا - دنیا کاهن - پرستو زرنقیان - سالار فیروزطالع - صبا حق‌نظری - سوگل دانیال مفرد - پویا سرورکلیمی - نیوشا ماه‌گرفته - شرمینه داودزاده - عسل بنایزدی - سمیرا شادپور. ■

خود را بر آشنایی هم‌وطنان با اعتقادات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی یهودیان و همچنین بیان تاریخ یهودیت و موقعیت یهودیان در ایران زمین به کار برد.

در این دوره کتب زیر به مخاطبان عرضه شد:

فرهنگ عبری به فارسی و فارسی به عبری حییم - تورات تمام فارسی - تورات عبری فارسی - مزامیر حضرت داوود (تهیلیم) - اندرز پدران - نیایش روزانه کلیمیان (سیدور) - تاریخ قوم یهود - آموزش الفبا و اعداد عبری - سیدور و سلیحوت - کتب درسی مدارس خاص کلیمیان - تقویم چهارگانه ادیان توحیدی.

روزی که نام خود را دانستم، کوچه مال کیست، گزارش یک دوران (هارون یشایایی) - استاد شمشیرباز (مرجان یشایایی) - علم الهی (امید محبتی مقدم) - غذا، دعا، عشق (سحر بروخیم) - داستان پسر (شیرین دخت دقیقیان) - تورات منظوم (ابراهیم سعیدیان) - تا تریا عشق (ثریا صالح) - انطباق لحظه‌ها (یوسف ستاره شناس) - آرشیو نشریه افق بینا، ارگان رسمی انجمن کلیمیان تهران. در روزهای برگزاری نمایشگاه، متصدیان غرفه، در کنار کارشناسان مذهبی و اجتماعی پاسخگوی مراجعان نمایشگاه بودند.

در هفتمین روز از نمایشگاه، سخنرانی با موضوع دستاوردهای فرهنگی کلیمیان در دوره معاصر با حضور جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان) و هارون یشایایی (چهره ماندگار کلیمیان) در سالن ملل برگزار گردید که با استقبال قابل توجه همراه بود. همچنین در این مراسم از کتب جدید غرفه رونمایی شد.

در طول مدت برگزاری نمایشگاه، تعداد کثیری از چهره‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی از غرفه بازدید نموده و نظرات خود را در دفتر یادبود نگاشتند.

به جرات می‌توان گفت حضور غرفه انجمن کلیمیان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب همچون سال‌های قبل بسیار مفید و سازنده بود و باعث رفع سوء تفاهم‌های زیادی در خصوص مسائل مختلف از جانب مردم و مراجعه‌کنندگان

## گزارشی از موزهی کلیمیان تهران

الهام مودب



و انار در حیاط موزه کاشته شد. مراسم تحویل سال نو سال ۱۴۰۱ در محل موزه با حضور مهمانان مختلف جامعه ایرانی و خارجی از جمله سفارت چین برگزار و در لحظه تحویل سال شوفار نواخته شد. هوشنگ شیرازی نیز موسیقی اجرا کرد. دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان با بازدید از موزه و آشنایی با آن نقاشی کشیدند و به سه نفر جایزه داده شد.

### • چه دستاوردهایی داشته‌اید؟

جایزه‌ی خلاقیت برای برگزاری مراسم سال نو و ایلانوت و هفته‌ی درختکاری از طرف کمیته ملی موزه‌ها (ایکوم ایران) در سال ۱۴۰۱ به این موزه اهدا شد. با توجه به این که فقط روزهای جمعه بازدید داریم تاکنون ۱۰۰۰۰ بازدید کننده داشته‌ایم که از این تعداد فقط ۲۰۰۰ نفر به سال ۱۳۹۹ اختصاص دارد. بازدیدکنندگان با جایگاه فرهنگ دیرینه یهودیان در ایران آشنا می‌شوند. شاهد تغییر بسیار مثبت دیدگاه نسبت به جامعه کلیمی هستیم.

موزه‌ی کلیمیان عنوانی است که اخیراً به کنیسه‌ی قدیمی حییم (که ثبت میراث فرهنگی است) تعلق گرفته و علاقمندان در بازدید از این کنیسه، با گوشه‌ای از فرهنگ یهود آشنا می‌شوند. گفتگوی زیر با آلبرت صدق، مدیر این موزه، و سید احمد محیط طباطبایی، رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران، انجام شده است.

### • جناب صدق، در موزه تاکنون چه برنامه‌هایی داشته‌اید؟



آلبرت صدق: روز ادیان توحیدی با حضور مهمانان ادیان توحیدی در موزه برگزار شد. در سال ۱۴۰۰ با توجه به همزمانی جشن ایلانوت و هفته‌ی درختکاری با حضور مهمانان مراسم برگزار و درخت سیب

در ۱۱۰ سال پیش هنوز در اروپا و آمریکا و نقاط دیگر کنیسا در محله‌های کلیمیان درست می‌شد. پس با نگاه موزه‌ای و روایت‌گری، این مکان به بیان در می‌آید و تاریخش را بیان می‌کند. در واقع به این معنی موزه شد نه به بیان کلاسیک که به دنبال اشیا بگردید. در واقع خود را در قالب فرهنگ ایران معرفی می‌کند. جایگاهی که این مکان در تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی کلیمیان داشته و نشانه‌های این تغییرات را با بیان خود روایت می‌کند. جنگ جهانی دوم، ارتباطات آن زمان و مهمان‌نوازی ایرانیان از مهاجران و فراریان جنگ، همه‌ی این یادگارها در گوشه و کنار این ساختمان نهفته است. البته صد در صد یک شروع خوب است. (این مکان) در صورتی می‌تواند یک موزه‌ی جامع باشد که در طبقات زیر و بخش-های مختلف با تغییراتی، آثار مختلفی که بیان‌گر هنر و جایگاه کلیمیان است به خود اضافه کند تا خود ساختمان که خود یک موزه است به موزه‌ای فراتر برای جامعه کلیمی تبدیل شود.

• این جامعه قدیمی است و امکانات موزه‌ای آن امکان گسترش دارد. آیا در این کنیسه با محدودیت مکانی روبرو نمی‌شود؟

این مکان هنوز به حداکثر ظرفیت خود نرسیده است. ما باید اول به آن حد برسیم بعد بگوییم جا نداریم و به فکر جای دیگر باشیم. البته سیستم‌های مجازی (نیز مطرح) است. در قسمت پایین می‌تواند سالن سینمایی باشد تا با نمایش فیلم هنرمندان و مشاهیر یهودی، بهشتیه تهران یا سایرآرامستان‌ها در اصفهان، کاشان و همدان و غیره، (این جامعه) را به بازدیدکنندگان معرفی کرد.

(همچنین این سالن) می‌تواند سالن ادواری باشد. فرد آثارش را بگذارد و ببرد. برای مثال نمایشگاه عکس برای حمام کلیمی داریم. این حداقل است. کنیسه‌ی مجاور هم در کنارش باز باشد. همچنین می‌توان ساختمان دیگر (ی) از جامعه‌ی کلیمی را که به محور موزه‌ها نزدیک است برای

• جناب طباطبایی لطفا نظرتان را درمورد موزه کلیمیان بفرمایید.



سید احمد محیط  
طباطبایی (کارشناس میراث  
فرهنگی و رئیس کمیته  
ملی موزه‌های ایران):  
وفتی با تعریف جدید موزه و  
موضوعات آن نگاه کنیم،  
قطعا برداشت و نظرم

متفاوت می‌شود. موزه دیگر یک مکان بسته که در آن تعدادی آثار طبیعی، هنری و تاریخی باشد نیست، بلکه یک نگاه به یک فضا و محیط زیستی است که می‌تواند تغییر رفتاری را بدهد که بتوانیم بین موضوع و مخاطب ارتباط برقرار کنیم. در واقع موزه برای آینده است. گذشته را به آینده وصل می‌کند.

بهترین کاری که (در این موزه) می‌توان کرد  
معرفی سنت‌ها و آیین‌های کلیمیان است که  
به خوبی انجام شده است. برای مثال (عید)  
سوکا را با (جشن) مهرگان برگزار کند تا  
میراث اختصاصی و مشترک را نشان دهد.

کنیسه‌ی حییم واقع در خیابان قوام السلطنه سابق و سی‌تیر امروز یکی از مهم‌ترین کنیسه‌ی ایران بود. زمان ایجاد، نوع ساخت و پرداخت و روابطی که در آن حاکم شده بود بخشی از تاریخ سرزمین ما ایران است. انقلاب مشروطه تغییراتی در ساختار حقوقی مردم ایجاد می‌کند و کلیمیان دارای حق می‌شوند. سیدعبدالله بهبهانی اولین نماینده کلیمیان در مجلس اول نفوذ بیشتری بکار می‌برد تا مدارس و کنیسه‌ها در نقاط شهر به‌وجود بیاید. این کنیسه یادگار حضور کلیمیان جهت عبادت در خارج از محله (ی عودلاجان) است. برای اولین بار نه تنها در ایران بلکه در جهان اتفاق می‌افتد.





• به عنوان کارشناس، بهترین برنامه‌ی موزه را کدام می‌دانید؟

برنامه کاشت درخت هم یک فرهنگ قدیمی، هم یک سنت مشترک بین ایرانیان و کلیمیان و نیز یک رفتار محیط‌زیستی که از اهداف ایکوم است را معرفی کرد. بهترین کاری که می‌توان کرد معرفی سنت‌ها و آیین‌های کلیمیان است که به خوبی انجام شده است. در برنامه نوروز، میراث مشترک را نشان داد که برای همه است. این موزه برای چنین رویدادهایی است نه شیء. تقویم فرهنگی می‌خواهد. برای مثال (عید) سوکا را با (جشن) مهرگان برگزار کند تا میراث اختصاصی و مشترک را نشان دهد.

• بازدید کنندگان خارجی چه نظری داشته‌اند؟

من ۵۰ موزه‌دار جهان را به این موزه آوردم. آنان دنبال اشیا نبودند بلکه موزه‌ی فرهنگ کلیمیان و جایگاه تاریخی-اش مد نظرشان بود. البته مایل بودند سی دی یا بروشور و بسته فرهنگی به آنها داده شود.

• با تشکر از شما که در این مصاحبه شرکت کردید. ■

گسترش آن اختصاص داد. یک نهاد موضوعی می‌تواند شعباتی داشته باشد و آن (ساختمان) شعبه‌اش باشد. برای مثال هنرهای تجسمی کلیمیان ایران را به نمایش بگذارد.

• به نظر شما اولویت برای گسترش آن چیست؟

اولین نگاه برای گسترش آن است که خود جامعه بدانند مسئولیت دارد. من هنوز ادای مسئولیت جامعه به خود موزه را ندیده‌ام. من وقتی به موزه‌ی آرامنه در این خیابان می‌روم حضور جامعه را می‌بینم. همه آثار هدیه می‌دهند. پیشنهاداتشان را مطرح می‌کنند. شرایطی می‌شود که با محدودیت مکانی روبرو می‌شوند. من این مورد را در اینجا نمی‌بینم. مهم اول خوانندگی است. اگر می‌خواستم میراثی صحبت کنم، اول مرمت و بهسازی و به روز شدن سیستم و تشکیلات است. اما اگر بخواهم واقعی صحبت کنم همانی است که گفتم. آن وقت موضوع حل می‌شود. وقتی یک جامعه در کنار یک موضوع قرار می‌گیرد می‌توان از زیرزمین و بخش جانبی برای معرفی استفاده کرد.



## گفتگوی ادیان: زمینه‌ها و فرصت‌های اخلاقی

آرش آبائی



هستیم. وی ادامه داد: امروز چهار نشست علمی با موضوعات «بازخوانی تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی در زمینه گفتگوی ادیان»، «گفتگوی ادیان در پرتو تحلیل اندیشه‌های امامین انقلاب»، «اخلاق و روش‌شناسی گفتگوی ادیان» و «گفتگوی ادیان در سیره رضوی» در این پیش نشست برگزار شد.

آرش آبائی از طرف جامعه کلیمیان در این مراسم سخنانی با عنوان «گفتگوی ادیان: زمینه‌ها و فرصت‌های اخلاقی» ایراد نمود که خلاصه‌ی آن چنین است:

### • بخش یکم) جامعه کلیمیان ایران و گفتگوی ادیان:

یهودیان در ایران بیش از دو هزار سال سابقه حضور دارند. بر این اساس فرهنگ و زبان ایشان در هر منطقه‌ای از ایران، با مشخصات مردم آن منطقه منطبق است و به غیر از اعتقادات دینی، هیچ‌گونه تفاوتی با سایر

به همت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، نخستین پیش‌نشست دومین همایش بین‌المللی «امام رضا(ع) و گفت‌وگوی ادیان» با حضور تولیت آستان قدس رضوی ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ برگزار شد.

دکتر احد فرامرزی قراملکی، رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در این نشست گفت: مساله گفت‌وگوی ادیان در ۴۰ سال اخیر مورد توجه جدی بوده و کشور ایران به عنوان کانون گفت‌وگوی ادیان به شمار می‌رود. امام رضا(ع) نیز اسوه و الگوی گفت‌وگوی روشمند با ادیان و مذاهب مختلف است؛ از همین رو آستان قدس رضوی بر آن شد تا نخستین کنگره‌ی جهانی گفت‌وگوی ادیان را در سال ۱۳۹۷ برگزار کند و امروز نیز شاهد برگزاری نخستین پیش‌نشست دومین همایش بین‌المللی امام رضا(ع) و گفت‌وگوی ادیان در حرم مطهر رضوی

مسالمت‌جویانه‌ی بین‌المللی نیز تاثیر مثبت خواهد نهاد.  
**• بخش دوم) دستاوردها و پدیده‌های مثبت در گفتگوی بین دینی:**

۱. شناسایی بی‌شائبه و دست اول از ادیان دیگر: گفتگوی مستقیم با روحانی یا کارشناس دینی از همان جامعه، دانشی دست‌نخورده و بی‌غرض‌ورزی را به مخاطب منتقل می‌کند.

۲. تاکید بر نقاط مشترک و تقویت فرهنگ مدارا: درک تشابهات میان ادیان موجب نزدیکی بیشتر پیروان ادیان شده و بسیاری از ریشه‌های دشمنی را رفع خواهد کرد.

۳. برداشت و تفسیر سازنده از متون و گزاره‌های دینی: بسیاری از خشونت‌ها و تخریب‌ها از نگاه غیر رحمانی و دگرستیزانه از برخی از متون و آموزه‌های دینی نشأت می‌گیرد. در گفتگوی بین‌الادیانی، جهت‌گیری به سوی حصول نتایج سازنده است و لذا قرائت مسالمت‌جویانه و همگرایانه از دین مورد توجه خواهد بود.

۴. تعمیق نگاه درون دینی برای پیروان آن دین: به واسطه‌ی لزوم جستجو و تحقیق برای معرفی، پاسخگویی و گفتگوی مشترک با دین دیگر، این تعمیق درون دینی ضرورت می‌یابد و به این ترتیب، از دین خودی نیز شناختی نوین و عمیق حاصل می‌گردد. ضمن آن که نگاه به موارد مشترک همچون جهان‌بینی و الاهیات، از منظری دیگر نیز حاصل می‌گردد و دریچه‌های نوینی را به روی مومنان می‌گشاید.

۵. دستیابی به راهکارها و تجربیات مشترک در رفع برخی معضلات فقهی و فرهنگی درون دینی: با گذشت زمان و پدیدار شدن معضلات و چالش‌های نوین برای پیروان ادیان، متولیان دینی بنابر شرایط خود، راهکارهایی برای رفع مشکلات ارائه می‌کنند که به اشتراک‌گذاری این راهکارها و تجربیات فرهنگی، می‌تواند گره‌گشای مسائل مشابه در ادیان دیگر باشد. (مثلا منع ذبح شرعی یا ختنه در برخی کشورهای اروپایی و موضع مشترک مسلمانان و یهودیان در برابر آن - یا موضوع جدید گوشت آزمایشگاهی و مسائل مربوط به حلال بودن آن در دو دین اسلام و یهود)

۶. افزایش سرمایه‌ی اجتماعی: گفتگوی بین دینی موجب شده است که بخش‌هایی از جوامع اقلیت‌های دینی که به‌خاطر نگرانی از سوءتفاهم‌ها و بدبینی‌های

هموطنان خود ندارند. علاوه بر این، بخش عمده‌ی باورها و اعتقادات یهودی با اسلام مشترک یا بسیار شبیه است. با در نظر گرفتن این موارد، وجه غالب زندگی کلیمیان ایرانی، همزیستی مسالمت آمیز و احترام متقابل بوده است. هرچند در مقاطع زمانی و مکانی محدود، سوءتفاهم‌ها یا سوءتدبیرهایی موجب تنش و گاه خشونت نیز شده است، اما بطور کلی فضای همزیستی و احترام غلبه داشته است.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، میان جامعه‌ی کلیمیان ایران و جامعه‌ی اکثریت مسلمان، فقدان گفتگوی بین دینی و فضای سوء تفاهم به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کردند. از یک‌سو به علت عدم گفتگو، سوءتفاهم شکل می‌گرفت و از سوی دیگر، به‌خاطر همین سوءتفاهم، تمایل به گفتگو کمتر می‌شد و این خود بر غلظت سوءتفاهم‌ها و دشمنی‌های بی‌دلیل می‌افزود.

ترس و محافظه‌کاری شدید ایرانیان کلیمی در ترجمه‌ی متون و معرفی آیین و اعتقادات خود به جامعه‌ی بزرگتر یک عامل این فاصله بود. نیز، شائبه‌ی تبلیغ دینی از سوی یهودیان و احتمال ورود خدشه به اعتقادات مسلمانان، عامل دیگری بود که مانع نشر آثار یهودی و متون دینی آنها از سوی جامعه‌ی اکثریت در فضای کشور می‌شد.

خوشبختانه طی سه دهه‌ی اخیر در ایران فضای گفتگوی دینی به طور جدی شکل گرفته و ارتباطی دوستانه همراه با درک متقابل ایجاد شده است.

نمایندگان جامعه کلیمی ایران در اکثر جلسات گفتگوی ادیان به طور فعال حضور داشته و تلاش نموده‌اند تا مبنای مشترک دینی خود را با سایر ادیان به ویژه اسلام معرفی نمایند، موارد مشترکی مانند توحید، نبوت، رستاخیز و آخرت، منجی و مصلح موعود، و از همه مهم‌تر، نقش دین در ایجاد صلح و جلوگیری از خشونت.

علاوه بر این، برخی نهادهای علمی - دینی در ایران توسط محققان مسلمان، دست به تحقیق، ترجمه و انتشار آثاری بسیار ارزشمند در حوزه‌ی یهودیت زدند که تاثیر بسیار چشمگیری بر شناسایی کلیات یهودیت برای مخاطبان مسلمان داشته است. ما معتقدیم که گفتگوی دینی موجب بالا رفتن سطح مدارا در جامعه و کاهش خشونت‌های دگرستیزانه خواهد شد و قطعا بر نگاه

می‌گردد. این نابرابری تراز اعتباری متون، مسلما به صحت پژوهش خدشه وارد می‌سازد.

۵. جایگاه تلمود در فقه یهود برای اکثر محققان ناشناخته است. در حقیقت تورات اساس شریعت یهود محسوب می‌شود اما به‌خاطر تحولات تاریخی، شیوه‌ی عملی و اجرایی احکام تورات و برخی تدابیر جهت تداوم آیین یهودی در مجموعه‌ی عظیم تلمود (شامل ۶۳ مجلد میشنا و ۳۷ رساله‌ی تلمود بابلی) منعکس شده است. نادیده گرفتن این بخش مهم از شریعت یهود (که به‌خاطر عدم ترجمه به زبان فارسی از دسترس عموم دور مانده است)، بسیاری از پژوهش‌ها را دچار نقصان یا خطا می‌نماید.

۶. ویرایش علمی یا داوری متون پیش از انتشار نیز از مواردی است که غالبا نادیده یا کم اهمیت شمرده می‌شود. چنانچه متون و پژوهش‌های تخصصی (از جمله در حوزه‌ی یهود) به دست فردی آشنا با زبان عبری و یا متخصص در فقه و فرهنگ یهودی جهت بررسی سپرده شود، قطعا ناراستی‌ها و خطاهای آن اصلاح خواهد شد و حاصل آن با اعتبار بالاتر به مخاطب عرضه خواهد شد.

جامعه‌ی اکثریت معمولا منزوی بوده و از مشارکت‌های اجتماعی اجتناب می‌کردند، با بهبود فضا و درک متقابل مسلمانان و پیروان سایر ادیان، به صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی وارد شوند و به این طریق، سرمایه‌ی اجتماعی کشور نیز افزایش یابد.



## • بخش سوم) آسیب‌شناسی پژوهش‌ها در زمینه‌ی یهودیت:

به‌طور کلی در دو دهه‌ی اخیر پژوهش‌های آکادمیک و معتبر در حوزه‌ی یهودیت بسیار گسترده شده است و کتب متعددی در این حوزه از منابع معتبر ترجمه شده است و این موجب می‌شود که سوءتفاهم‌های دینی تا حد زیادی برطرف گردد. اما به لحاظ آسیب‌شناختی، در این حوزه موارد زیر قابل ذکر است:

۱. پیش داوری و موضع‌گیری پیش از پژوهش؛ یا اتخاذ روش جدلی در روند تحقیق.
۲. عدم شناخت کامل منابع دست اول حوزه‌ی یهود و اکتفا به منابع دست چندم یا نقل قول و استفاده از تحقیق‌های غیر معتبر دیگران.
۳. عدم توجه به شرایط مکانی و زمانی مطالب مندرج در منابع یهودی و تعمیم نادرست برخی نمونه‌ها و مصادیق به کل یهودیت یا یهودیان.
۴. در مطالعات تطبیقی اسلام و یهود، گاه منابع مورد تحلیل و بررسی، هم‌تراز نیست. به عنوان مثال، معمولا متن تورات به تنهایی در بخش یهودیت مورد استفاده است، اما در بخش اسلام، علاوه بر متن قرآن، انواع تفاسیر و کتب فقهی دیگر اسلامی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. و یا بالعکس، گاهی یک متن دست چندم و نامعتبر یهودی با قرآن و متون معتبر اسلامی مقایسه

دومین همایش بین‌المللی  
امام رضا (ع) و گفتگوی ادیان  
The Second International Conference on  
Imam Reza (ra) and Interfaith Dialogue  
نخستین پیش نشست  
۱۹ خرداد ۱۴۰۱  
Mashhad 9 June 2022



پرهیز از دخیل کردن منابع حاشیه‌ای و فرعی یا شایعه‌های بی‌اساس اجتماعی و سیاسی: یکی از شاخصه‌های غیراخلاقی در گفتگوی دینی، نادیده گرفتن منابع اصیل و استناد به گفته‌ها و شایعات روزمره یا نوشته‌های نامعتبر است. امروزه به لحاظ ارتباطات گسترده، دستیابی به منبع یا شخصیت‌های معتبر هر دین کاملاً میسر است و از آن طریق می‌توان واقعیات ادیان را به دور از جنجال و احساسات گذرا دریافت نمود.

#### • بخش پنجم) ظرفیت‌های یهودیت در گفتگوی دینی:

یهودیت به عنوان قدیمی‌ترین دین ابراهیمی، دارای عناصر مشترک متعدد با سایر ادیان ابرهیمی و غیرابراهیمی است، از جمله: توحید، وحی، نبوت، شریعت و آخرت. نیز بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و عرفانی جزو موارد اشتراک و قابل بررسی در گفتگوی دینی است. سایر موارد قابل مطالعه‌ی تطبیقی و محوریت جهت گفتگو به‌طور فهرست‌وار به شرح زیر است:

۱. تاریخ دینی
۲. سیر تحولات شریعت و بسط و تعدیل فقه
۳. متون و اسناد مربوط به مناظرات و گفتگوهای بین‌دینی
۴. تجربیات میدانی در حوزه‌ی فرهنگ و دین اقلیت‌ها در جوامع اکثریت با دین متفاوت
۵. آسیب‌شناسی باورهای خرافی و انحراف از ارزش‌های دینی
۶. روش‌های تفسیری و روایی از متون مقدس
۷. آموزش دینی و رویکردهای نوین
۸. رابطه‌ی علم و دین و نگاه فقهی و الاهیاتی به پیشرفت‌های نوین علمی
۹. تاثیر بلایای طبیعی (مانند کرونا) بر دین و نحوه مواجهه‌ی متولیان دین با آن. ■

#### • بخش چهارم) زمینه‌های اخلاقی در گفتگوی دینی:

۱. درک متقابل و نگاه درون دینی بی‌طرفانه: «اپوخه» (Epoché) واژه‌ای از زبان یونانی باستان می‌باشد که در کاربرد فلسفی آن، لحظه‌ای نظری را توصیف می‌کند که تمامی قضاوت‌ها درباره وجود یا هستی جهان خارجی و در نتیجه تمام کنش‌ها در جهان به حالت تعلیق در می‌آید. این واژه در فارسی «تعلیق»، «بازداشت» و «توقیف» ترجمه شده‌است. به عبارت دیگر، در پژوهش و گفتگوی بین دینی، بهتر است پیش فرض‌ها و قضاوت‌های پیشینی را به حال تعلیق درآورد تا بتوان درک خالص و بی‌طرفانه‌ای از فضای دین دیگر حاصل نمود.
۲. درک شرایط زمانی و مکانی: این که بسیاری از گزاره‌های دینی وابستگی به دوران خاص یا منطقه‌ی جغرافیایی مشخص و جامعه‌ای معین داشته و باید با در نظر گرفتن آن قالب مورد درک و بررسی قرار گیرد، نکته‌ای مهم است که سوءتفاهم‌ها را کاهش می‌دهد.
۳. احترام به مقدسات و باورها: پیروان هر دین با دلایل تاریخی یا فرهنگی و براساس آیین دینی خود، نمادها و باورهایی را مقدس می‌شمارند که چه بسا در نگاه غیرمومنان به آن دین، اموری عادی و غیرمقدس جلوه کند. احترام به هر آنچه که پیروان یک دین مقدس می‌شمارند، لازمه‌ی اخلاق گفتگوی دینی است.
۴. گرایش به سازنده بودن گفتگوها و دوری از مباحثات جدلی و تدافعی: هدف گفتگوی دینی، دستیابی به نتیجه‌ی مسالمت‌آمیز و کاربردی برای نزدیکی هر چه بیشتر پیروان ادیان است. دامن زدن به شبهات و اختلافات و یا اتخاذ موضع تدافعی و انحصارگرایانه، مسیر گفتگو را با مانع مواجه خواهد نمود.
۵. توجه به اصالت منبع و مرجع دینی در گفتگوها و



## گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران کنیسا و تالار خراسانی‌ها



نمای اصلی ساختمان مجتمع کنیسا و تالار خراسانیها

می‌شود که بعد از کنیسه‌های حئیم و کوروش، کنیسه‌ی عزیزخان، سومین کنیسه‌ی (برای مشه‌دی‌ها) محسوب می‌شد که به جهت انجام فرائض مذهبی کلیمیان ساکن تهران، در خارج از محله‌ی خیابان سیروس (سرچال یا عودلاجان) احداث شد. البته غالباً کلیمیان مشه‌دی در آن فرائض دینی خود را به‌جای می‌آوردند.

• **کنیسه‌های مخصوص کلیمیان خراسانی در شهر تهران**  
تا قبل از آغاز دهه ۱۳۵۰ خورشیدی کنیسه‌هایی که به جهت انجام فرائض دینی کلیمیان مشه‌دی در تهران تأسیس شدند عبارت بودند از: کنیسه‌ی عزیزخان (مشه‌دی‌ها)، کنیسه‌ی لویان (سزاوار)، کنیسه‌ی رفیع‌نیا، کنیسه‌ی نصرت و کنیسه‌ی عبدالله‌زاده.

• **مرکز فرهنگی مذهبی کلیمیان خراسانی در تهران**  
تا اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی، کنیسه‌هایی که پیشتر نام برده شد، جهت استفاده کلیمیان مشه‌دی مقیم تهران مورد بهره‌برداری مذهبی قرار می‌گرفتند، اما بعدها به تدریج نیاز به وجود سالن اجتماعات و تالار پذیرایی نیز جهت استفاده همکیشان کلیمی خراسانی مقیم تهران احساس شد. از این گذشته کلیمیان مشه‌دی اصلاً تمایلی به استفاده از تالار

### مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

#### • تاریخچه سکونت یهودیان در استان خراسان

زندگی یهودیان در ایران به بیش از ۲۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. یهودیان ایران غالباً در استانهای فارس، همدان، اصفهان، یزد، کردستان، خراسان و بخش شرقی تهران قدیم (بخصوص شهرستان دماوند) زندگی می‌کردند. در مورد یهودیان استان خراسان تاریخچه و سابقه سکونت آنان به اواخر سلسله صفویه بازمی‌گردد. تراکم جمعیتی یهودیان خراسان آن روز بیشتر در شهرستان‌های تربت حیدریه، تربت جام و درگز بوده است. البته عده کمتری نیز در خود شهر مشهد زندگی می‌کردند. گفته می‌شود که جمعیت یهودیان خراسان تا اواخر دوران پادشاهان قاجار بالغ بر ۱۳/۵۰۰ تا ۱۴۰۰۰ نفر بوده است.

#### • خروج و کوچ یهودیان از استان خراسان

از اواخر دوران پادشاهی احمدشاه قاجار، خروج یهودیان از استان خراسان و به‌ویژه شهر مشهد به تدریج آغاز شد و در اوایل دهه ۱۳۰۰ خورشیدی به اوج خود رسید تا زمانی که در اواسط دهه ۱۳۲۰، حتی یک نفر یهودی نیز در استان خراسان و بخصوص شهر مشهد زندگی نمی‌کرد.

#### • استقرار کلیمیان خراسانی در شهر تهران

پس از خروج و کوچ یهودیان از استان خراسان عده‌ای از آنان به سایر نقاط ایران رفته و عده دیگری نیز راهی تهران شدند. جمعیت کلیمیان خراسانی در شهر تهران در ابتدای دهه ۱۳۱۰ شمسی تا حدی رشد کرده و افزایش یافته بود که نیاز مبرم به داشتن کنیسه‌ی مختص به خود را از اهم واجبات آن زمان خود دانستند. اولین کنیسه که توسط کلیمیان خراسانی ساکن تهران تأسیس شد، کنیسه‌ی عزیزخان (یا مشه‌دی‌ها) نام داشت که به سال ۱۳۱۶ شمسی در محله‌ی عزیزخان تهران، واقع در بخش شمالی میدان حسن‌آباد (محدوده خیابان حافظ) تأسیس شد. گفته

با توجه به پیچیده بودن و گسترده بودن پروژه مذکور و هزینه‌های قابل توجهی که در طول اجرای پروژه نیاز بود، عملیات ساختمانی با چندین بار وقفه در طول اجرا مواجه شد و در چندین فاز مختلف به انجام رسید و نهایتاً در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

### • مشخصات فنی و معماری کنیسا و تالار پذیرایی خراسانی‌ها

**طبقه اول:** مشتمل بر یک حیاط و پارکینگ (از سمت ضلع غربی مجتمع)، یک سوئیت کامل جهت اسکان سرایدار و بخش اعظم آن شامل آشپزخانه مدرن و مجهز به یخچال و سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی، انباری و موتورخانه می‌باشد.

**طبقه دوم:** تالار پذیرایی (و سالن غذاخوری) که در اوایل گشایش آن در روزهای جمعه هر هفته به رستوران جهت صرف نهار و برگزاری میهمانی‌های خانوادگی اختصاص یافته بود و همچنین بخشی دیگر از آن به ایجاد فعالیت‌های فرهنگی جوانان جامعه مشهدی‌ها اختصاص یافته بود.

**طبقه سوم:** سالن اصلی برگزاری جشن‌ها و میهمانی‌ها و گردهمایی‌ها با گنجایش حدود ۵۰۰ نفر. در سال‌های اولیه بهره‌برداری از مجتمع خراسانی‌ها به دلیل تراکم زیاد جمعیت عبادت‌کنندگان در ایام خاص سال به‌خصوص عید پسخ (فطیر کلیمیان)، روش هشانا (سال نوی عبری) و یوم کیپور (روزه بزرگ کلیمیان)، از این سالن به‌عنوان کنیسا نیز استفاده می‌شده است. گفتنی است که از ابتدای تأسیس این مجتمع، عموم کلیمیان تهران از سالن‌های آن برای برگزاری جشن‌ها و مراسم استفاده می‌کردند.

**طبقه چهارم:** شامل سالن کنیسا با گنجایش حدود ۴۰۰ نفر (۳۰۰ نفر آقایان و حدود ۱۰۰ نفر بانوان در جایگاه مجزا) با داشتن معماری نوین، الهام گرفته از کنیساهای مدرن اروپایی احداث شده است که در واقع بصورت یک تالار بزرگ با ویژگی‌های کاملاً خاص در طراحی سقف آن و با طراحی معماری زیبا و سازماندهی حرفه‌ای در فضای داخلی، صندلی‌ها و جایگاه شالیخ صیپور (پیش‌نماز)، بخش هخال (جایگاه تورات مقدس) و همچنین طراحی پنجره‌های کنیسا که نمادی است کاملاً مذهبی، الهام گرفته از دوازده طوایف بنی‌اسرائیل با نقاشی و نگارگری هنرمندانه

محبان واقع در مجموعه مذهبی فرهنگی کوروش و سایر سالن‌های اجتماعات موجود آن زمان کلیمیان تهران نداشتند و قصد تأسیس تالار و مجموعه فرهنگی مذهبی مخصوص خود را داشتند.

### • احداث و تأسیس کنیسا و تالار خراسانی‌ها

حدودیک دهه پس از افتتاح تالار محبان در مجموعه مذهبی فرهنگی کوروش، مقدمات تأسیس مجموعه مذهبی و تالار کلیمیان خراسانی مقیم شهر تهران فراهم گردید. البته لازم به ذکر است که انجمن کلیمیان وقت تهران در آن زمان، کوچکترین نقش و دخالتی در ساخت و افتتاح مجموعه خراسانی‌ها نداشت و از صفر تا صد تصمیماتی که جهت ایجاد مجموعه مذکور گرفته می‌شد، صرفاً توسط افراد شاخص و معروف جامعه کلیمیان خراسانی مقیم تهران اتخاذ شد.

در سال ۱۳۴۹ خورشیدی، توسط انجمن خیریه کلیمیان خراسانی مقیم تهران، جلسه‌ای در کنیسای لویان که یکی از کنیساهای تأسیس شده توسط خراسانی‌های مقیم تهران بود، برگزار شد. در این گردهمایی که اعضای هیئت مدیره انجمن خراسانی‌ها، جمعی از خیراندیشان و معتمدین جامعه کلیمیان مشهدی حضور داشتند، تصمیماتی برای احداث یک مجتمع فرهنگی مذهبی، مشتمل بر یک کنیسای بزرگ، تالار پذیرایی، دفتر انجمن و نیز ایجاد یک مرکز آموزشی جهت فعالیت جوانان مشهدی مطرح گردید که مورد استقبال گسترده جماعت حاضر قرار گرفت. بدین منظور جهت تأمین بودجه موردنیاز ساخت مجتمع مذکور، در سال ۱۳۵۰ جشن باشکوهی برگزار شد و از تمامی افراد سرشناس جامعه کلیمیان خراسانی دعوت بعمل آمد. مبالغی توسط افراد شاخص و خیراندیش و خیر جامعه مشهدی‌ها در طی این مراسم جمع‌آوری شد و به همراه وجوه قابل توجهی که توسط اعضای انجمن مشهدی‌ها جمع‌آوری شده بود به صندوق انجمن واریز شد.

با تصمیم قطعی جهت شروع عملیات ساختمانی احداث مجموعه فرهنگی و مذهبی خراسانی‌ها، مبالغی کسری هزینه وجود داشت که به تدریج از محل نذورات کنیساهای تحت پوشش انجمن خراسانی‌ها (کنیساهای عزیزخان، لویان، رفیع‌نیا، عبدالله‌زاده و نصرت) تأمین گردید. مبلغی نیز از محل فروش کنیسای یوسف‌زاده در مشهد تأمین شد. پس از خریداری قطعه زمین موردنظر در خیابان زرتشت، در اواخر بهار سال ۱۳۵۰، عملیات احداث کنیسای خراسانی‌ها آغاز گردید.



تالار اصلی جشنها و اجتماعات خراسانی‌ها



بخش میشکان به همراه هخال (جایگاه تورات) سالن کنیسیای خراسانی‌ها



مرحوم آلبرت رحمانیم  
مسئول فقید کنیسا و تالار خراسانی‌ها

روی شیشه (ویترای)، جلوه‌ای بسیار خاص و محیطی روحانی را به این کنیسا بخشیده است و کنیسیای مذکور را به صورت عبادتگاهی مدرن و خاص در نظرها جلوه‌گر نموده است.

● **مسئولین کنیسا و تالار خراسانی‌ها از بدو تأسیس تاکنون**  
از سال ۱۳۵۴ (ابتدای تأسیس مجتمع فرهنگی مذهبی خراسانی‌ها)، مسئولیت ادارهٔ مجتمع، صرفاً توسط اعضای انجمن خراسانی‌های مقیم تهران انجام می‌شده است، اما طی انتخابات داخلی که در اوایل دههٔ ۱۳۶۰ توسط انجمن خراسانی‌ها برگزار گردید، مسئولیت ادارهٔ کنیسا و تالار خراسانی‌ها به مهندس آلبرت رحمانیم واگذار گردید. از ابتدای مسئولیت ایشان آقای شفیعان نیز در کنار مهندس رحمانیم در ادارهٔ امور کنیسا و تالار نقش بسزایی ایفا می‌کرد که در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۹۷ شمسی دارفانی را وداع گفت. گفتنی است که شخصی بنام ربای الیاهو بن حئیم نیز از ابتدای تأسیس کنیسا، مسئولیت شالیح صیور (پیش نمازی) کنیسیای خراسانی‌ها را عهده‌دار بوده است و از آن پس نیز افراد بسیاری این مسئولیت را تاکنون برعهده داشته‌اند. در حال حاضر نیز با وجود کاهش چشمگیر همکیشان مشهدی، مراسم تفیلا (نماز) در روزهای شبات و ایام خاص سال در این کنیسا برگزار می‌شود، همچنین مراسم جشن‌های عروسی و نامزدی عموم همکیشان کلیمی در تالار اصلی مجتمع خراسانی‌ها واقع در طبقه سوم مجموعه مذکور برگزار می‌گردد.

و در پایان ...

تشکر و سپاس فراوان از تمامی عزیزان و افرادی که بنده را در تهیه و تنظیم مقاله مذکور یاری رساندند. آقایان هارون یشایایی، مرحوم مهندس آلبرت رحمانیم (مسئول کنیسا و تالار خراسانی‌ها) و رحیم آقابالا (از مسئولین کنیسیای لویان - سزاوار). ■

#### منابع:

- ۱- کتاب فرزندان استر (مجموعه مقالاتی دربارهٔ تاریخ زندگی یهودیان در ایران) به کوشش هومن سرشار - ترجمه: مهرناز نصریه
- ۲- تاریخ یهود ایران (تألیف: دکتر حبیب لوی) - جلد پنجم، ششم و هفتم
- ۳- سایت جامع WWW.7dorim.com



## مُلا یاقو و امپراطوری قفل‌ها

لنا دانیالی



زیارت قبور می‌روند جماعتی به زیارت ملا یعقوب می‌آمدند و در این روز بسیاری از کلیمیان با زبان تعنیت<sup>۳</sup> از سراسر ایران حول و حوش قبر ملا یاقو جمع می‌شدند. مسلمان‌ها هم که خبر شده بودند هر از گاهی دست به این دامن می‌زدند. از این آیین زیارت قسمت گشایش قفلش به مذاق دزدان کاربرد و تردست خیلی خوش آمده بود و در حدود سال ۱۳۹۳ با هیئتی حرفه‌ای کلیه قفل‌ها را گشودند و همه طومارهای تورات نفیس و عزیز کنیسا را به سرقت بردند و حاجت روا شدند. کلیمیان اصفهان از این حادثه مصیبت زده شده و تکان خورده بودند و معدود ایسرائل‌هایی که هنوز در محله جوباره سکنی داشتند احساس ناامنی می‌کردند و

کنیسای ملا یاقو درست بغل به بغل مقبره کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، خلاق‌المعانی است و از زیباترین و بزرگ‌ترین کنیساهای اصفهان است. سبب اشتهارش زیارت مقبره ملا یاقو (ملا یعقوب) در سرداب کنیسا است که در اواخر دوره قاجار می‌زیسته و خرق عاداتی به او نسبت داده‌اند، در تقویم عبری کلیمیان روز بعد از لگ به عومر<sup>۱</sup> هیلولای<sup>۲</sup> اوست. گاه زائرانی که حاجتی در دل داشتند هنگامی که قفل در ورودی سرداب را باز می‌کردند نیت می‌کردند که گره از کارشان باز شود و با اشک و سوز دل مدتی را در سرداب به راز و نیاز می‌گذراندند. این حاجت خواهی چنان ریشه دواند و رسم شد که روز نهم او که به

<sup>۳</sup> روزه

<sup>۴</sup> یهودیان

<sup>۱</sup> ۳۳ روز پس از آغاز عید پسخ

<sup>۲</sup> روز رحلت



قبلی را چنان به حاجت رسانده بود که هر دزد دیگری را به گرفتن حاجت ترغیب می‌کرد. از همین رو ششی از شب‌های تابستان ۱۳۹۷ یکی از دزدان بچه محل جوواره با خود گفته بود چرا او که خاک همین محله را خورده است حاجت روا نشود؟ آستین همت بالا زده بود و شگفتا که از پس همه قفل‌ها و موانع برآمده بود. بیچاره که شم درست حسابی در تشخیص اجناس پرپها نداشت صرفاً به سرقت در آلومینیومی مستراح بسنده کرده بود. چنان که هر که از متاع دزیده شده خبر می‌شد، لبریوت<sup>۹</sup> می‌گفت. اما این سرآغاز اندیشه برای تمهیدات جدید امنیتی برای کنیسا شد. در آهنی به کلی عوض شد و در سیاه فولادی جایگزین شد، قفل‌های مغزی چهار سوی فولادی از یکی به چهارتا افزایش یافت، همه قفل‌های قدیمی آویزی ژاپنی به قفل‌های کتابی بدل شدند. از همه مهم‌تر درپچه را از سیستم امنیت حذف کردند و تمهیدات دیگری جایگزین کردند. یکی از مهمترین‌اش این بود که افسانه ارتباط گشایش قفل را با حاجت‌روایی از سرزبان‌ها انداختند.

در اثنای این ماجراهای دزدی، کنیسا با هزینه‌ی خیرین کلیمی بازسازی درخوری شد و نور تازه‌ای که نور شخینا<sup>۹</sup> را یاد آور می‌شد از چهل چراغ‌های تازه رسیده تابیدن گرفت، نیمکت‌های چوبی جایش را به صندلی‌های تک نفره و راحت و نرم و بزرگی داد که حتی روش گالتو<sup>۱۰</sup> هم تصور نمی‌کرد روزی یکی از آنها نصیبش شود. کنیسا رونق بیش از پیشی یافت که در وصف نیاید. این روزها افتخار کلید داری و حضانت کنیسیای ملا یاقو را تنی چند از حخامیم<sup>۱۱</sup> و صدیقیم بر عهده دارند. دسته کلید شامل چندین حلقه است که البته ترتیب قرار گرفتن کلیدها در آن هیچ ربطی به اینکه کلید در چندم را باز می‌کند ندارد. زیارت ملا یاقو سخت‌تر از قبل شده. زیارت زائران و قفل‌ها و کلیدها داستان‌های تازه‌ای برای روایت دارند. ■

همه بیشتر از دست دادن تورات‌های مقدس حسی از دریغ و حسرت و توهین در دل‌ها نشانده بود. این شد که انجمن کلیمیان اصفهان با مشورت نیروهای امنیتی و انتظامی و اهالی کنیسا ترتیبی برای حفظ امنیت کنیسا دادند، دوربین‌های مداربسته نصب شد، دزدگیری با آژیری که گوش فلک را کر می‌کرد تعبیه شد که اگر ساز و کار و رموز ساکت کردنش را نمی‌دانستی صدایش مغز انسان را در کسری از ثانیه تهی کرده و کاسه جمجمه را به طبال-خانه‌ای بدل می‌کرد که بصل‌النخاع از آن فرمان نمی‌برد. بر هر آنچه در و درپچه بود قفل‌ها موکد بسته‌شد. از جمله بر در آهنین ورودی سه غلاف جوش داده شد که قفل‌های کتابی آن را می‌بست و یک قفل مغزی چهارسوی فولادی در را حمایت می‌کرد. اما مسئولین کنیسا به همین بسنده نکرده بودند و ابتکاری استثنایی و دست خراش در درب تعبیه کردند. درپچه‌ای کوچک با در کشویی در پایین در قرار دادند که قفلی آویزی ژاپنی بر آن زده بودند. بعد از باز کردن درپچه باید دست نازک و لطیفی تا ساعد به داخل می‌رفت و قفل دیگری که از پشت زبانه در را به مهمیزی با یک قفل کتابی چفت کرده بود باز می‌کرد. و این سلسله قفل‌ها تقریباً مشابه بر در دوم کنیسا که پس از گذشت از تونل تاریک و باریک و دراز ورودی به آن می‌رسیدی تکرار می‌شد و بر در سرداب زیارتگاه هم همچنین. مراحل باز کردن در کنیسا خودش به آیینی جداگانه تبدیل شده بود که باید براخا<sup>۵</sup>ی جدیدی برای آن می‌سرودند. باید حواست بود دکمه‌های لازم برای ساکت ماندن آژیر خطر را می‌زدی، کلیدهای متعدد و سنگین را به نوبت بر هر قفل می‌آزمودی و در نهایت مراسم در آوردن دست از درپچه هم بی‌شبهت به بریت میلا<sup>۶</sup> نبود. چه بسیار مردان بیشه تدبیر با سیبیل‌های پر پشت و هیکل‌های درشت که پس از درآوردن دستی که به دستان عساو<sup>۷</sup> بی‌شبهت نبود دیگر دست خود را باز نشناخته و دستی یعقوبی یافته بودند.

اما انگار این آیین گشایش قفل خیلی درست و دقیق عمل کرده بود و بر کرامات ملا یاقو افزوده بود و دزدان

<sup>۹</sup> تجلی الهی

<sup>۱۰</sup> رهبر یهودیان خارج از سرزمین مقدس

<sup>۱۱</sup> حخام‌ها

<sup>۵</sup> دعا

<sup>۶</sup> آیین ختنه

<sup>۷</sup> برادر یعقوب

<sup>۸</sup> عافیت

## مثلث ادیان الهی در شهر یزد

گردآوری: نسترن جاذب

یزد با داشتن بنایی مقدس برای هر سه دین زرتشتی، کلیمی و مسلمان در دل محله‌ای قدیمی، حجت را بر زندگی مسالمت‌آمیز ادیان تمام کرده و لازم است این بنای نادر در جهان و ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفته و حفاظت شود. زندگی مسالمت‌آمیز ادیان در یزد، مسئله‌ای بسیار مهم نه تنها در ایران، بلکه در جهان به شمار می‌رود که در ثبت جهانی یزد از سوی یونسکو نیز مورد تاکید قرار گرفته است، به طوری که در پرونده ثبت جهانی یزد نیز این مسئله مورد بررسی قرار گرفته و یکی از موارد مورد توجه یونسکو در ثبت جهانی بخشی از بافت تاریخی این شهر نیز مربوط به همین ویژگی است.

زندگی مسالمت‌آمیز ادیان زرتشتی، یهودی و مسلمان در کنار هم یکی از ویژگی‌های مهم یزد به شمار می‌رود که هر ساله گردشگران زیادی را به بهانه دیدن آتشکده زرتشتیان و کنیسه‌ی یهودیان در مجاورت مسجد جامع کبیر یزد و سبک زندگی مردمانش به این شهر می‌کشاند.

هر چند که وجود برخی از کج‌سلیقگی‌ها و تعصبات نادرست در روابط این ادیان در اسناد تاریخی موجود است اما مردم یزد روابط صلح‌آمیزی از حوزه تجاری گرفته تا بناهای تاریخی و اسناد معتبر و ارزشمندی را در این رابطه به یادگار گذاشته‌اند.

اسناد تجاری، آب انبارهای زرتشتیان و مسلمانان، وقفیات زرتشتیان برای همه مردم یزد، آتشکده زرتشتیان، کنیسه یهودیان به خصوص کنیسه‌ای که در مجاورت مسجد جامع کبیر یزد واقع شده و مساجد چند قبله‌ای که تغییر کاربری داده‌اند و کسبه و بازاریانی که جزو هر سه گروه یهودی و مسلمان و زرتشتی هستند و در یک بازار و رسته مشغول به کارند و مراسم‌ها و آیین‌های مذهبی زرتشتی و کلیمی و مسلمانان در یزد، همگی نمونه‌های بارزی از روابط مسالمت‌آمیز ادیان در این سرزمین جهانی به شمار می‌رود.

با این وجود، کشف بنای دیگری در یزد گویای این روابط صلح‌آمیز است؛ بنایی متعلق به ادیان زرتشتی، یهودی و مسلمان در دل محله تاریخی نصرآباد یا نرسی‌آباد

یزد با نام محلی «پیرون» که شاید تاریخ مسالمت‌آمیز ادیان در یزد را اعتبار دیگری می‌بخشد.

این جاذبه تاریخی، هر چند مورد فراموشی قرار گرفته و اکنون کمتر کسی از آن یاد می‌کند، سازه‌ای قدیمی و دست نخورده است که قدمت آن به حدود دوران قاجار بازمی‌گردد و در تکمیل بناهایی که متعلق به دوران قدیمی‌تر است، نشان می‌دهد که یزد این روابط را نه تنها در گذشته‌های دور بلکه در دوران قاجار و پس از آن و تاکنون حفظ کرده است.

به گفته «محمدحسن دامن خشک» شهروند ۹۰ ساله یزدی و ساکن محله نرسی‌آباد، بنای مذکور که در مجاورت آب انبار این محله قرار گرفته، در گذشته مورد احترام پیروان هر سه این ادیان قرار داشته و مردم در آن عبادت کرده یا نذورات می‌دادند.

البته یک بانوی زرتشتی ساکن محله کسنویه نیز که عبادت در این محله را به خاطر دارد، می‌گوید: زرتشتیان روزگاری در این محل مقدس عبادت می‌کردند اما اکنون این محل که ورودی آن مسدود و امکان ورود به آن ممکن نیست، اتاقی پوشیده با پارچه‌های سبز و پنجره‌های میله‌ای رو به خیابان است که در خیابان‌کشی‌های اخیر مانند میدانی در وسط خیابان باقیمانده و نمای درونی آن را خاک و خاشاک پوشانده است.

این جاذبه نادر و شاید منحصر به فرد در ایران و جهان، بنای ارزشمندی است که بیش از آن که معماری و قدمت آن گویای ارزش آن باشد، تلاقی ادیان زرتشتی، یهودی و مسلمان در دل محله‌ای قدیمی در یزد را به نمایش می‌گذارد به طوری که همچنان زرتشتیان و مسلمانان گرداگرد این بنا و در این محله کنار هم زندگی می‌کنند و همچنان در گزراهای این محلات قدیمی، کوچه‌نشینی زنان و مردان هر دو دین نشان از پیوند محکم این مردمان دارد. داستان‌های زیادی گرد این بنای تاریخی نقل می‌شود که یکی از این روایت‌ها که زبان به زبان از سوی افراد قدیمی و محلی نقل شده است، به تاریخچه ساخت این بنا اشاره دارد. یکی از این روایات ساخته شدن این بنا توسط یک فرد ثروتمند از پیروان حضرت موسی(ع) را نقل می‌کند که گویا پس از ورشکستگی و از بین رفتن تمام دارایی‌اش در دروازه شهر یزد که در آن نزدیکی بوده است، به خواب می‌رود و در خواب حضرت خضر نبی(ع) را می‌بیند و از حال روز خود به پیامبر خدا می‌دهد و حضرت خضر(ع) نیز به او امید می‌دهد و می‌خواهد تا به خانه‌اش برود و در تپوها

امروزه سن و سالی از او گذشته است، در رابطه با بخش کلیمیان این بنا هم تصریح می‌کند: قسمت عقب بنا متعلق به کلیمیان است که در گذشته درگاهی در کوچه داشته و در مواقع خاص مانند اعیاد مخصوص این مردم، جمعیت زیادی در کوچه مراسم برگزار می‌کردند و تا میانه‌های کوچه همواره شلوغ و پر از جمعیت بوده است.

این شهروند زرتشتی ادامه می‌دهد: در آن زمان جمعیت کلیمیان در یزد نیز بیشتر بود و تعداد قابل توجهی از محله معروف زندگی آن‌ها در نزدیکی مسجد جامع یزد، در محل عبادتگاه پیرون جمع می‌شدند و از خیابان گرفته تا محل عبادتگاه نذورات و شمع توزیع می‌شد.

وی که از قدمت این بنا آگاهی ندارد، می‌گوید: من در آن زمان کم سن و سال بودم و در این مراسمات در نزدیکی آب انبار که دروازه‌ی شهر نیز قرار داشت، می‌نشستم و این مراسمات باشکوه میان هر سه ادیان الهی را نظاره می‌کردم اما از علت و چگونگی ساخت این بنا آگاهی ندارم.

مردان خاطر نشان می‌کنند: روزگاری مردم پس از خیابان‌کشی‌ها تصمیم به تخریب بنا و ساخت آن در جای دیگری داشتند اما تعصب هر سه دین اجازه تخریب آن را به برخی از مردم نداد.

### • عبادتگاهی خاص و بی‌همتا در دنیا

مدیر کل میراث فرهنگی یزد نیز این بنا را یکی از بناهای خاص یزد می‌داند و می‌گوید: این بنا که از زیارتگاه‌های خاص هر سه دین زرتشتی، یهودی و کلیمی محسوب می‌شود، در بردارنده اعتقاداتی است که بر تقدس آن می‌افزاید و نمونه آن را در هیچ کجای دنیا نداریم.

وی قدمت آن را متعلق به دوران قاجار می‌داند و می‌گوید: هر چند هنوز پژوهش‌هایی دقیق در این راستا انجام نشده اما به احتمال زیاد قدمت آن متعلق به دوران قاجار است.

این طور که به نظر می‌رسد، این بنای ارزشمند تاریخی نه تنها برای مردم یزد بلکه برای مردم دنیا با در برداشتن پیام صلح و زندگی مسالمت آمیز ادیان الهی اهمیت بسیار زیادی دارد و باید هر چه زودتر برای حفظ این اثر تاریخی و ثبت آن اقدام شود. ■

(ظروف قدیمی)، طاقه‌های ابریشمی‌اش را بردارد و او پس از بیدار شدن به صحت خواب خود پی می‌برد و سرمایه‌اش به او باز می‌گردد که همین مسئله منجر به ساخت عبادتگاهی در محل نرسی‌آباد یا نصرآباد امروزی در این محل می‌کند.

### • داستان تاریخی پیروان زرتشتی و کلیمی

این عبادتگاه در اصل برای کلیمیان در روستای قدیمی نرسی‌آباد ساخته می‌شود، اما پس از آن جریان، یکی از خانواده‌های زرتشتی که فرزندی فلج داشته و فرزند خود را به همین علت از دست می‌دهند، به نزدیکی این عبادتگاه رفته و فرزند مرده خود را در همان جا می‌گذارد و انتظار شفا یافتن را داشته که پس از محقق شدن آرزوی این خانواده، اهالی زرتشتی محله از کلیمیان می‌خواهند تا بخشی از این عبادتگاه را به آن‌ها اختصاص دهد و این گونه عبادتگاه «پیرون» صاحب دو دین زرتشتیان و کلیمیان می‌شود.

البته از آنجایی که حضرت خضر(ع) یکی از پیامبران الهی و مورد قبول مسلمانان نیز به شمار می‌رود، این عبادتگاه مورد احترام مردم مسلمان محله نیز بوده است به طوری که در این محل مسلمانان نیز دعا خوانده، نذر کرده و شمع روشن می‌کردند.

«اسحاق گوهریان» رئیس انجمن کلیمیان یزد، ساکن در یزد در رابطه با این بنای تاریخی می‌گوید: طبق روایاتی که از مادر بزرگ من و به صورت منقول از نسب من نقل شده است، این بنا بیش از ۳۰۰ سال قدمت دارد که البته اطلاعاتی از آن در دست نیست اما بخشی از آن همچنان که امروز نیز وجود دارد متعلق به یهودیان و بخشی متعلق به زرتشتیان است و مسلمانان نیز به علت احترام به حضرت خضر(ع)، این مکان را مقدس می‌شمارند.

### • عبادتگاهی در کنار سرچشمه جوی اشکذر

«اسفندیار مرادیان» عضو سابق انجمن زرتشتیان محله نرسی‌آباد هم در رابطه با این بنای ارزشمند تاریخی به خبرنگار ایسنا، می‌گوید: در کنار جوی اشکذر، زیارتگاهی شامل دو بخش مخصوص زرتشتیان و کلیمیان قرار گرفته است که بخش متعلق به زرتشتیان دارای دو اتاقک کوچک است که در یکی از این اتاقک‌ها نماز گذارده و عبادت می‌کردند و در بخشی شمع روشن کرده، نذورات و آجیل و خوراکی توزیع می‌کردند و قسمتی از آن هم برای آشپزی نذورات و نظافت ساخته شده است.

وی که بیش از ۷۰ سال در این محله زندگی کرده و

### منبع

خبرگزاری ایسنا،

www.isna.ir/news/99011910581/



## یهودیان ترکیه

مصاحبه با هاراو مندی ختريك، حاخام ترکیه

الهام مودب



ازمیز لادینو است. امروزه همه یهودیان به زبان ترکی صحبت می‌کنند.

### • وضعیت مذهبی جامعه چگونه است؟

در سال ۱۹۴۲ میلادی آموزش مذهبی یهودیان در ترکیه مشکل شد. حاخام‌ها، معلمان و یهودیان مذهبی مهاجرت کردند و بقیه باقی ماندند. امروز ما بت دین (دارالشرع)، ذبح کاشر، ۴ میقوه و ۱۸ کنیسا در استانبول داریم که هر شنبه باز است. گرچه یهودیان خیلی مذهبی نیستند، اما امیدوارم با کمک خداوند آنان فرامین تورات را بطور کامل اجرا کنند.

### • آیا یهودیان در قسمت خاصی از شهر در

#### نزدیکی هم زندگی می‌کنند؟

استانبول شهر بزرگی است و ۲۰ میلیون جمعیت دارد. معمولاً یهودیان در سطح شهر پراکنده‌اند و در مکان مشخصی از شهر متمرکز نیستند. چون متاسفانه بسیاری از یهودیان قوانین روز شنبه (شبات) را رعایت نمی‌کنند، نیازی احساس نمی‌کنند که محل سکونت‌شان در نزدیکی کنیسا باشد. متاسفانه این امر مشکلی است که باعث می‌شود تا بخشی از هویت یهودی خود را به مرور زمان از دست دهند، زیرا نزدیک همکیشان خود زندگی نمی‌کنند یا

### • لطفاً مختصری از یهودیان ترکیه بفرمایید.

قدمت یهودیان ترکیه مانند یهودیان ایران طولانی است و به پیش از خرابی اولین معبد اورشلیم می‌رسد. در زمان سرنگونی پادشاهی یهودیان توسط سنخریو، آنان از اورشلیم به مکان امروزی ترکیه منتقل شدند. هنوز کنیسیای بزرگی که ۲۰۰۰ سال پیش ساخته شده بود، باقی است. یهودیان ترکیه با قدمت ۲۷۰۰ سال، از قدیمی‌ترین جامعه‌های مذهبی ترکیه هستند.

اکثریت یهودیان امروز در استانبول زندگی می‌کنند که شمار آنان به ۱۴۰۰۰ نفر می‌رسد. ۱۰۰۰ یهودی در ازمیر و بقیه در سایر شهرها ساکن‌اند. کنیساها در شهرهای بورسا، دینا و آتاکیا دایر است.

اکنون اکثریت یهودیان ترکیه سفارادی بوده و ساکن استانبول و ازمیر هستند. آنان در سال ۱۴۹۲ میلادی پس از اخراج از اسپانیا آمده‌اند. اما پیش از آن یهودیان رومی از دوره‌ی پادشاهی روم باستان به ترکیه نقل مکان کردند و به زبان یونانی صحبت می‌کردند. با گذر زمان یهودیان رومی بخشی از یهودیان سفارادی شدند.

یهودیان اشکنازی از اروپای مرکزی مهاجرت کرده‌اند. گرچه شمار یهودیان اشکنازی کاهش یافته است، اما آنان هنوز در استانبول ساکن‌اند. آنان، حاخام و کنیسیای خود را دارند و به زبان ییدیش صحبت می‌کنند. من افتخار دارم که حاخام یهودیان اشکنازی هستم.

در شرق ترکیه یهودیان کرد در مناطق کردنشین ساکن‌اند و به زبان آرامی و کردی صحبت می‌کنند. در جنوب ترکیه، کیلیس، آنتپ و اورفا یهودیان عربی (سوری) سکونت دارند و زبان آنان عربی است. زبان یهودیان ساکنان

علت جدایی می‌باشد. عدم صداقت با خانواده، عدم اجرای دستورات و قوانین تورات در رفتار و زندگی از دلایل دیگر است. ما موارد زیادی طلاق داریم و ازدواج دوم کمتر به تشکیل خانواده یهودی منجر می‌شود که از مهم‌ترین مشکلات جامعه ماست و برای ما نگران کننده است. من به‌عنوان حاخام بسیار ناراحتم.

### • چه مراکز و سازمان‌های یهودی در ترکیه وجود دارد؟

در استانبول بیمارستان و مدرسه یهودی وجود دارد. یک سازمان اجتماعی به نام میشنه تورا نیز هست در آن که افراد به هم کمک می‌کنند. مَتَن بستیر غذای کاشر به خطوط هوایی ترکیه عرضه می‌کند. مَتَن بستیر برای کمک به افراد بی بضاعت یهودی تاسیس شد. ما سالانه ۶۰۰ هزار وعده غذای کاشر به خطوط هوایی می‌فروشیم که فعالیت مهمی برای جامعه ما محسوب می‌شود. درآمد آن هم به جامعه و هم به افراد کم بضاعت اختصاص دارد.

### • روابط سایر هموطنان با یهودیان چگونه است؟

روابط ما با افراد سایر مذاهب و همسایگان خوب است. ما مشکلی با مسلمانان و دولت نداریم، گرچه گاهی مطبوعات مطالب مخالف ما می‌نویسند. دولت از یهودیان خیلی حمایت می‌کند. ما هم از دولت حمایت می‌کنیم و بخشی از جامعه ترکیه هستیم.

### • به مسافران یهودی ایرانی چه غذاهای یهودی ترکیه را پیشنهاد می‌کنید؟

برخی غذاها سفاردی بودند که جزء غذای ترکیه شده‌اند. می‌توانم به بورک، بلما، انواع اکینی و یک نوع غذا که با آرد و روغن تهیه می‌شود که داخل آن پنیر یا اسفناج یا سیب زمینی گذاشته می‌شود اشاره کنم. انواع پاستا نیز هست که از غذاهای یهودیان ایتالیا است.

### با تشکر از شما

(و با تشکر از هاراو گرمی که امکان این مصاحبه را فراهم کرد.)



مرتب با آنان در ارتباط نیستند.

### • وضعیت ازدواج به چه صورت است؟

کسی که سنتی و مذهبی است زندگی سالمی دارد، به خانواده و حفظ آن متعهد است، ارزش خانواده و فرزند را می‌داند و براساس قوانین یهودیت برای تحکیم خانواده می‌کوشد و کمتر جدا می‌شود. کسانی که سبک زندگی آزادی دارند، بهای آن را خانواده و فرزندان می‌دهند و به جدایی منجر می‌شود. ما جامعه کوچکی هستیم و بیشتر افراد غیرمذهبی‌اند. آنان وقتی فرد مورد نظر خود را پیدا نمی‌کنند، مشکلات اجتماعی زیادی به‌وجود می‌آید. زیرا ازدواج نمی‌کنند یا در سن بالا ازدواج می‌کنند و فرزند کمتر دارند. ازدواج با غیرهمکیش یکی از مشکلات مهم ماست و سبک جامعه ما را تغییر می‌دهد. مواردی که بر شمردم باعث می‌شود جامعه‌ی ما کوچک و کوچک‌تر شود.

### • معمولاً به چه دلایلی در ترکیه زوج‌های یهودی

### جدا می‌شوند؟

دلایل زیادی دارد. در بسیاری موارد مسایل مالی

## یادی از دکتر روح‌الله سپیر که در راه مبارزه با تیفوس درگذشت مردم خانه‌به‌خانه در تعقیب بیماری همه‌گیر ۷۷ سال پیش گفت‌وگو با هارون یشایایی



مهدی نوروز

همکاری‌ای که شاید این روزها با رعایت بهداشت و ماندن در خانه به ثمر بنشیند. خواندن روایت این روزهای ما بماند برای زمانی دیگر. اما برای بازخوانی تجربه مواجهه با تیفوس در تهران به سراغ «هارون یشایایی» رفتیم، فردی که بیشتر برای اهالی فرهنگ و هنر آشناست اما از اهالی قدیمی محله عودلاجان تهران است و آن روزها را که کمتر از ده سال داشت دقیق به یاد دارد.

توضیح: این مصاحبه در زمان همه‌گیری کرونا انجام شده است. در ضمن وضعیت بیمارستان دکتر سپیر دچار تغییراتی از زمان مصاحبه شده است.

• حدود اوایل دهه بیست در تهران تیفوس شایع شد، بیماری‌ای که شاید همه‌گیری‌اش امروزه و با وجود اخبار کرونا در خاطرتان زنده شود. درباره تصویر آن روزها و نحوه مواجهه مردم برایمان توضیح بدهید.

اسفند بود که بیماری در تهران شایع شد، بیماری‌ای که جان‌های بسیاری را گرفت. البته اشاره‌مان به اسفند امسال و کرونا نیست بلکه باید خیلی دورتر برویم، به سال‌های آغازین دهه ۱۳۲۰. هنوز قوای متفقین در ایران حضور داشتند و کشور درگیر آثار جنگ جهانی دوم بود که بیماری تیفوس در تهران شایع شد. گستره شیوع در بخش جنوبی شهر بود. در روزگاری که خبری از شبکه‌های اجتماعی نبود، البته بودند کسانی که در فضایی حقیقی گروه‌هایی برای مبارزه با بیماری به‌وجود آوردند. کسانی که پس از ناکامی در مداوای این مرض، زانوی غم بر بغل نگرفتند بلکه راهی خانه‌ها شدند و به ضدعفونی آن مکان‌ها پرداختند. امری که شاه‌بیتش به همکاری می‌رسد؛





از معدود تصاویر مانده از دکتر سپیر

سپیر این گروه‌ها را به همراه کیسه‌های حاوی مواد ضدعفونی‌کننده راهی خانه‌ها می‌کرد. آنان رختخواب‌ها و حتی لباس‌ها را بیرون می‌ریختند و اقدام به سمپاشی می‌کردند.

#### • آیا خودتان نیز از نزدیک شاهد فعالیت آنان بودید؟

من از جمله کسانی نبودم که داوطلب باشم اما دوستان من که از من بزرگ‌تر بودند و تا همین اواخر نیز زنده بودند در این گروه‌ها حضور داشتند. در واقع آنان به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند از بروز بیماری جلوگیری کنند اما می‌توانند امر ضدعفونی خانه‌ها را انجام دهند. شخص دکتر سپیر نیز در رأس این گروه‌ها قرار داشت و همراه آنان در خانه‌ها حضور پیدا می‌کرد. متأسفانه چند تن از همین بچه‌ها و خود دکتر سپیر به تیفوس مبتلا شدند که چند نفر نجات پیدا کردند اما دکتر سپیر به دلیل نزدیکی به این مسأله و با وجود آن‌که بسیار جوان بود، در سال ۱۳۲۲ در سی و دو سالگی درگذشت.

در میانه جنگ جهانی دوم یعنی سال ۱۹۴۲ مصادف با ۱۳۲۱، جنوب شهر تهران شاهد شیوع بیماری تیفوس شد. در آن زمان من کودکی هفت‌هشت ساله بودم و در محله سنتی کلیمیان در مرکز عودلاجان ساکن بودیم. در همان زمان کلیمیان یک مرکز درمانی داشتند که مربوط به یکی از کنیسه‌ها بود. این مرکز که هم‌اکنون به بیمارستان دکتر سپیر تبدیل شده است، یک درمانگاه کوچک بود. رئیس این درمانگاه که خودش از اولین فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی دانشگاه تهران بود، دکتر روح‌الله سپیر نام داشت. او و اعضای درمانگاه نمی‌توانستند برای درمان مبتلایان تیفوس کاری انجام دهند و بیماران به بیمارستان سینا منتقل می‌شدند؛ دکتر سپیر اما طرحی دیگر را برنامه‌ریزی کرد. همان‌طور که می‌دانید ناقل بیماری تیفوس، شپش بود. در نتیجه دکتر سپیر عده‌ای از جوانان را گرد هم آورد و با امکانات و تجهیزاتی که فراهم کرده بود گندزدایی از خانه‌ها را هدف قرار داد تا از شیوع بیماری تیفوس جلوگیری کند. گروه‌های دوسه نفره مرکب از دختران و پسرانی جوان اعم از کلیمی و مسلمان به‌طور داوطلبانه شکل گرفت و دکتر



پزشک خارجی و مردم خسته از بیماری و قحطی ۱



پزشک خارجی و مردم خسته از بیماری و قحطی و اشغال

ایران منتقل شده بود. من خوب یاد می‌آید؛ صف‌های طولانی برای نان تشکیل می‌شد و کیفیت نان‌ها بد بود. با این همه، نان در دسترس مردم بود. مجبور بودیم ساعت‌ها در صف بایستیم تا نانی که به آن سیلو می‌گفتند به ما هم برسد، آن هم با یک کیفیت خیلی بد. در نتیجه مسائلی از کمبود گرفته تا انتقال بیماری و اضطراب و ناراحتی مردم، همگی در جامعه آن روز وجود داشت.

• به مسئله اضطراب اشاره کردید. در همین جامعه امروز و علی‌رغم وجود فاصله با جامعه دهه بیست، اما شاهد هستیم که شیوع کرونا سبب ایجاد یک اضطراب جمعی شده است. می‌خواهم از شما بپرسم که تجربه جامعه آن زمان در مواجهه با اضطراب بیماری چگونه بود؟

به‌عنوان تجربه شخصی خودم می‌توانم بگویم که به‌نظر می‌رسد مردم در آن زمان بسیار به یکدیگر نزدیک بودند. در نظر داشته باشید که جامعه یهودی در مرکز جامعه مسلمانان قرار داشت اما آنها چنان با هم آمیخته شده بودند که در موردی همچون بیمارستان دکتر سپهر و توسعه آن به‌خوبی همدیگر را قبول داشتند. مثلاً وقتی می‌گفتند که یک بیماری آمده و رعایت کنید، مردم نیز بیشتر رعایت می‌کردند. من اهل قضاوت نیستم اما به‌نظر می‌رسد که اگرچه فرهنگ مردم در آن زمان همچون امروزی‌ها نبود اما کیفیت اخلاقی‌شان شاید وضع دیگری داشت. اگرچه جامعه فقیرتر بود و مواردی همچون نان سیلو وجود داشت اما همبستگی بین مردم رایج‌تر بود، نمی‌دانم شاید وضعیت امروز را تکنولوژی به ما تحمیل کرده است.

### • همکاری مردم با گروه‌های داوطلب چگونه بود؟

در آن شرایط، یک روحیه جمعی برای مبارزه با اصل موضوع وجود داشت و همچنین روحیه خود دکتر سپهر نیز مؤثر بود. این خاطره از دوره کودکی تا امروز برایم بسیار ماندنی است، به‌خصوص در شرایطی که امروز به‌واسطه کرونا به آن گرفتار آمده‌ایم. این امر برای امروز ما بسیار مهم است به‌ویژه این‌که با وجود توصیه دولت به همکاری و عدم خروج افراد از خانه، متأسفانه برخی توجه نمی‌کنند. مردم در خانه‌ها نیز با این گروه‌ها همکاری می‌کردند زیرا تیفوس بیماری بسیار وحشتناکی بود و مردم نیز به هم نزدیک‌تر بودند. در نظر داشته باشید که جمعیت به اندازه امروز زیاد نبود و مثل حالا اینقدر گستردگی وجود نداشت، در نتیجه بلافاصله با همدیگر جمع می‌شدند و سعی بر همدلی داشتند تا مشکل را مرتفع کنند. اکنون اما وضع به گونه‌ای است که برخی توجه نکردن به گفته‌های مسئولان را به‌نوعی نشانه شجاعت قلمداد می‌کنند در حالی که آن‌موقع و در پاسخ به درخواست همکاری دکتر سپهر، در همان کنیسه محل، ۳۰-۴۰ نفر جمع شدند و گروه‌های دوسه نفره تشکیل دادند و با کیسه‌های ضدعفونی‌کننده راهی خانه‌ها شدند؛ اما آیا امروزه چنین چیزی شدنی است؟

آیا در این شرایطی که تصویر می‌کنید، قحطی نیز وجود داشت؟ اصلاً زندگی مردم با شیوع این بیماری به چه صورتی درآمد؟ قحطی نبود اما کمبودها و مشکلات به‌ویژه در مورد مسائل درمانی وجود داشت، به هر حال عوارض جنگ به

• آیا نمی‌توان وضعیتی که امروز به وجود آمده را با آن دوران یکسان دانست؟

خیر. وسعت کرونا به اندازه‌ای زیاد شده که قابل مقایسه با آن دوران نیست، این ویروس جهانی شده و تنها شامل گوشه‌ای از این شهر نمی‌شود. به‌نوعی این عارضه، عالم‌گیر شده و دامن همه را گرفته است و فقط باید امید داشت که این بلا از سر مردم رفع شود و به لطف خداوند خواهد شد. البته کشندگی تیفوس بیشتر بود و خود بیماری نیز بسیار ترسناک‌تر. تفاوت اینجاست که در امر تیفوس، ناقل معلوم بود و با آن مبارزه می‌شد.



تهران تیفوس‌زده

• توصیه‌تان به مخاطبان ما و کسانی که این روزها اخبار را دنبال می‌کنند، چیست؟

البته کسی به توصیه ما اهمیتی نمی‌دهد زیرا اگر بنا به اهمیت بود، مردم باید به حرف‌های مسئولان توجه بیشتری نشان می‌دادند! اما من فکر می‌کنم که همه باید خطر را جدی بگیریم و با هم همکاری کنیم. از اولیای امر نیز انتظار می‌رود مسائل را به گردن هم نیندازند و مسائل شخصی را مطرح نکنند. در روزگاری که کرونا بسیار تهدیدآمیز شده و حضور پزشکان، پرستاران و کارکنان خدمات درمانی موثر است، وظیفه نخست که نباید فراموش شود، آن است که وجود و حضور آنان را ارج بنهیم و قدر بدانیم. ■

منبع:

ایرنا [www.irna.ir/news/۸۳۷۱۵۸۹۶](http://www.irna.ir/news/۸۳۷۱۵۸۹۶)

• با توجه به اینکه کشور در میانه تحولات جنگ جهانی قرار داشت و ایران هم به اشغال درآمده بود، عملکرد دولت چگونه بود؟

دولت در آن زمان نقشی نداشت، البته بیمارستان سینا به‌عنوان بیمارستان بزرگ در این قضیه نقش آفرینی می‌کرد و همچنین حضور برخی نهادها پیدا بود اما دولت به طرز مشخصی وارد نشد. عده‌ای از کلیمیان در کار دارو بودند و دکتر سپهر نیز از آنان محلول‌های ضد عفونی‌کننده را می‌گرفت و توزیع می‌کرد؛ به بیان دیگر، همکاری مردم این بحران را رفع کرد.

• با توجه به اینکه شخص دکتر سپهر کلیمی بود، آیا بقیه اهالی نسبت به درمانگاه او دافعه نداشتند؟

اصلاً! هم‌اکنون نیز ۹۹ درصد از مراجعان بیمارستان را برادران مسلمان ما تشکیل می‌دهند و از همان زمان نیز هیچ فاصله‌ای میان ما نبود، این را به‌عنوان کسی می‌گویم که سال‌ها در بیمارستان کارمند بودم و بعد هم رئیس هیأت‌مدیره آن شدم. هیچ فاصله‌ای میان مردم به لحاظ اعتقادات دینی وجود نداشت اگرچه برخی اوقات حرف‌هایی زده می‌شد، اما همواره اصل بر تفاهم و تساهل و تسامح بود.

• طی چه سالیانی رئیس هیأت‌مدیره بیمارستان بودید؟

از سال ۱۳۵۶ تا نیمه دهه هشتاد، حدود سی سال.

• به بحث تیفوس بازگردیم؛ این بیماری نهایتاً طی چه مدت زمانی ریشه‌کن شد؟

تا جایی که که من بعداً تحقیق کردم شعاع ابتلا سرتاسر شهر را نگرفته بود یعنی در محدوده جنوب شهر از مولوی تا ناصرخسرو و خیابان ری بود. این امر شاید به این دلیل بود که آمدوشد زیادی وجود نداشت با وجود این اما تقریباً تا سال ۱۳۲۴ طول کشید تا این بیماری مهار شد چون ملت ایران فرهنگ و قابلیت مواجهه با تیفوس را داشت. به عبارت دیگر، شیوع این بیماری از سال ۱۹۴۲ تا آخر ۱۹۴۵ طول کشید.



ماساچوست اخذ کرده است. او که سابقه حضور در سمت رئیس کلی بانک مرکزی ایالات متحده (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴) را در کارنامه کاری خود دارد، در حال حاضر محقق ارشد اندیشکده بورکینگز است. اجداد او یهودیانی از اتریش و لیتوانی بودند که به امریکا مهاجرت کردند.

داگلاس وارن دایموند متولد ۱۹۵۳ است و پس از اخذ مدرک دکترای اقتصاد از دانشگاه ییل در سال ۱۹۸۰ به عنوان استاد امور مالی در دانشگاه شیکاگو مشغول به کار بوده است و بطور همزمان به عنوان استاد مدعو و پژوهشگر در دانشگاه‌ها و موسسات اقتصادی اشتغال دارد. وی چند سال ریاست انجمن اقتصاد امریکایی و انجمن اقتصاد غرب را بر عهده داشت. پدر او از نسل یهودیان اتریشی بود که به امریکا مهاجرت کردند. ■



Prof. Douglas W. Diamond

منابع:

- [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_Jewish\\_Nobel\\_laureates](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Jewish_Nobel_laureates)
- <https://per.euronews.com/2022/10/10/the-nobel-in-economics-to-three-americans-including-ex-fed-chairman-ben-bernanke>
- [http://www.jinfo.org/Nobels\\_Economics.htm](http://www.jinfo.org/Nobels_Economics.htm)

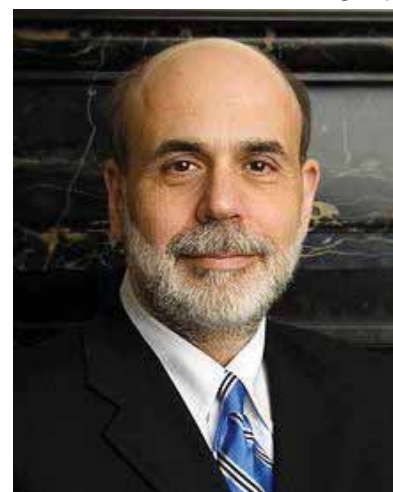
<sup>2</sup> Douglas Warren Diamond

## برندگان یهودی نوبل اقتصاد ۲۰۲۲

آرش آبائی

بن شالوم برنانکی<sup>۱</sup> و داگلاس دبلیو دایموند<sup>۲</sup>، دو نفر از سه برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد سال ۲۰۲۲، یهودی هستند. جایزه‌ی نوبل اقتصاد امسال به‌طور مشترک به سه اقتصاددان آمریکایی، «بن برنانکی»، رئیس سابق بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) و «داگلاس دایموند» و «فیلیپ دیبویگ» به دلیل تحقیقاتشان در زمینه بانک‌ها و بحران‌های مالی اهدا شد.

هیئت داوران نوبل اعلام کرد که این سه نفر «به‌طور قابل توجهی درک ما را از نقش بانک‌ها در اقتصاد، به ویژه در زمان بحران‌های مالی، و همچنین نحوه‌ی تنظیم بازارهای مالی بهبود بخشیدند.» در ادامه‌ی این بیانیه تاکید شده که یک یافته مهم در تحقیقات این سه نفر این است که چرا اجتناب از سقوط و ورشکستگی بانک‌ها حیاتی است و بر همین اساس، آنها توانایی ما را برای اجتناب از بحران‌های جدی افزایش داده‌اند.



Ben Shalom Bernanke

بن شالوم برنانکی، متولد ۱۹۵۳ است و در سال ۱۹۷۹ مدرک دکترای خود در اقتصاد را از موسسه فناوری

<sup>۱</sup> Ben Shalom Bernanke

## شیندلر چینی، ناجی هزاران یهودی



آتوسا آرمین

### • شیندلر چینی؟



از «هو» با لقب شیندلر چینی یاد می‌شود. زیرا همان‌گونه که اسکار شیندلر، سرمایه‌دار و صنعتگر آلمانی، با به‌کارگیری یهودیان در کارخانه‌اش مانع از اعزام آنان به اردوگاه‌های مرگ نازی و نهایتاً نجات ۱۲۰۰ تن شامل زنان، کودکان و افراد ناتوان

شد، اقدام متهورانه‌ی هو نیز جان بسیاری را از دوزخ اردوگاه‌های کار نجات داد. زمانی که تمامی سفارتخانه‌های خارجی در وین از ترس رودرویی با اشغالگران آلمانی درهای خود را بر یهودیان بسته بودند، هو تمام قد در حمایت آنان قد برافراشته بود. وقتی که ملک سفارت چین در وین به‌علت مالکیت یک یهودی مصادره شد، هو با هزینه‌ی شخصی مکانی را اجاره کرد تا بتواند به صدور ویزا و نجات افرادی که در خطر بودند ادامه دهد.

مانلی هو، دختر دیپلمات درگذشته که بیش از ده سال درباره‌ی زوایای گوناگون و کمتر دیده شده‌ی زندگی حرفه‌ای پدرش مطالعه و تحقیق کرده است، می‌گوید: "شخصیت پدرم دقیقاً همین‌گونه بود، صادق، رو راست و پایبند به اصول".

### • کارکرد این روایدها چگونه بود؟

روایدهای صادر شده منحصر به فرد بودند و فقط برای ورود به شانگهای معتبر بودند. در آن زمان شانگهای بندری

«هو فنگ شان» سرکنسول دولت ملی چین در وین اتریش بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ بود که با صدور چند هزار روایت و ورود به شانگهای، نجات بخش جان هزاران یهودی شد.

هنگامی که در سال ۱۹۹۷ «هو فنگ شان» ۹۶ ساله، دیپلمات پیشین چین در کالیفرنیا، آمریکا، درگذشت راز سر به مهری را با خود به گور برد ولی تک جمله‌ای از متن بزرگداشتی که یک دوست در سوگ او نوشته بود این راز را آشکار ساخت.

در طول زندگی طولانی‌اش او هیچ‌گاه درباره‌ی عمل قهرمانانه‌ای که انجام داده بود کلامی با همسر، فرزندان یا دوستانش صحبت نکرده بود. بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ و در زمان حکومت دولت ملی چین، هو سرکنسول چین در وین اتریش بود و امضایش مایه نجات هزاران یهودی از هولوکاست شد.

هنگامی که یهودیان اتریش نومیدانه در جستجوی روایت برای فرار از اتریش تحت اشغال آلمان نازی بودند، هو با سرپیچی از دستورات مستقیم مافوق‌هایش، برای آنان روایت صادر می‌کرد. تعداد دقیق روایدهای صادر شده و جان‌هایی که به این طریق نجات یافتند در طول زمان گم شده‌است ولی با توجه به شمارگان سریالی روایدها حداقل ۴۰۰۰ هزار مدرک صادر و در اختیار متقاضیان یهودی قرار گرفته است.

را تشکیل دادند. تیم‌های گوناگون ورزشی از فوتبال تا پینگ‌پنگ، ارکستر سمفونی و گروه‌های تاتر از این دست بود. از برجسته‌ترین فعالیت‌های آن‌ها می‌توان به انتشار ۱۰ نشریه‌ی آلمانی زبان با هیات‌های تحریریه‌ی مختلف اشاره کرد. این محله در میان ساکنانش «وین کوچک» نامیده می‌شد.

### • هو، مرد وجدان و مرحمت

«هو» زاده‌ی فقر بود. در خانواده‌ای پرجمعیت که پدرش را از دست داده بود، با زحمت و پشتکار ترقی کرده و به خدمت دولت ملی درآمده بود. عادت به پرگویی نداشت، لذا در زمان حیاتش وقایع وین در زمان جنگ ناگفته مانده بود. پس از درگذشت او متن یادنامه‌اش را دوست خبرنگارش در دوران جنگ نوشت. در این متن اشاره‌ی کوتاهی شده بود به این‌که هو برای نجان جان دوستان یهودی‌اش با گشتاپو درگیر شده بود. این اشاره‌ی کوتاه انگیزه‌ای شد برای دخترش مانلی که پیگیر اتفاقات زمان کنسولی پدرش شود.

پس از درگذشت هو، عنوان "نیکوکار غیر یهودی" از سوی بنیاد هولوکاست به وی اعطا شد. این درجه‌ی افتخاری به افراد غیر یهودی که جان خود را برای نجات یهودیان به خطر انداخته‌اند اعطا می‌شود. کنگره ایالات متحده نیز در سال ۲۰۰۸ با صدور قطعنامه‌ای از اقدامات قهرمانانه‌ی هو قدردانی کرد.

دختر هو می‌گوید: "پدرم می‌گفت که در زندگی هر نعمتی که نصیبتان شده است، هرچند ناچیز، باید همان قدر به دیگری ببخشید. مرام پدرم در زندگی چنین بود." ■

### منبع:

Wayne Chang, CNN, 2015

آزاد و تحت اشغال ارتش ژاپن بود که هیچ‌گونه قوانین مهاجرتی در آن اعمال نمی‌شد. پس فایده‌ی روادید ورود به شهری که هیچ کنترلی بر ورود و خروج از مرزهایش وجود نداشت چه بود؟ اینجاست که بصیرت هو مشخص می‌شود. دارندگان روادید شانگهای با در دست داشتن این مدرک مجاز به خروج از وین و عبور ترانزیت از دیگر کشورها بودند و بدین‌گونه امکان فرار به کشورهایی امن مهیا می‌شد. از طرف دیگر صدور روادیدهای متعدد به مقصد شانگهای این شهر را پناهگاهی امن برای یهودیان ساخته بود.

### • داستان یک نجات یافته

یکی از کسانی که روادید ورود به شانگهای را دریافت کرد اریک گلداستاب ۱۷ ساله بود. وقتی اتریش توسط ارتش نازی اشغال شد اریک به امید دریافت روادید به بسیاری از کنسولگری‌های خارجی مراجعه کرد و هر بار دست خالی برگشت. بعد از نزدیک به حدود ۵۰ بار تلاش بی‌حاصل، نومیدانه به سفارت دولت ملی چین رفت. گلداستاب در خاطراتش می‌نویسد: "شگفت زده شدم. کنسول با خوشرویی من را پذیرفت و به من اطمینان داد که روادید سفر به کشورش را برای من و خانواده‌ام صادر می‌کند." ۲۰ روادید برای خانواده گلداستاب صادر شد. او در سن ۹۱ سالگی در تورنتوی کانادا در گذشت.

### • یهودیان مهاجر شانگهای

در گرماگرم جنگ دوم جهانی، شانگهای همانند کشتی نوح پناهگاه یهودیان فراری اروپا بود. تخمین زده می‌شود که در سال ۱۹۴۳ جمعیت یهودیان آن منطقه ۲۵۰۰۰ نفر بوده است. ارتش اشغالگر ژاپن منطقه‌ای کنترل شده را به اسکان یهودیان اختصاص داده بود که به علت تراکم جمعیت، زندگی در این گتوی نو پا آسان نبود، امکانات بهداشتی محدود بود و همچنین همیشه ترس از امکان حمله ژاپنی‌های متحد آلمان وجود داشت. علیرغم تمامی مشکلات، جامعه‌ی یهودی شانگهای نهادهای مختص خود





## آمیزه‌های از عشق و هنر

مصاحبه با ادلیا خانزاده، هنرمند نوجوان یهودی

المیرا سعید

به سراغ هنرمند نوجوانی رفتیم که با داستان پرمهرش، آمیزه‌های از عشق و هنر را در قالب یک طرح، آراسته به زیور رنگ و قلم، روی کاشی نقش می‌زند و با سپردن آن به کوره، تابلویی خلق می‌شود بی بدیل، و دیوارها منظره‌هایی می‌شوند بی نظیر.  
ادلیا باور دارد که "هنر به زندگی رنگ مهربانی می‌پاشد".

### • کمی در مورد خودت بگو.

من ادلیا خانزاده هستم، متولد سال ۱۳۸۳ در تهران. فرزند اول خانواده هستم و یک خواهر و برادر دارم که از داشتن آنها خیلی خوشحالم. همچنین از داشتن پدر و مادرم که همیشه در کنارم و پا به پای من هستند، به خودم می‌بالم. هم اکنون در هنرستان سروش در رشته‌ی تولید محتوا مشغول به تحصیل هستم.

### • از چه زمانی و چطور به هنر کاشی‌کاری علاقه‌مند شدی؟

کلاس هفتم بودم که با توجه به استعداد هنری‌ام، معلم هنر پیشنهاد ثبت نام در کلاس کاشی‌کاری هفت رنگ را به من داد. اطلاعات کمی در مورد این هنر داشتم. بعد از تحقیق و پرس و جو و با کمک و تشویق‌های پدر و مادرم و چون علاقه به این هنر را در خود می‌دیدم، پیگیر شدم و بالاخره در کلاس‌ها ثبت نام کردم و اکنون دو سال است که هنر کاشی‌کاری را دنبال می‌کنم. این هنر را در آموزشگاه استاد رسولی فر آموختم. می‌خواهم از این طریق از این استاد مهربان و همکارشان نازنین خانم تشکر کنم. من مرتب برای یادگیری نزد استادم می‌روم و هر بار ایشان مطالب جدید و جذاب‌تری را در اختیارم می‌گذارند.

• توضیح بده چطور تابلوهایی به این زیبایی درست می‌کنی.

ابتدا طرح دلخواه را روی کاغذ کالک می‌کشم، دور طرح را سوزن‌کاری می‌کنم. سپس گرد زغال روی آن می‌ریزم تا طرح به کاشی منتقل شود. در مرحله بعد طرح روی کاشی را قلم‌گیری می‌کنم و بعد کاشی‌ها را با رنگ‌های دلخواه رنگ‌آمیزی می‌کنم. در مرحله‌ی آخر اگر طرح و رنگ بدون اشکال باشد به کوره برده می‌شود و به مدت ۷ الی ۹ ساعت کاشی پخته و آماده می‌شود.

### • تا به حال نمایشگاهی برای عرضه تابلوهایت برگزار کرده‌ای؟

بله. نمایشگاه کوچکی در شرکت امور استخدامی کشور بود که مورد استقبال قرار گرفت و نمایشگاه دیگری نیز در ساختمان سرابندی (کانون فرهنگی هنری اجتماعی کلیمیان) از ۲۱ الی ۲۴ شهریور ماه دایر بود که بسیار مورد توجه همکیشان واقع شد. پس از پایان سال تحصیلی ما یلم به امید خدا نمایشگاه دیگری برگزار کنم. در اینجا از همه کسانی که آمدند و با تشویق‌هایشان باعث دلگرمی من شدند، و به‌خصوص آقای ابراهیم سعیدیان که محل کانون را در اختیار گذاشتند، بسیار سپاسگزارم.



سپاسگزارم. از پدر و مادرم که در این راه کمک و یاور همیشگی‌ام هستند نیز تشکر می‌کنم.

\*\*\*

مادر ادلیای عزیز، آن‌هیتا سعیدیان نیز خود دستی در این هنر دارد. او که پا به پای دخترش این هنر را آموخته است و تابلوهای نفیس و زیبایی درست می‌کند، می‌گوید: «هنر کاشی‌کاری مانند هنرهای دیگر بسیار حساس و دقیق است که لازمه‌اش خالق است با روحیه‌ای لطیف، چنان‌که ادلیا از آن برخوردار است». او فرزندش را دختری کوشا، خلاق و مهربان خواند که تلاش او ستودنی است. همچنین استقبال و تشویق بازدیدکنندگان نمایشگاه را مرهون زحمات و حمایت‌های مرحوم خانم فرانک عراقی دانست. ■

لازم به ذکر است که مصاحبه با ادلیا خانزاده قبلا توسط شادروان فرانک عراقی، سردبیر مجله بینا، انجام شده بود که به علت بیماری و درگذشت ایشان، مدارکی از آن مصاحبه در دست نبود.

• بیشتر چه طرح‌هایی را خودت دوست داری روی کاشی کار کنی و به‌طور کلی از این‌که با دستانت خودت چیزی را خلق می‌کنی چه احساسی داری؟

نوشته روی کاشی‌های کوچک را خیلی دوست دارم و مردم هم آن را بیشتر می‌پسندند. وقتی کاشی از کوره درمی‌آید و تبدیل به یک تابلو می‌شود، خیلی خوشحال می‌شوم و اعتماد به نفسم بالا می‌رود.

• به عنوان یک هنرمند، چه سخنی با همسن و سالان خودت داری؟

هیچ کس نباید هنر را دست کم بگیرد و هیچ واکنشی مثل تشویق و دلگرم کردن، تأثیر گذار نیست که البته در مورد من وجود داشته است. به نظر من بهتر است هر کسی دنبال سلیقه‌ها، استعداد و علایق خودش باشد و اگر با جدیت و توکل بر خدا آنها را دنبال کند، حتما به آرزوهایش می‌رسد.

در پایان خدا را شاکرم که مرا در این مسیر قرار داد و لطفش شامل حالم هست. از آقای دکتر سامیح و دیگر افرادی که از من حمایت و پشتیبانی کردند، صمیمانه



## در میان کاکتوس‌ها

مصاحبه با دانیلا داوودی،  
پرورش دهنده گل و گیاه



مژده یمینیان

در نمایشگاه گل و گیاه امسال که در اردیبهشت ماه در بوستان گفتگو برگزار شد، گل‌ها و گیاهان گوناگونی نوازشگر روح تماشاگران بودند که هر کدام از آن‌ها، با رنگ، بافت، شکل و اندازه‌های مختلف به گونه‌ای از قدرت آفریدگار و دست‌های هنرمندانی که آن‌ها را پرورش داده بودند، سخن می‌گفتند. من مثل همیشه از دیدن این همه گل و گیاه، به وجد آمده بودم و ضمن لذت بردن از تماشای این گیاهان زیبا، به عکاسی از آنها می‌پرداختم. ناگهان، کاکتوس‌های زیبایی در یک غرفه نظر من را جلب کرد، آن گیاهان زیبا، چنان مرا مسحور کرده بودند که به چیزی جز عکاسی از آنها، فکر نمی‌کردم. پس از این که از چند کاکتوس زیبا، عکس گرفتم، سرم را بلند کردم و با چهره‌ای متین و آشنا مواجه شدم که از پشت گلدان‌های بسیار زیبا به من لبخند می‌زد و تازه متوجه شدم که این غرفه‌ی تاثیرگذار در نمایشگاه، متعلق به همکیش عزیز و گرمی، دانیلا داوودی است و کاشت و پرورش این کاکتوس‌ها، هنر اوست. حاصل این بازدید و صحبت با او، گزارش حاضر است.

• در ابتدا لطفا از خودتان بگویید.

دانیلا داوودی هستم، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه تهران.

• چگونه فکر احداث گلخانه در ذهن شما شکل گرفت؟

فکر می‌کنم علاقه به طبیعت و گل و گیاه، در ذات بشر وجود دارد. در دنیای امروز هم با ماشینی شدن و صنعتی شدن زندگی، نیاز به حضور در طبیعت و یا وجود المان‌هایی از آن، بیش از پیش حس می‌شود. من در خانواده‌ای بزرگ شدم که حضور در طبیعت در آخر هر هفته، جزء لاینفک آن بود. مادرم هم علاقه بسیار زیادی به پرورش گل و گیاه دارد و همیشه در منزل ما گلدان‌های خاص و با طراوتی بوده و هست. کم‌کم شروع به جمع‌آوری و پرورش کاکتوس و ساکولنت‌های خاص و منحصر به فرد کردم. آن زمان

انگیزه‌ای برای تاسیس گلخانه نداشتم و اصلا به عنوان یک شغل به آن نگاه نمی‌کردم، اما کم‌کم با ازدیاد گلدان‌ها و تکثیرشان، به فکر احداث گلخانه‌ای برای نگهداری از آنها در باغ خانوادگی‌مان افتادم.

• احداث گلخانه در چه سالی انجام شد؟

احداث بنای گلخانه به صورت رسمی از سال ۱۳۹۶ شروع شد و اکنون مجوزهای لازم را از وزارت جهاد کشاورزی و نظام مهندسی کشور نیز اخذ کرده‌ایم.

• در مورد نمایشگاه‌هایی که تا به حال داشته‌اید، توضیح دهید.

تنها بعد از گذشت چند ماه از احداث گلخانه، به نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه تهران دعوت شدم و استقبال بی‌نظیر بازدیدکنندگان و حتی اعضای برگزارکننده‌ی نمایشگاه، انگیزه‌ام را برای توسعه و پیشرفت هر چه بیشتر این کار در کنار شغل شخصی‌ام، دو چندان کرد. اولین حضور در نمایشگاه را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ در نمایشگاه بین‌المللی بوستان گفتگو، تجربه کردم و بعد از آن در نمایشگاه‌های متعددی در تهران و شهرستان‌ها شرکت کردم، از جمله نمایشگاه‌های ساری، سمنان، قزوین، اراک و...



و اکنون ۳ سال است که سفارش می‌گیرم و در کنار آن توانسته‌ام، ۳ مدرک بین‌المللی در این زمینه نیز به دست بیاورم.

با تشکر و آرزوی موفقیت.

## مقام اول کیوکوشین کاراته برای نوجوان

### کلیمی



"مهرزاد پنیاس رفیع" ورزشکار نوجوان کلیمی، موفق به کسب مقام اول مسابقات قهرمانی کشوری در رشته کیوکوشین شد. خاطرنشان می‌سازد این نونهال افتخار آفرین کلیمی، در یک خانواده کاملا ورزشی پرورش یافته است.

پدر مهرزاد در رشته بدنسازی و بادی بیلدینگ فعالیت داشته است. مادر وی، نگار نقره‌بیان دارای کمر بند مشکی در رشته کیوکوشین کاراته و در شرف گرفتن دان ۲ می‌باشد و مهیار، برادر مهرزاد نیز در سن ۱۷ سالگی در شرف گرفتن کمر بند مشکی تکواندو است. ■

پس از آن هر سال در نمایشگاه بوستان گفتگو شرکت کرده و چندین بار به عنوان بهترین و زیباترین غرفه انتخاب شدم.

• خیلی تبریک می‌گویم و دوست دارم بدانم، موقع پرورش گیاهان چه حسی دارید؟

قطعا کار کردن در فضایی شاد و پرانرژی، اثرات مثبت فراوانی برای همه ما دارد. با قلمه زدن و هنگام گل دادن و رشد کردن هر کدام از این گیاهان، قدرت خداوند متعال، بیشتر از همیشه، قابل درک خواهد بود.

• از موفقیت‌های دیگری که در زمینه پرورش گل و گیاه کسب کرده‌اید، برای مخاطبان مجله توضیح دهید.

به نظرم این موضوع که بدون پیش زمینه توانستم گلخانه‌ای را احداث کنم که اکنون در سطح کشور شناخته شده و معتبر است، موفقیت بزرگی است، اما در بازدید از باغ‌های مختلف و سفرهایی که در زمان دانشجویی، با خانواده و نیز از طرف دانشگاه، داشتم، متوجه وجود مشکل سرمازدگی و گرم‌زدگی در صنعت کشاورزی شدم که سالانه، هزاران میلیارد تومان خسارت در سطح کشور به بار می‌آورد. اکنون با کمک خداوند و پشتیبانی خانواده عزیزم، محلولی را فرموله کردم که نمونه مشابه داخلی ندارد و نمونه‌های خارجی گران قیمت آن نیز جوابگوی نیاز کشاورزان این مرز و بوم نیستند، در حالی که با اسپری تنها یک بار از این محصول، خطر سرمازدگی و گرم‌زدگی گیاهان و میوه‌ها به صفر می‌رسد و این‌گونه با ثبت اختراع این محصول، شغل اصلی من یعنی شرکت دانش بنیان جانپار، جان گرفت.

• می‌دانم افرادی که وارد عرصه هنر می‌شوند معمولا به یک هنر اکتفا نمی‌کنند، آیا شما هم در زمینه هنری دیگری فعالیت دارید؟

من از سنین نوجوانی به پخت کیک و شیرینی علاقه داشتم. از زمانی که دانشجو شدم، تصمیم گرفتم این رشته را به عنوان سرگرمی و هنر یاد بگیرم. استادام با دیدن استعداد و علاقه‌ام، پیشنهاد تاسیس صفحه در فضای مجازی و آموزش آکادمیک به طور هم زمان را به من دادند



## تاریخچه رقص در یهودیت



سیما اخلاقی (رفوآ)

مترجم زبان انگلیسی

به عنوان خدای شعر و موسیقی و در عین حال خدای رقص نیز می‌نامند. هندیان هم بر این باورند که جهان با رقص رقصنده عالی‌مرتب، "Nataraja" خلق شده است. در آئین یهودیت نیز در عهدعتیق و در کتاب‌های میشنا و تلمود به رقص اشاره شده است.

### • رقص‌های پیروزی

رقص‌هایی که در کتب مقدس یهودیت به آنها اشاره شده همراه با نوای دف و کرنا بوده و معمولاً اشاره به زمان‌هایی دارند که سربازان پس از پیروزی در جنگ به شهر خود بازمی‌گشتند و در آن زمان زنان با شادی و رقص کنان و با نوای ساز به استقبال آنان می‌رفتند.

در زمان خروج یهودیان از سرزمین مصر، پس از آن که یهودیان به سلامت از دریا عبور کردند "میريام" (مریم)، خواهر حضرت موسی، با دف و شادی شروع به آواز خواندن و رقصیدن کرد و سایر زنان قوم هم با او همراهی کردند (خروج فصل ۱۵). همچنین زمانی که "یيفتاح"<sup>۱</sup> (نهمین داور بنی‌اسرائیل) با پیروزی از جنگ بازگشت، دخترش رقص کنان و با دف و آواز به استقبال او رفت (کتاب داوران فصل ۳۵).

زمانی که حضرت داوود و پادشاه شائول از جنگ بازمی‌گشتند نیز در تمامی شهرها زنان و دختران با دف و

از زمان ظهور تمدن بشری رقص یکی از آمیزه‌های مهم در فرهنگ و مذاهب بوده است. در آن زمان به دلیل نبودن نوشتار و عدم امکان انتقال علم و تجربیات به نسل بعد، رقص به یک وسیله بسیار مهم برای انتقال دانسته‌ها و باورهای مذهبی به نسل‌های بعدی تبدیل شد. به تدریج رقص با به تصویر کشیدن و توصیف وقایع و افسانه‌ها و توانایی بیان احساسات، شادی‌ها و غم‌ها خیلی زود جای خود را در بسیاری از مراسم مذهبی، آئین‌ها و جشن‌ها باز کرد.

قدیمی‌ترین آثاری که بیانگر این واقعیت است مربوط به نقاشی‌هایی است که در غاری در کشور هند پیدا شده که قدمت ۹۰۰۰ ساله دارد. در آن تصاویر افرادی را می‌بینیم که پس از بازگشت موفقیت‌آمیز از شکار گرد هم جمع شده‌اند و می‌رقصند.

در مطالعه ادیان هم به این نکته پی می‌بریم که اکثر مذاهب قدیمی خدا یا خدایانی داشتند که پرستش این خدایان با رقص ارتباط نزدیکی داشته است. به عنوان مثال مصریان قدیم در جشن خدایان خود رقص‌های مختلفی را اجرا می‌کردند و در آثار به جای مانده در برخی از گورستان‌های قدیمی آنان تصاویر دخترانی را می‌بینیم که در حال رقص در پیش خدایان خود هستند.

یکی از خدایان فرهنگ یونان "آپولو" نام دارد که او را

<sup>1</sup> Jephthah

یهودا هناسی میشنا را تدوین کرد) که متوجه می‌شویم یهودیان در برخی مراسم مذهبی خود می‌رقصیدند. در جشنی که به هنگام برپایی میشکان (معبد مقدس) برگزار می‌شد مردم به هنگام انجام قربانی به دور قربانگاه می‌رقصیدند و شادی و پایکوبی می‌کردند.

جشن "سیمخت بت هسوتوا"<sup>۵</sup> (نیسوخ همئیم) که در عید سوکوت برگزار می‌شد با چنان رقص و شادی همراه بود که در میشنا آمده: "هر کس که شادمانی این جشن را ندیده تا به حال هیچ شادی را تجربه نکرده است". این جشن در ایام عید سوکوت اجرا می‌شد که پس از انجام قربانی، آب هم بر روی قربانگاه می‌ریختند. بر اساس تلمود، موعد سوکوت زمانی از سال است که خداوند در مورد بارش باران قضاوت می‌کند و ریزش آب در این زمان سمبلی از ریزش باران و درخواست از خداوند برای داشتن سال پر باران است. در این جشن افراد مشعل به دست می‌رقصیدند و سرودهایی در ستایش خداوند می‌خواندند و لای‌ها با موسیقی چنگ و دف و طبل با آنها همراهی می‌کردند.

در کتاب داوران (۲۱:۲۱) در توصیف جشن‌های سالانه که در شیلو برگزار می‌شد به مراسمی اشاره می‌شود که پسران برای خود همسر انتخاب می‌کردند. انتخاب همسر در جریان رقص‌هایی که در مزارع اجرا می‌شد یکی از رسوم متداول آن زمان بوده است. خیلی‌ها باور دارند که این رقص‌ها مربوط به جشن‌های روز پانزدهم ماه آو بوده است. طبق گفته‌های میشنا (تعنیت فصل ۴)، یکی از بزرگان یهودی، ربان شیمعون بن گمیلث، می‌گوید: "هیچ روز تعطیلی برای یهودیان مثل روز پانزدهم آو نیست که در آن روزها دختران یهودی با لباس‌های سفیدی که از یکدیگر قرض می‌گرفتند بیرون می‌رفتند و لذا هیچ کس به خاطر نداشتن لباس شرمنده نمی‌شد. دختران یهودی در حالی که

دایره در حالی که آواز می‌خواندند و می‌رقصیدند به پیشواز آنان رفتند (سموئیل یک فصل ۱۸).

## • رقص‌های خلسه‌آمیز (سماع)<sup>۲</sup>

در این نوع رقص فرد رقصنده بی‌توجه به حرکاتی که انجام می‌دهد خود را کاملا در اختیار ریتم و موسیقی قرار می‌دهد که به آن رقص "سماع" نیز می‌گویند. قویترین شاهدهی که در باره این نوع رقص و تاثیر الهام‌بخش آن در کتب مقدس یهود به آن اشاره شده به زمان "شائول" بازمی‌گردد. از کتاب "سموئل" (سموئیل) نقل می‌شود که شائول به کوه خدا می‌رود و در آنجا با گروهی مواجه می‌شود که با همراهی نوای سازهای مختلف و حرکات رقص مانند در حالت خلسه، نبوت و پیشگویی می‌کردند. در متن کتاب این‌گونه آمده: "روح خداوند بر تو قرار می‌گیرد و تو می‌توانی با آنها پیشگویی کنی و باید تبدیل به انسان دیگری بشوی". در این متن مستقیما به رقص اشاره‌ای نشده بلکه به حرکات خلسه‌واری اشاره شده که شاید بخش ذاتی آئین آنان بوده است. (کتاب سموئل: ۶-۵: ۱۰)

رقص حضرت داوود پیشاپیش صندوق عهد به هنگام حمل آن نمونه دیگری از این نوع رقص است. سرود مذهبی که در ستایش خداوند همراه با رقص خوانده می‌شد مردم را ترغیب می‌کرد که با رقص و زدن دف و دایره خداوند را ستایش کنند. «نام او را با رقص، تسبیح بخوانند»<sup>۳</sup> (مزامیر ۱۴۹) و «او را با دف و رقص، تسبیح بخوانید»<sup>۴</sup> (مزامیر ۱۵۰).

## • رقص‌های محلی (عامیانه)

توصیفاتی که از این گروه رقص‌ها داریم مربوط به زمان میشنا است (قرن سوم پیش از میلاد، زمانی که ربی

<sup>۴</sup> הללוהו בתף ומחול  
<sup>۵</sup> שמחת בית השואבה

<sup>2</sup> Ecstatic

<sup>۳</sup> הללו נשמו במחול

اما شکل و فرم رقص‌ها به مرور زمان تغییر کرد. در قرون وسطی رقص در بین یهودیان اروپایی به منظور ابراز شادی و تفریح (به دلیل فشارهای اجتماعی) به نقطه پایان خود رسید. در همین زمان در کشورهای فرانسه، آلمان و لهستان در گتوهای یهودیان و در محله‌هایی که جمعیت یهودیان زیاد بود تنها برای اجرای مراسم خاص سالن‌هایی برای همین منظور در نظر گرفته شده بود و مدیر سالن با یک گروه موسیقی مراسم رقص را همراهی می‌کرد. ولی با ظهور دوران رنسانس این دیدگاه تغییر کرد و یهودیان به رقص به عنوان یک نوع سرگرمی و یا حرکات آرامش بخش نگاه می‌کردند.

در کشور ایتالیا معلمینی که برای آموزش عبری و تلمود و تورات به خانه یهودیان می‌رفتند به کودکان آنان رقص و موسیقی را هم آموزش می‌دادند زیرا در آن زمان در این کشور قوانینی وضع شده بود که بر اساس آن مدارس که توسط یهودیان اداره می‌شدند و در آنها رقص و موسیقی آموزش داده می‌شد دیگر اجازه فعالیت نداشتند. مانند قوانینی که در سال‌های ۱۴۴۳ در ونیز و ۱۴۶۶ در پارما، یکی از شهرهای کشور ایتالیا، وضع شد. با این وجود، بنا به گفته نویسنده مقاله‌ای در سال ۱۴۶۳، معلم رقص یهودی در ایتالیا در این رشته استاد بودند. در قرن شانزدهم یک معلم رقص یهودی جایزه بهترین معلم رقص رم را به دست آورد.

### • رقص یهودیان آسیایی

در بین مجامعی از یهودیان از جمله یهودیان مراکش، گرجستان، لیبی و اتیوپی رقص قومی اهمیت بسیار زیادی دارد و در فرهنگ یهودیان یمن و کردستان اهمیت این موضوع بارزتر است و در زندگی روزانه و جشن‌های آنان نقش پر رنگی دارد.

رقص یهودیان یمنی روش و مشخصه متمایزی دارد که برگرفته از فرهنگ مذهبی و ملی آنان است. در مراسم

آواز می‌خواندند و می‌رقصیدند به سوی مزارع روانه می‌شدند. آنها چه می‌خواندند؟ مرد جوان سر خود را بالا بیاور و دختری را که پسندیدی انتخاب کن."

در شیره‌شیریم (غزل غزل‌های سلیمان) اشاره می‌بهمی به رقص دو گروهی شده که به نظر می‌رسد از یک رقص سنتی عروسی الهام گرفته شده است. (۷:۱)

در ادبیات تلمودی (کتوبوت ۱۷ الف) رقص دستجمعی مراسم عروسی با سایر رقص‌ها تفاوت عمده‌ای دارد و حتی آن قدر برای آن اهمیت قائل می‌شدند که همانند مراسم تشییع جنازه، باید در مکان عمومی راه را برای رقصندگان باز می‌کردند. رقصیدن به افتخار عروس و داماد یک نوع مراسم مذهبی تلقی می‌شد و عالم یهودی آن شهر و شاگردانش با همراهی آنها باید شادمانی خود را به نمایش می‌گذاشتند. به عنوان نمونه نقل می‌شود که در یکی از شهرها که عروسی برگزار می‌شد، ربی یهودا بر ایلائی در این مراسم با در دست گرفتن چند شاخه مورد سبز آواز خوانان پیشاپیش عروس و داماد می‌رقصیده و با رقص و آواز سایرین را همراهی می‌کرده است.

### • رقص مهاجران

زمانی که یهودیان به کشورهای مختلف مهاجرت کردند رقص هم مانند دیگر فعالیت‌های اجتماعی آنها تحت تاثیر فرهنگ مللی قرار می‌گرفت که در کشور آنان ساکن می‌شدند و به همین دلیل علمای دینی در آن زمان رقصیدن را در ملاء عام و مکان‌های عمومی این کشورها برای یهودیان ممنوع اعلام کردند.

در بسیاری از مباحثی که در ادبیات حاخامی مطرح شده واکنش آنان نسبت به رقص متفاوت بوده، گروهی با دیده اغماض به آن نگاه کرده‌اند و گروهی به شدت با آن مخالفت ورزیده‌اند. معه‌ذا همچنان رقص در مراسم عروسی، ضیافت‌های مربوط به عروسی، مناسبت‌هایی مانند شبات، یوریم، سیمحا تورا و سی و سوم عومر همچنان ادامه یافت



هیچ کس نفر اول است و نه هیچ کس نفر آخر، نه هیچ کس مقدم است و نه هیچ کس مؤخر، چون زنجیر نه ابتدا دارد و نه انتها. رقص حسیدی‌ها با حرکات آرام شروع می‌شود و همچنان که موسیقی ریتم تندتری می‌گیرد حرکات رقصندگان هم سریع‌تر می‌شود و دستان خود را به سمت بالا حرکت می‌دهند که سمبل تمایل آنان برای رسیدن به خدای یگانه است. ملودی‌های رقص با متونی همراه است که از تلمود و یا تورات گرفته شده است.

حاخام نحمان برسلاوی، نوهی بنیانگذار مکتب حسیدی، بر این باور است که رقصیدن به هنگام تفیلا (نیایش) یک فرمان مقدس است و به همین منظور او متن تفیلابی را نوشت که قبل از رقص با صدایی موزون می‌خوانند.

در مراسم سیمحا تورا (جشن تورات) رقص دستجمعی با در دست گرفتن تورات به نقطه اوج خود می‌رسد. حاخام یا پیش نماز کنیسه طومار تورات را در آغوش می‌گیرد و با تمرکز ذهنی و قلبی با همراهی سایر نمازگزاران دایره‌وار می‌رقصد و سایرین دست می‌زنند. آواز خواندن و دست در دست هم رقصیدن در مراسم شب شنبه به دور سفره‌ی خاص آن شب و نیز در مراسم هودالا (خروج از شبات) در شب یکشنبه هم بخش مهم اجرای مراسم این شب‌ها در بین حسیدی‌ها است. ■

#### منابع:

- I. Myjewishlearning
- II. Wikipedia

<sup>۷</sup> نزدیکی به خدا- اشاره به یک حالت روحانی دارد که به هنگام خواندن تفیلا (نماز) و یا انجام یک میصوا (صواب) به آن دست می‌یابیم.

رقص آنها زنان و مردان جدا می‌رقصند و معمولاً این رقص‌ها در مراسم و جشن‌ها برگزار می‌شود.

اساساً رقص مردان شامل حرکات محدود پا و دست در یک فضای محدود حرکتی است. در این رقص آنان در یک خط قرار می‌گیرند و زانو را کمی خم می‌کنند و دستان خود را به اطراف حرکت می‌دهند. معمولاً یک یا دو خواننده و یک ساز ریتمیک و دست زدن سایر رقصندگان آنها را همراهی می‌کند.

رقص زنان شامل حرکات محدودتری است. رقص زنان با آواز و دست زدن خود رقصندگان اجرا می‌شود و یا یک یا دو نوازنده زن دیگر هم با به صدا درآوردن ظروف مسی و یا طبل رقصندگان را همراهی می‌کنند.

#### ● رقص یهودیان حسیدی

در قرن هیجدهم، با ظهور یهودیان حسیدی (عارف مسلک) در اروپای شرقی رقص برای توده‌های یهودیان اهمیت زیادی پیدا کرد. حاخام بیسرائل بن الیعزر بعل شیم طوو، پایه‌گذار جنبش حسیدی، بر این باور بود که رقص می‌تواند علاقه و وابستگی افراد را نسبت به مذهب بیشتر کند (hitlahavut)<sup>۶</sup> و الحاق انسان را به خدا کاملتر می‌کند (devekut)<sup>۷</sup>. او به شاگردان خود یاد می‌داد که رقص یهودیان در برابر خداوند یک نوع تفیلا (نماز) است و از مزامیر داوود این‌گونه نقل می‌کرد: "تمامی استخوان‌های من باید بگویند خداوندا کیست مانند تو؟" (۱۰:۳۵)

در رقص یهودیان حسیدی، رقصندگان (مردان و زنان جدا از هم) به صورت دایره‌وار قرار می‌گیرند که نشانه فلسفه‌ی حسیدی است به این معنا که همه انسان‌ها با هم برابرند و همه مانند حلقه‌های زنجیر به هم مرتبطند. نه

<sup>۶</sup> به باور پیروان حسیدیسم شادی عمیق نسبت به خداوند از درون انسان ریشه می‌گیرد و از طریق همین شادی است که انسان منزله می‌شود.

## تأثیر موسیقی بر تغذیه



مژده یمینیان  
کارشناس تغذیه

امروزه، موسیقی علاوه بر آن که به عنوان هنر اول از گروه هنرهای هفت‌گانه، شناخته شده، در علوم پزشکی و روانشناسی هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حتی تأثیر موسیقی بر رشد گیاهان هم به اثبات رسیده است. تاکنون، تحقیقات زیادی در رابطه با تأثیر موسیقی در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها، توسط دانشمندان به انجام رسیده است که یکی از این تحقیقات، در رابطه با **تأثیر موسیقی بر تغذیه** می‌باشد که در ادامه ارائه می‌شود.

معمولاً در محیط‌هایی که سر و صدای زیادی وجود دارد، اکثر انسان‌ها، مواد غذایی‌ای را برای مصرف انتخاب می‌کنند که ارزش غذایی کمتری دارند و در محیط‌های آرام، انتخاب سالم‌تری برای مواد غذایی وجود دارد. در واقع سر و صدا و شلوغی، به صورت مستقیم روی پاسخ‌های فیزیولوژیکی بدن نظیر سطح فشار خون، ضربان قلب و انتقال دهنده‌های عصبی به عنوان پیام‌رسان‌های شیمیایی بدن و حتی میزان استرس، تأثیر می‌گذارند.

طبق تحقیقی که توسط دکتر دیپایان بیسواس<sup>۷</sup>، استاد بازاریابی در فلوریدای جنوبی صورت گرفت، موسیقی با صدای بلند، باعث افزایش سطح هیجان و تمایل انسان برای شروع رقص می‌باشد و در محیط‌های با صدای زیاد، با افزایش سطح تهیج، مردم بیشتر به سمت انتخاب غذاهای ناسالم می‌روند. در یک تحقیق مقدماتی دیگر، محققان

از صدای موسیقی طبیعت، صدای آرامش‌بخش قطرات باران، آبشار، امواج دریا، پرندگان... تا صدای دف میریام (مریم) هنگام گذشتن بنی‌اسرائیل از دریا و رهایی از بردگی فرعون... از صدای ساز حضرت داوود، هنگام راز و نیاز با خدا... تا آواز خوش شیره‌شیریم (غزل‌غزل‌های سلیمان) در شب‌های شبات<sup>۱</sup>... و از صدای آهنگین استغاثه‌ها به درگاه خداوند در چهل شب سلیحوت<sup>۲</sup>...

تا صدای منقلب‌کننده‌ی شوفار<sup>۳</sup> در ایام روش هسانا<sup>۴</sup> و یوم کیپور<sup>۵</sup> و آوازهای شادی در سیمحا تورا<sup>۶</sup>... همیشه و همیشه موسیقی در کنار ما بوده و چه به صورت طبیعی و چه به صورت موسیقی ساخت بشر با سبک‌های مختلف، در همه‌ی شرایط، از غم و غصه گرفته تا شادی و هیجان، به عمق جان ما نفوذ می‌کند و روح ما را تا دستیابی به حس خوب و آرامش، همراهی می‌کند. حس لذت از موسیقی، یکی از نعماتی است که خداوند به صورت غریزی در وجود همه انسان‌ها قرار داده تا نوازشگر روح ما باشد و این احساس زیبا، از همان زمان آغاز خلقت، با بشر همراه بوده و می‌ماند.

تأثیر موسیقی بر جسم و جان انسان به اندازه‌ی زیاد است که حتی جنین به صدای آواز مادر و موسیقی، واکنش نشان می‌دهد و پس از تولد با صدای آوازی که مادر در دوران بارداری، زمزمه می‌کرده، به آرامش می‌رسد.

<sup>۵</sup> روز کفاره

<sup>۶</sup> عید تکمیل قرائت تورات

<sup>۷</sup>Dipayan biswas

<sup>۱</sup> شنبه

<sup>۲</sup> توبه

<sup>۳</sup> کرنا- شاخ قوچ

<sup>۴</sup> سال نو عبری



آرامش، می‌تواند نقش بسزایی در تغذیه‌ی آگاهانه و رفتار غذایی سالم داشته باشد.

بر اساس تحقیق دیگری که توسط روانشناسان صورت گرفت، گوش دادن به موسیقی که با زبان بیگانه باشد، باعث افزایش زمان مصرف غذا می‌شود، در این رابطه فردی به نام دانیلا کیسر<sup>۸</sup> از دانشگاه هوهنهایم<sup>۹</sup> در کشور آلمان، تحقیقی روی ۱۴۷ نفر شرکت کننده انجام داد و تاثیر روش‌های ارسال موسیقی را در زمان غذا خوردن در یک وعده غذایی روی آن‌ها، بررسی کرد. بدین صورت که ۱۴۷ نفر شرکت کننده از کشور آلمان، برای صرف وعده ناهار، به پنج گروه در شرایط مختلف تقسیم شدند.

گروه اول در شرایط کنترل شده و سکوت غذا خوردند. گروه دوم در شرایطی همراه با موسیقی بی‌کلام از

دریافتند که حتی قرار گرفتن در معرض یک موسیقی به صورت کوتاه مدت هم می‌تواند بر عملکرد سیستم قلبی، عروقی و تنفس، تاثیر بگذارد، به‌صورتی که ریتم‌های آهسته‌تر می‌توانند با کاهش فشار خون و تعداد تنفس و ضربان قلب، باعث ایجاد حالت راحتی و آرامش بیشتری بشوند و محیط‌های شلوغ با افزایش سطح استرس و هیجان، مردم را بیشتر به سمت مصرف غذاهای پرکالری و پرچربی سوق می‌دهند. موسیقی با صدای بلند باعث می‌شود که در رستوران‌ها، مشتریان علاوه بر مصرف غذاهای پرکالری و پرچربی، به همراه نوشیدنی‌های غیر الکلی، نوشیدنی الکلی هم مصرف کنند و موسیقی با ریتم آرام، باعث می‌شود که مشتریان مدت زمان بیشتری در رستوران بمانند و نوشیدنی سالم بیشتری مصرف کنند. موسیقی با ریتم آهسته، با کاهش استرس و افزایش

<sup>۸</sup>Daniela Kaiser

<sup>۹</sup>Hohenheim



یک ریتم یکنواخت، به ما کمک می‌کند تا غذای سالم-تری انتخاب کنیم و غذا را بهتر بجویم. یک موسیقی مناسب باعث می‌شود تا هنگام غذا خوردن، از حواس پرتی-های غیرضروری دوری کنیم و ذهن آگاهانه غذا بخوریم، در نتیجه زودتر به احساس سیری دسترسی پیدا کنیم و از دریافت کالری بیش از مقدار مورد نیاز خودداری کنیم.

تحقیقی در دانشگاه کرنل<sup>۱۲</sup> آمریکا نشان داد که غذا خوردن به همراه موسیقی مناسب، نه تنها بر هضم غذا تاثیرگذار است، بلکه می‌تواند روی درک مزه غذا و اشتها هم تاثیر بگذارد و موسیقی مناسب در کنار وعده‌های غذایی، با ایجاد احساس آرامش می‌تواند کالری دریافتی از طریق غذا را تا حدود ۱۷۵ کیلوکالری، کاهش دهد. طبق تحقیقی دیگر در دانشگاه مریلند<sup>۱۳</sup> آمریکا، هر فعالیتی که همراه با موسیقی انجام گیرد، بازدهی بیشتری خواهد داشت، مخصوصا اگر فردی بخواهد به فعالیت خلاقانه بپردازد. بنابراین گوش دادن به موسیقی، حتی در هنگام تهیه غذا هم می‌تواند استرس را کاهش دهد و به فردی که آشپزی می‌کند، انگیزه دهد و استفاده از این تکنیک برای افرادی که به آشپزی علاقه ندارند نیز سودمند است.

به طور کلی از این تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت که مصرف غذا همراه با موسیقی با ریتم آرام باعث کاهش استرس، هضم و جذب بهتر مواد مغذی، تمرکز بیشتر روی غذای مصرفی، بهتر جویدن غذا، مصرف غذا در مدت زمان مناسب، دسترسی سریع‌تر به احساس سیری و در نتیجه جلوگیری از دریافت کالری اضافی و اضافه وزن، می‌شود. ■

#### منابع:

1. The unexpected link between music and food consumption by Melissa Sammy, MDlinx april2,2019
2. Does music affect meal duration and food intake? By Psypost – august 31,2016
3. Benefits of listening to music while eating by Lorraine Richardson

<sup>12</sup>Cornell

<sup>13</sup>Meryland.

طریق اسپیکر<sup>۱۰</sup>، غذا خوردند.

گروه سوم در شرایطی همراه با موسیقی بی‌کلام از طریق هدفون<sup>۱۱</sup>، غذا خوردند.

گروه چهارم در شرایطی همراه با موسیقی پاپ با کلام انگلیسی (زبان بیگانه)، غذا خوردند.

گروه پنجم در شرایطی همراه با موسیقی پاپ با کلام آلمانی (زبان مادری)، غذا خوردند.

نتیج این تحقیق نشان داد گروهی که همراه با صرف غذا به موسیقی با کلام انگلیسی که برای آن‌ها زبان بیگانه بود، گوش می‌دادند، در مقایسه با گروهی که همراه با صرف غذا به موسیقی با کلام آلمانی که زبان مادریشان بود، گوش می‌دادند، زمان بیشتری به غذا خوردن اختصاص دادند و شیوه ارسال موسیقی از طریق هدفون و یا اسپیکر، تاثیری بر میزان غذای مصرفی نداشت.

محققان نتیجه‌گیری کردند که تاثیر ناخودآگاه محرک-های شنیداری نباید کم اهمیت پنداشته شود و این فاکتورها می‌تواند غذای دریافتی مردم را تحت تاثیر قرار دهد، بنابراین استفاده از این شیوه برای پیدا کردن راهکارهای جدید جهت افزایش یا کاهش غذای دریافتی می‌تواند در بسیاری از مراکز بالینی و غیربالینی، سودمند باشد.

### فواید غذا خوردن همراه با موسیقی

هرچه محیطی که در آن غذا می‌خوریم، آرام‌تر باشد، هضم غذا بهتر صورت می‌گیرد و غذا خوردن همراه با شنیدن موسیقی مناسب، با کاهش استرس و تمدد اعصاب، باعث هضم بهتر غذا می‌شود. استرس و عصبانیت باعث اختلال در هضم و جذب می‌شود و گوش دادن به موسیقی در زمان غذا خوردن، یک راه مناسب برای رهایی از این دو عامل مخرب می‌باشد. در نتیجه مواد مغذی بیشتری هم جذب می‌شود.

<sup>10</sup>Speaker

<sup>11</sup>Headphone



## چه کسی پاسخگوست؟!



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

دارم از مسئولیت‌پذیری صحبت می‌کنم، توانایی پاسخ-گویی فرد به اهداف، وظایف و تعهدات خود. مسئولیت-پذیری یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی بلوغ فکری و عقلی است. کسی که این شاخصه را دارد خودش را می-شناسد، می‌داند چه می‌خواهد و چه چیزهایی او را خوشحال و راضی می‌کند، به تصمیمات خود و پیامدهای آنها به خوبی فکر می‌کند، تفکر نقادانه دارد و از چیزهایی که نفعی برای او و نزدیکانش ندارد دوری می‌کند.

اما قابل اعتماد نبودن، نداشتن هدف، بی‌انگیزگی و به سرانجام نرساندن کارها، نشانگر ناپختگی و نداشتن بلوغ شخصیتی در فرد است. اشخاص نابالغ یا به عبارتی کسانی که احساس مسئولیت نمی‌کنند، افرادی هستند که همگام با افزایش سن‌شان بزرگ نشده‌اند؛ مردان و زنانی که این ضعف را دارند، شخصیت‌شان «بالغ» آلوده به «کودکی» است که از رفتارهای مسئولانه و سنجیده طفره می‌روند و حرکت بر مدار هیجان کودکی، برایشان جذاب‌تر و دلخواه‌تر از حرکت بر مدار عقل و منطق بالغ‌شان است. رفته رفته بی‌مسئولیتی به خصلت‌هایی نظیر متوقع بودن، خودخواهی، منفعت‌طلبی، لجبازی و زیاده‌خواهی منجر می‌شود و هرگز نمی‌توان از کسی که در قبال خود مسئول نیست، انتظار داشت در برابر دیگری احساس مسئولیت داشته باشد.

\*\*\*

- تلاش می‌کنی وارد دانشگاه بشی، بعد که وارد شدی درس نمی‌خونی، فقط شب امتحان یه جواری می‌خونی که نمره بگیری.
- تلاش می‌کنی ازدواج کنی، هر چی کتاب مربوط به روابط خوب بین دو جنس وجود داره می‌خونی و توی رابطه‌ات سنگ تموم می‌ذاری، بعد که ازدواج می‌کنی اونو رو به کار نمی‌گیری.
- دلت می‌خواد بچه دار بشی، بعد که می‌شی با او رفتار درستی نداری.
- مبتلا به مصرف مواد و الکل می‌شی چون توجیهات اینه که مشکلات و گیر و گرفتاری‌هات از بچگی خیلی زیاد بودن.
- مدت‌هاست سری به پزشک نزدی و چک آپ نکردی و از اوضاع جسمیت بی‌اطلاعی، چون فکر می‌کنی مشکلی نداری و دکترها همه‌شون می-خوان پول به جیب بززن.
- حرف می‌زنی ولی عمل نمی‌کنی، با خودت یا دیگری قرار می‌ذاری و وعده می‌دی اما به هم می‌زنی یا فراموش می‌کنی.
- به خانواده‌ات رسیدگی می‌کنی، کارهای همکاریات رو به جاشون انجام می‌دی، دوستت رو به دکتر می-بری، به نوهی خاله‌ات کمک می‌کنی زن بگیره، شوهر دختر عموت نیاز مالی داره کمکش می‌کنی و... اما به کارهای شخصی و برنامه‌های مهم زندگی خودت اهمیت نمی‌دی.

\*\*\*



آقا / خانم! رابطه‌ی عاطفی‌ات را روی هوا رها کرده‌ای، نه دل دادی که بماند نه رهاپیش کردی که برود، فقط نشستنتی تا خود به خود اتفاقی بیفتد تا از این وضعیت رها شوید. آیا از پیامدها و نتایجی که در انتظارت است اطلاع داری؟

مادر جان! وقتی با دیدن و شنیدن مشکلات دختر و دامادت گریه می‌کنی و پشیمانی که با این خانواده وصلت کرده‌اید، فراموش نکن که فقط یک ماه از آشنایی آن دو گذشته بود که بدون تحقیق، مشاوره و صبر برای شناخت بیشتری، بساط بله گفتن و نامزدی‌شان را جور کردی.

آقا / خانم! وقتی نیاز به مشاوره روانشناختی یا کلاس آموزشی داری اما مقاومت می‌کنی و می‌گویی فایده‌ای ندارد یا خودم بلدم، مگر می‌خواهند چه بگویند، آیا با نسخه‌های تجویزی مادرت، عمه‌ات، دوستان و همکارانت حال بهتری داری و مسئله‌ها و مشکلات ذهنی‌ات برطرف شده‌اند؟

### • چه کسی جوابگوست؟

دختر عزیز! پنج سال با پسری دوست بودی و قصد کردید با هم ازدواج کنید، فردای ازدواج و قرار گرفتن زیر یک سقف متوجه شدی شوهرت اعتیاد دارد! در آن پنج سال چه می‌کردی؟ چطور با هم دوستی می‌کردید؟ در آن مدت چگونه شناخت خود را از او تکمیل کردی که تصمیم به

آقا! وقتی مصرف کننده‌ی مواد هستی چرا سراغ ازدواج و بعد هم بچه‌دار شدن رفتی؟ دغدغه‌ها، مدل زندگی کردن و ارتباطات تو با زندگی مشترک و تربیت فرزند ناهمخوان است. تو مسئول جسم، هیجان، افکار و واکنش‌های خودت نیستی، این مواد است که تو را مدیریت می‌کند، پس چطور می‌توانی مسئول مراقبت از زندگی مشترک باشی؟

خانم! چند دندان خراب نیاز به ترمیم داری، اقدام نمی‌کنی یا رژیم‌هایی را شروع می‌کنی بعد وسط کار رها می‌کنی، در چند کانال طب سنتی و تغذیه سالم عضو هستی اما آنها را به کار نمی‌گیری.

آقا / خانم! خودت زندگی نابسامانی داری، قصد داری از همسرت جدا شوی، از زندگی مشترک بدگویی می‌کنی، بعد برای دختران و پسران دیگر مورد ازدواج پیدا می‌کنی و سعی در تحمیل آنها داری؟ به آنها چه توصیه‌هایی می‌کنی؟ چطور به ازدواج ترغیب‌شان می‌کنی؟

### • چه کسی پاسخگوست؟

پدرجان! صبح سرکار می‌روی تا شب، شب هم که به خانه می‌روی حوصله نداری به همسر و بچه‌هایت کمی وقت اختصاص دهی، با بچه‌ها بازی کنی و با همسرت صحبت کنی یا حرف‌های او را بشنوی. خودت می‌دانی که برای گوشه‌ای بیشتر وقت و حوصله داری. گاهی اقرار می‌کنی که رابطه‌ات با آنها کم است، گاهی انکار می‌کنی، اما حاضر به تغییر اوضاع نیستی و برایش اقدامی نمی‌کنی.

آقا / خانم! در چندین پیچ روانشناسی و تربیت کودک عضو هستی، مرتب به آنها سر می‌زنی و پست‌ها و فیلم‌های آموزشی را نگاه می‌کنی، اما هنوز وقتی از دست بچه‌ات از کوره در می‌روی روش‌های تنبیهی خودت را پیاده می‌کنی. خواهر محترم! می‌دانی که برادرت اعتیاد به مواد دارد،

راه میفتی و برای او اقدام به زن گرفتن می‌کنی، آیا بعد از این که آنها ازدواج کردند و با دو بچه، از تنش، دعوا، قهر و بی‌پولی به جان آمدند، می‌توانی پاسخگو باشی؟ یا رویت را برمی‌گردانی و می‌گویی به من چه، دختر و خانواده‌اش باید چشم‌هایشان را باز می‌کردند!

چه کسی مسئول است؟



ازدواج با او گرفتی؟

آقا / خانم! در مشاجرات و دعواها وقتی صدایت را بلند می‌کنی و داد می‌زنی یا ناسزا می‌گویی و با توهین، تمام تقصیرات را به گردن طرف مقابل می‌اندازی، سهم خودت کجاست؟ خودت از این داستان چه درسی می‌گیری؟  
پدر / مادر! وقتی در زندگی مشترک فرزندت دخالت می‌کنی، طرفداری یا قضاوت بی‌جا می‌کنی و توصیه‌های غیرکارشناسی می‌دهی، آیا می‌پذیری که او هیچ‌گاه قادر به مستقل شدن نباشد، همیشه به شما وابسته باشد و نتواند خودش فکر کند و تصمیم بگیرد؟

کسی که روی خودش و ضعف‌هایش کار کرده و مهارت مهم مسئولیت‌پذیری را به دست آورده، خودش را می‌شناسد، از خود و انگیزه‌هایش اطلاع دارد که چه می‌خواهد و باید چه راهی را دنبال کند. چنین شخصی که زندگی‌اش با برنامه و تعهد نسبت به خودش پیش می‌رود قادر است به مسئولیت‌ها و وظایفش در مقابل دیگران هم به خوبی عمل کند.

نکته مهم داستان این است که افراد پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت رفتار و انتخاب‌هایشان و نتیجه‌ای را که حاصل می‌کنند ارزیابی نمی‌کنند یا این که بسیار سطحی ارزیابی می‌کنند. فرد جراحت دیده از خار کاکتوس‌ها قبل از پریدن روی کاکتوس‌ها پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت انتخاب خود را به درستی ارزیابی نکرده بود؛ همان طور که بسیاری از ما ممکن است به هنگام ترس، غم، عصبانیت و ناکامی انتخابی را که به ذهن مان می‌آید خوب ارزیابی نکنیم، از این رو دست به اقدام می‌زنیم و پس از روبه رو شدن با نتایج منفی آن می‌گوییم: "در آن لحظه فکر خوبی به نظر می‌رسید." (برگرفته از کتاب دعوت به مسئولیت-پذیری، دکتر علی صاحبی، ۱۳۹۹)

فرد مسئولیت‌پذیر توانایی پاسخگویی دارد، اول به خودش بعد به دیگران. کسی که روی خودش و ضعف‌هایش کار کرده و مهارت مهم مسئولیت‌پذیری را به دست آورده، خودش را می‌شناسد، از خود و انگیزه‌هایش اطلاع دارد که چه می‌خواهد و باید چه راهی را دنبال کند. چنین شخصی که زندگی‌اش با برنامه و تعهد نسبت به خودش پیش می‌رود قادر است به مسئولیت‌ها و وظایفش در مقابل دیگران هم به خوبی عمل کند.

وقتی قصد دارید دست به انتخاب بزنید، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل، ازدواج، رژیم گرفتن، فرزنددار شدن، ورزش کردن، مصرف کردن سیگار، مواد و الکل، یادگیری زبان جدید، مهاجرت به شهر یا کشور دیگر و ... این سوالات را از خود بپرسید:

آیا این انتخاب مرا به جایی که می‌خواهم، خواهد برد؟  
آیا مقصدی که به سمتش می‌روم واقعا جایی است که می‌خواهم باشم؟

آیا این انتخاب‌ها تاکنون موثر بوده‌اند؟ اگر ادامه بدهم مرا به نتیجه‌ی مطلوب خواهد رساند؟ ■

\*\*\*

روزی شخصی برای بازدید از پارک کاکتوس رفته بود که ناگهان متوجه شد جوانی لباس‌های خود را در آورده و خود را روی بوته‌های خاردار کاکتوس می‌غلطانند و فریاد می‌کشد و ناله می‌کند. افراد حاضر در پارک با کمک کارکنان پارک، مرد را به زحمت از لابلای کاکتوس‌ها بیرون می‌کشند. امدادگران بدن جراحات دیده‌ی او را درمان می‌کنند و او از شدت درد به خود می‌پیچد. از او می‌پرسند: "چرا این کار را کردی؟" مرد جواب می‌دهد: "در آن لحظه به نظرم رسید فکر خوبی است و فکر می‌کردم احساس خوبی پیدا کنم."



## طلاق: یک آسیب و زخم گاه ناگزیر



مرجان یشایایی

روزنامه‌نگار و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

بنای این قلم بر قضاوت درباره چند و چون ورود روحانیت یهودی در مسئله‌ی طلاق نیست، بلکه غرض نگاهی به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی طلاق است که در اکثریت موارد تبدیل به گره‌ای کور می‌شود.

### • جنبه‌های فرهنگی: طلاق از دیرباز در فرهنگ

یهودی امری نکوهش‌شده بوده است و اعتقادات دینی و همین‌طور باورهای فرهنگی، آن را تا حد یک فروپاشی کامل نشان داده است. خوب یا بد، امروز دیگر نمی‌توان وجود اختلافات خانوادگی را نادیده گرفت و فکر کرد با ریش سفیدی و پادرمیانی می‌توان زوجی را وادار به ادامه‌ی زندگی تا پایان عمر کرد. اگر نخواهیم دگرگونی‌های جهان جدید را بشناسیم و با آنها همراه شویم، طوفان این جریان‌ها ما را با خود خواهند برد.

پیشرفت‌ها در نقش اجتماعی زنان و امکان ادامه تحصیل و کسب درآمد مستقل و نیز امکان مهاجرت که افقی دیگر برای زندگی را برای دختران جوان باز کرده، باعث فاصله گرفتن زن یهودی از نقش سنتی خود شده و طبیعی است که دختران و زنان جامعه یهودی امروز دیگر با دلایل سنتی برای ادامه زندگی‌ای که بر وفق مرادشان نیست قانع نمی‌شوند.

در هر صورت، بر هم خوردن یک زندگی مشترک زخمی است بر زندگی هر دو طرف ازدواج و اگر فرزند یا فرزندی هم در این بین باشند، بی شک این زخم، فرزندان را هم بی‌نصیب نمی‌گذارد و بحرانی را در کل خانواده و حتی بستگان دیگر ایجاد می‌کند.

ناممکن بودن طلاق بدون حضور و رضایت هر دو طرف که روزگاری بر مبنای اصل درست مشارکت زوج و زوجه در طلاق پایه‌گذاری شده بود، حالا با تغییرات دنیای

جامعه‌ی یهودی ایران جامعه‌ای سنتی است و به دلیل بافت در هم تنیده‌ی اجتماعی و روابط سنتی که قرن‌ها در یک محدوده خاص قومی و مذهبی در جریان بوده، نسبت به تغییرات مقاوم است. این جامعه با کمک همین روابط به هم تنیده سنتی و مذهبی توانسته خود را در جریان تند رویدادهای به خصوص ۱۵۰ سال گذشته در ایران که جریان مدرنیته آغاز شده، حفظ کند.

دیوار سنتی که ایرانیان یهودی طی قرن‌ها به دور خود ساخته‌اند، بی‌آنکه بخواهیم درباره کلیت آن نظر خوب یا بد بدهیم، در واقع سنگر روابط و باورهای سنتی آن‌ها بوده که یهودیان را به صورت جامعه‌ای بسته نگه داشته و حتی با وجود مهاجرت، این شرایط تا حدودی باقی مانده و همچنین روابط یهودیان ایرانی در کشورهای دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

به دلیل همین دیوار فرهنگی و مذهبی و شرعی، تحولات دنیای جدید از جمله تغییرات در روابط خانوادگی و اصل تعریف خانواده و نوع حل و فصل روابط خانوادگی بسیار دیر در جامعه کوچک ما خود را نشان داده است. هر چند که بسیاری از ما بر این باوریم که مشکل همواره در زیر پوست جامعه خزیده، اما توان بیان نداشته است.

### • طلاق

طلاق یکی از پرچالش‌ترین موضوعات اجتماعی در بین یهودیان ایرانی و سراسر جهان است. روحانیت یهودی که در برخی موارد جاری شدن احکام عرفی و رایج را به جای احکام شرعی پذیرفته است، درباره‌ی روند و دادن حق طلاق به هر یک از زوجین هیچ انعطافی نشان نداده و در بر همان پاشنه می‌گردد که ده‌ها و صدها سال قبل می‌گشته است.

مسخره کردن و دست انداختن، تحقیر و تهدید یا حتی ترساندن و خشونت‌های اقتصادی که مانع از آزادی اقتصادی و رفاه در خانواده می‌شود و همینطور نقل قول‌هایی که طرف مقابل را بی‌آبرو می‌کند، همگی مصادیق خشونت هستند که اغلب در اختلافات خانوادگی از هر دو طرف دیده می‌شود و طلاق را بسیار آسیب‌زا و پرهزینه می‌کند. در جامعه‌ی یهودی ایران و جهان، داشتن حق انحصاری طلاق برای مرد و اعمال فشار از طرف زوج هم نوعی خشونت به حساب می‌آید.

### • کار فرهنگی چیست؟

با توجه به رشد سریع تقاضاهای طلاق در جامعه‌ی یهودی ایران، دیگر نمی‌توان از کنار این مسئله به سادگی عبور کرد. اینکه زوجها باید از هر راهی و مهم‌تر از همه از طریق مراجعه به مشاور کارآمد، بیشترین تلاش را برای حفظ یک ازدواج انجام دهند، البته گزینه بسیار درستی است. اما آنگاه که به هر دلیل، کار یک زندگی مشترک به طلاق می‌کشد، باید فرهنگ جامعه آنقدر رشد پیدا کرده باشد که این روند با حداقل آسیب به افراد خانواده طی شود.

نقش روحانیت یهودی و سایر ارگان‌های مدیریتی جامعه را می‌توان این‌گونه شمرد:

اول- دیدن مشکلی به نام اختلافات زناشویی و طلاق، و نه انکار و سرکوب آن.

دوم- وارد کردن کارشناسان به روند اختلافات خانوادگی و شناسایی نقش آنها در حل کردن این اختلافات یا طی کردن روند طلاق با کمترین آسیب.

سوم- کار فرهنگی بر جامعه برای پذیرش امری ناخوشایند که گاه گریزی از آن نیست. یکی از آسیب‌های جدی در روند طلاق در جامعه‌ی ما، دخالت‌ها و اظهارنظرهای اطرافیان است. این دخالت‌ها چه دلسوزانه باشد یا غرض‌ورزانه، در هر صورت دردی از خانواده‌ی بحران‌زده دوا نخواهد کرد. بنابراین، بهتر است به جامعه آموزش دهیم که در امر اختلافات زناشویی تا حد امکان و به‌خصوص بدون رضایت زوج و زوجه، دخالت نکنند. ■

مدرن و ناکارآمد شدن ابزارهای سنتی و ریش‌سفیدی در حل مسائل خانوادگی، در بسیاری از موارد عملاً به ابزار فشار و اعمال خشونت و حتی باج‌گیری بدل شده است. پیشنهاد‌های هنگفت مالی برای دادن طلاق که اغلب از سوی مرد داده می‌شود، عملاً خانواده‌ی طرف مقابل را به دادن باج مجبور می‌کند و سرمایه‌ای که قرار است آینده‌ی فرزند طلاق گرفته را بسازد، باید تقدیم طرف مقابل شود.

تردیدی نیست که راه حل قطعی را در این یادداشت نمی‌توان برای این مشکل قدیمی ارائه کرد، اما حتماً باید برای پیدا کردن راه حل با اجماع نهادهای مسئول اقدامی کرد.

### • زخم را بشناسیم نه این که انکار کنیم

پیشگیری بهتر از درمان است. در قدم اول باید به جوانان و نوجوانان مان یاد بدهیم، از نظرهای روانشناسی و مشاوره در طول زندگی کمک بگیرند و پیش از قدم گذاشتن در راه ازدواج، با کمک کارشناسان امکان خطا و شکست را به حداقل برسانند و با آگاهی پا به میدان دشوار زناشویی بگذارند. اما در صورت بروز اختلاف، بی‌تردید، اولین قدم در هر اختلاف زناشویی باید حل مشکل با مشارکت زن و مرد و با کمک کارشناسان صاحب صلاحیت باشد، اما این مهم با چند عامل مهم محقق می‌شود:

اول: زن و مرد هر دو بخواهند که از کارشناسان کمک بگیرند. متأسفانه تجربه نشان می‌دهد که زن و مرد یهودی ایرانی هنگام بروز مشکل‌های خانوادگی، در قدم اول به جای حل مشکل با کمک کارشناسان، به راه‌هایی می‌روند که اغلب مشکل را حادتر می‌کند. یا لجبازی می‌کنند، یا خشونت اعمال می‌کنند، یا دست به دامان فلان و بهمان کس می‌شوند، یا با نقل اختلاف خود البته به صورت یک‌طرفه در محافل اجتماعی می‌خواهند با ایجاد فضای آبروریزی، شریک زندگی خود را در تنگنا قرار بدهند و مجبور به تسلیم کنند.

### • خشونت تنها فیزیکی نیست

همین‌جا بگویم که هدف از اعمال خشونت تنها خشونت فیزیکی نیست. خشونت کلامی مانند فحاشی،



## پدیده‌ی جدیدی به نام "طلاق" در جامعه‌ی کلیمی

دُریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی

ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع زندگی است و اکثریت قریب به اتفاق زنان و مردان، هنگامی که در آستانه‌ی ورود به زندگی متاهلی قرار می‌گیرند، امید و آرزو، شادی و شغف و هیجان و احساسات خوشایند بی‌بدیلی را تجربه می‌کنند. هیچ زن یا مردی نیست که پیش از ازدواج تصمیم به جدایی و طلاق داشته باشد. هر دو با امید به ساختن یک زندگی شاد و تجربه کردن حس خوشایند خوشبختی با یکدیگر پیوند زناشویی می‌بندند. بنابراین اگر بعد از مدتی گرفتار مشکلات و مسایل عدیده‌ای شوند که نتوانند از پس آنها برآیند، دچار سرخوردگی، خشم، غم، اضطراب، پشیمانی و... می‌شوند که به نوبه خود می‌تواند هم سلامت جسم و هم سلامت روان زوجین و حتی فرزندان را تحت‌الشعاع قرار دهد. بالطبع در شرایطی که استیصال یک یا هر دو طرف موجب شود که پای جدایی و طلاق به میان آید، زوجین فشار و درد زیادی را متحمل خواهند شد (تحقیقات نشان داده که میزان استرس ناشی از مرگ همسر با ۱۰۰ واحد در جایگاه اول و میزان استرس ناشی از طلاق با ۷۳ واحد در جایگاه دوم قرار دارد). بنابراین می‌بینیم که واقعه‌ی طلاق می‌تواند بسیار آسیب‌زا باشد. ضمن این‌که در جوامع کوچک (مانند جامعه‌ی ما) آسیب ناشی از جدایی دو نفر می‌تواند دامنگیر عده‌ی زیادی از افراد که در جمع دوستان و آشنایان و... قرار می‌گیرند هم بشود. همچنین در این جوامع کوچک به احتمال زیاد ازدواج مجدد بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

اما آیا هر ازدواجی ارزش حفظ کردن را دارد؟ مسلماً خیر. گاهی اوقات ماندن در ازدواج مانند دست و پا زدن در باتلاق است؛ یعنی آن ازدواج ویژگی‌های لازم را مانند: صداقت، اعتماد، صمیمیت، سازگاری، مسئولیت‌پذیری، گذشت، حفظ حرمت، توجه و محبت، رشد و پویایی و... ندارد. از طرف دیگر از آنجا که جامعه‌ی بزرگتر در حال گذار از سنت به مدرنیته است، جوامع کوچک‌تر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ تفاوت‌های فردی و فردگرایی (نیاز به پرداختن به علایق و نظرات و استعدادهای شخصی)، تغییر خواسته‌ها و انتظارات از زندگی

زناشویی، آگاهی نسبت به حق و حقوق انسانی و مدنی و پدید آمدن شیوه‌های متفاوت زندگی، در کنار عدم داشتن مهارت‌های مناسب برای رویارویی با مسایل زندگی و ناکارآمدی الگوهای قدیمی، همگی موجب می‌شود که رسیدن به مرحله‌ی جدایی و طلاق (چه عاطفی و چه رسمی) بسیار بیشتر و بسیار سریع‌تر از قبل رخ دهد. در اینجا لازم است متذکر شوم که نبود یا کمبود پدیده‌ی طلاق در یک زمان یا یک مکان و یا یک جامعه، الزاماً نشانه‌ی خوب و مناسب بودن ازدواج‌ها و زندگی‌های زناشویی نیست. کما این‌که آمارها نشان می‌دهد در برخی از مناطق غرب کشور در کنار پایین‌ترین آمار طلاق، بالاترین آمار خودسوزی زنان را داریم.

حال چطور متوجه شویم که ازدواجی در معرض فروپاشی قرار گرفته است؟

در کنار نبود ویژگی‌های مطلوب همچون صداقت، صمیمیت، اعتماد،... که پیشتر هم ذکر شد، اگر این ویژگی‌های منفی وجود داشته باشد، آزریر خطر به صدا در آمده و پرچم هشدار بالا خواهد رفت، ویژگی‌هایی همچون: خشونت فیزیکی یا روانی یا جنسی، رفتارهای سلطه‌گرایانه، مشکلات مالی، فقدان ارتباط عاطفی و کلامی و جنسی، عدم سلامت روان، پیمان‌شکنی و روابط فرا زناشویی. لازم به ذکر است هر قدر که ویژگی‌های مطلوب کمتر و ویژگی‌های نامطلوب بیشتر باشد احتمال فروپاشی نیز بیشتر خواهد شد.

اما چرا اکثر افراد علیرغم دست و پا زدن در چنین شرایطی، کماکان به زندگی متاهلی‌شان ادامه می‌دهند؟

از دلایل ماندن در ازدواج‌های ناکارآمد می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم اطمینان از مسایل مالی بعد از ازدواج عوامل فرهنگی و اجتماعی - اعتقادات مذهبی و ارزشی - ترس از بی‌کفایتی و تنهایی و شرم از اعلام شکست زندگی زناشویی - تصور وجود عشق...

توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که گاهی تنها یکی از زوجین به این نتیجه می‌رسد که ماندن در ازدواج بیشتر از آن‌که سودمند باشد آسیب‌رسان است، ولی دیگری چنین تصویری ندارد، در این صورت مشکلات دو چندان می‌شود. در هر حال باید بپذیریم که طلاق همیشه هم بد نیست و چه بسا که برای سلامت جسم و روان اعضای خانواده بهترین گزینه باشد. اما در عین حال طلاق مانند عمل جراحی قلب باز است، سخت است و دردناک، ولی آخرین و مناسب‌ترین راه برای حفظ جان بیمار محسوب می‌شود، اما هیچ بیماری نمی‌تواند خودش آن عمل را انجام دهد... (ادامه دارد) ■



## باید آدمی دیگر شویم



المیرا سعید

با هر بار شنیدن این جمله از زبان مادر تعجبم بیشتر می‌شد و تکرارش مرا بیشتر به فکر وا می‌داشت. "می‌خواهی خوشبخت شوی، قانع باش."

هر بار هم که از او می‌خواستم برایم بگویند چطور می‌شود با "نخواستن" یا "نداشتن" خوشبخت شد، می‌گفت: "تو قناعت کن، خودت می‌فهمی چطور خوشحال و خوشبخت می‌شوی."

بعدها فهمیدم این جمله فقط یک شعار نیست. حرف دیروز هم نیست. اتفاقا به درد امروز می‌خورد. بیشتر به درد آدم‌های امروز و این زمانه می‌خورد که به دنبال خوشبختی به هر دری می‌زنند، بالا و پایین می‌پرند و هر روز بی‌قرارتر و ناآرامتر از روز قبل به دور خود می‌پیچند.

غافل از این که با کمی صبوری و تدبیر، با آنچه در اختیار دارند و برایشان مقرر شده، چه بسا به آنچه که در خواب هم نمی‌بینند، برسند.

الان می‌فهمم قناعت و شکر گفتن که ورد زبان مادر و مشق همه آدم‌های دیروز بوده و هست، از آن‌ها چه آدم‌های بزرگی ساخته. چرا که آدم‌های دیروز سواد و اعتماد به نفسشان خیلی بیشتر از آدم‌های این دوره و زمانه است که هر کدام چندین مدرک و لقب و رتبه را یدک می‌کشند. گویی ارزش و اعتبارشان با این القاب و عناوین سنجیده می‌شود که بدبختانه این‌گونه نیز هست.

پدران و مادران دیروز قناعت پیشه‌شان بود و رضایت، خصلتشان. خصلتی که بسیاری از پدران و مادران امروز گویی بویی از آن نبرده‌اند. اگر باور کردیم زحمات مان برای به دست آوردن چیزی هرگز بی‌نتیجه نخواهد ماند و بالاخره به حقم می‌رسیم و به قسمت خود راضی باشیم، قناعت را فهمیده‌ایم و به دنبالش خوشبختی را روانه زندگی مان می‌کنیم. اگر داشتن چیزی از ته دل خوشحالمان کرد، سیر هستیم و معنای قناعت را دیگر معادل نخواستن و نداشتن

نمی‌دانیم. اگر راضی به رضای "او" نبودیم و خوشبختی را گره زدیم به داشتن نداشته‌هایی که به صلاحمان نیست، ما کجا و آسودگی کجا؟ با این رویه‌ای که در

پیش گرفته‌ایم تا خوشبختی راه درازی در پیش است. شاید هم هرگز به آن نرسیم.

کمی به خودمان بیاییم. بیشتر به این جمله فکر کنیم: "رمز خوشبختی در قناعت بودن و ساده زیستن است." آن را فقط روخوانی نکنیم، به خاطر بسپاریم تا بشود تیترو روزنامه-ی هر روزمان. بر در و دیوار خانه بکوبیمش، مبدا از یاد ببریم "تا قناعت نشویم، بزرگ نمی‌شویم."

هیچ کس تا به حال منکر تلاش و پیشرفت و ترقی نبوده. با یک‌جا نشستن و دست روی دست گذاشتن هم کسی تا به حال به جایی نرسیده. ولی با بالا و پایین رفتن-های بیهوده و از شاخه‌ای به شاخه‌ی دیگر پریدن، راه به جایی نمی‌بریم که هیچ، جای اولمان را هم قطعا از دست می‌دهیم. اگر به این باور رسیدیم که سهم هر کس محفوظ است چون تلاش کرده و آنچه هدفمان است پی‌اش رفته-ایم، دیگر روزگارمان را با دلهره و تشویش تیره و تار نمی‌کنیم. اگر به این درک رسیدیم که موفقیت و رضایت در گرو استفاده از آنچه در اختیار داریم، است و در حد توان و وسع خود سعی کنیم و از خود مایه بگذاریم، قناعت را فهمیده‌ایم و از اصل زندگی دور نیفتاده‌ایم. وگرنه این دست و پا زدن‌ها، بیشتر غرق شدن در مردابی است که کسی جز خودمان، ما را بدان جا نینداخته و هر روز بیشتر از رسم آدم بودن دور می‌افتیم.

بزرگترها برایشان تدارک دیده‌اند، می‌تازند که دیگر فرصت کودکی کردن ندارند. دیگر چیزی به چشمشان نمی‌آید. لب باز نکرده، همه چیز دارند. ولی دریغ از یک دوست صمیمی و رفیقی که بتوانند ساعتی را با هم دوام بیاورند. انگار از کُره‌ای دیگر به زمین آمده‌اند. با همه غریبه‌اند. خب چیز عجیبی نیست. الگوشان ما هستیم. من و شمایی که حتی فرصتی چند دقیقه‌ای را هم از خود دریغ می‌کنیم.

فکر می‌کنیم با خریدن لباس‌های شیک با قیمت‌های گزاف و سرگرم کردنشان با گوشی‌های گران‌قیمت و پر کردن اتاقشان با وسایل آنچنانی، پدر و مادری را در حقشان تمام کرده‌ایم.

اصلاً نمی‌دانیم دنبال چه می‌گردیم. چون خودمان آرام و قرار نداریم، از بچه‌هایمان هم مرتب توقعات بی‌جا داریم. آن‌ها را با هم‌کلاسی‌ها و بچه‌ی این و آن مقایسه می‌کنیم. چیزی را از او می‌خواهیم و در او می‌جوئیم که با آن بیگانه است. به زور می‌خواهیم فلان زبان خارجی را یاد بگیرد، فلان رشته تحصیلی را بخواند و برای ادامه تحصیل به آن سر دنیا برود. آخر سر هم می‌شود فردی سرخورده و هیچ‌کاره که خودش فرصت نداشت بفهمد چه می‌خواست و چه دوست داشت.

به همسرمان فشار می‌آوریم، زمین و زمان را به هم می‌ریزیم تا خانه‌ای بزرگ‌تر با امکانات بیشتر، بالای شهر، برایمان تهیه کند. حالا نوبت ریختن وسایل لوکس و آنچنانی است که چشم هر بیننده‌ای را خیره کند. خانه‌ای که بعید است در سال دو نفر از فامیل یا دوستان پا به آنجا بگذارند. مبادا به گوششان برسد خانه‌ای خریده‌ایم جمع و جور با وسایلی در حد نیاز. مسافرت‌هایی جور واجور با هزینه‌های بالا ترتیب می‌دهیم تا بیفتیم بر سر زبان‌ها و عالم و آدم بفهمند که ما هم چیزی از دیگران کم نداریم.

مسابقه به این جا ختم نمی‌شود. خواستن‌های ما تمامی ندارد. مدل ماشین زیر پایمان نباید پایین‌تر از همسایه‌ها باشد. ماشینی می‌خری که از همان ماه‌های اول از پس هزینه‌هایش بر نمی‌آیی. از خرید ماشین فارغ نشده، هوس داشتن ویلایی را می‌کنی که خدای ناکرده از دیگر اقوام جا

راضی نبودن به آنچه داریم و مادام حسرت زندگی این و آن را داشتن، چنان خوره‌ای به جانت می‌اندازد که تا چشم باز کنی تمامت کرده است، دیگر جلودارش نیستی. چیزی برایت نه مانده و نه گذاشته، به جز بقچه‌ای سنگین از کینه و حسد که هر لحظه کم‌تر را بیشتر خم می‌کند. تا جایی که نه توان برخاستنت است، نه چندان فرصت جبرانت. درد حسرت بودن به جای دیگری نه داروی کشف شده‌ای دارد و نه پزشکی که قادر به درمانش باشد. درمانش خود تویی، نگاه توست و راهی است که برای رفتن و رسیدن انتخاب کرده‌ای و به آن چشم دوخته‌ای. تا راحت را عوض نکنی، تا زاویه‌ی نگاهت را تغییر ندهی، همین است، همین آش و همین کاسه. مادام در حال نقشه کشیدنی، به دنبال راه‌های میانبر می‌روی و به بی‌راهه میفتی. یک دفعه به خود می‌آیی، می‌بینی در کوره راه‌ها گم شده‌ای. کارت شده سرک کشیدن در زندگی مردم و خط و نشان کشیدن در زندگی‌شان. سرابی دور و دراز را نشانه گرفته‌ای که در هیچ نقشه جغرافیایی نشانی از آن نیست.

در گذشته آدم‌ها راضی بودند به شغل و حرفه‌ای که به آن مشغول بودند، به درآمدی که داشتند بسنده می‌کردند و شکرگزار بودند. کوچکترها با اسباب بازی‌های ارزان قیمت ساعت‌ها سرگرم بودند و راضی به بازی در کوچه‌های خاکی. آن‌ها بلد بودند از کودکی‌شان چطور لذت ببرند. پدر و مادرها به دنبال لقمه نانی، خشنود از کنار هم بودن، امروزشان را نمی‌فروختند به فردایی نیامده و نامعلوم. آموزگار صفا بودند و یکدلی را هر روز دوره می‌کردند.

مردم امروز چه؟ هزار شغل و مشغله دارند. از صبح تا نیمه‌های شب به خاطر هیچ و پوچ به دور خود می‌پیچند، همیشه سر در گم‌اند. کاش به جایی می‌رسیدند. حتی به دنبال سایه خود می‌دوند، مبادا از آن عقب بیفتند. هر روز بی‌قرارتر و خسته‌تر از روز قبل. بچه‌ها هم که تکلیفشان روشن است. با هیچ وسیله‌ای آرام نمی‌گیرند. هیچ بازی و سرگرمی‌ای قانعشان نمی‌کند. مدام سرگردان و چون قربانی از این کلاس به آن کلاس کشیده می‌شوند. میان چندین رشته دست و پا می‌زنند. با چنان سرعتی در کورسی که

## نوع نگاه



### شرگان انورزاده

فعال اجتماعی

به نظرم، زندگی کردن و چگونه زندگی کردن، به نوع نگاه ما بر می‌گردد.

تعامل ما با انسان‌ها، دوستان، همکاران، خانواده، جامعه، همه و همه، نگرش ما را در خود دخیل می‌کند و با خود به همراه دارد.

آنچه که فکر می‌کنیم، نقشه‌هایی که برای زندگی می‌کشیم، برنامه‌ریزی‌مان برای حال و آینده، همه و همه به طرز فکر و نوع نگاه ما بر می‌گردد.

این‌که در لحظه‌ی قضاوت دیگران، حداقل کمی هم که شده، خودمان را در شرایطشان قرار دهیم و اصلاً قضاوتشان نکنیم.

این‌که ما مسئول و برنامه‌ریز زندگی کسی نیستیم.

حتی در ارتباط با خود خودمان هم، مهرورزی با خویشتن خویش، بهتر از عناد است و مهربان بودن با خودمان هم شاید حالمان را و حال دلمان را بهتر کند.

شاید اندیشیدن به صفات مثبت دیگران، کلید حل معمای ارتباطاتمان باشد.

یا اگر صفت مثبتی هم در شخصی پیدا نکردیم، لااقل فکر نکردن به شخص را که بلدیم.

نوع نگاهمان را عوض می‌کنیم و به این همه زیبایی‌های دیگر جهان فکر می‌کنیم یا به صفات مثبت اشخاص دیگر.

این همه جنگ و جدل با خودمان و دیگران، به راستی برای چه؟

نمانی. با قرض و چند وام سنگین صاحب ویلایی مجلل... بعد از آن چه؟ آخرش کجاست؟ کی آرام می‌گیریم؟ نقطه پایان این رقابت‌ها و حسادت‌ها کجاست؟ مقصد، ناکجا آبادی است که هر چه پیش می‌رویم، بیشتر از خود دور می‌شویم. این راه پایانی ندارد. گم شده‌ایم. میان این همه خواستن‌ها راهمان را گم کرده‌ایم. این بازی بی‌هیچ برنده-ای ما را از حقیقت‌مان، انسان بودنمان و از خود واقعی‌مان گرفته است. زندگی‌مان کلاف سر در گمی شده با گره‌های کور ریز و درشت که باز کردنش به این سادگی نیست. زندگی را زندگی نمی‌کنیم، آن‌طور که دلمان می‌خواهد. مبادا از بقیه عقب بمانیم. این مسابقه‌ی بی‌سرانجام بالاخره ما را از پا در می‌آورد و برای شروع دوباره به ناچار باید بهای سنگینی بپردازیم.

می‌خواهی با همه فرق داشته باشی، می‌خواهی از دیگران جلو بزنی، می‌خواهی جهانی را به خدمت خود درآوری، راه این نیست. چاهی است که هر لحظه با پای خود به سوی آن می‌دوی. جهانی در دست توست که می‌توانی به گونه‌ای دیگر تأثیرگذار باشی.

گاهی باید زیر سایه درختی نشست، تن و روحمان را به خنکایش بسپاریم، نفسی تازه کنیم و دمی بیاساییم.

باید عوض شویم. متفاوت فکر کنیم. باید آرام بگیریم، آسان بگیریم. قناعت را انتخاب کنیم تا رضایت را پاداش بگیریم. رضایت، آرامش را به ارمغان می‌آورد و به دنبالش آسایش، روانه‌ی خانه و کاشانه‌مان می‌شود.

باید آدمی دیگر شویم. ■

## اصلاحیه

در مقاله کتابخانه‌ی مرکزی انجمن کلیمیان که در شماره قبل (۵۶) بینا منتشر شد، نام خانم شرگان انورزاده به عنوان عضو هیات امنای کتابخانه از قلم افتاده بود که تصحیح می‌شود.

## تفاوت

# شکوایه و دادخواست

امیر فراز نعیموت  
وکیل دادگستری

برای خیلی از افراد که اطلاعات حقوقی کافی ندارند همواره این سوال مطرح است که برای احقاق حق خود به چه وسیله‌ای باید از دادگاه درخواست رسیدگی کنند. هر وقت حقی مورد تردید یا انکار و زائل شدن قرار بگیرد و یا جرمی علیه تمامیت جسمانی، معنوی و مادی افراد صورت پذیرد، متضرر و یا مجنی علیه نیاز به طرح و اقامه‌ی دعوی در محاکم صالحه دارد. اصولاً درخواست‌هایی که به دادگاه ارائه می‌شود در دو قالب اصلی دادخواست و شکوایه می‌باشد که در متن زیر سعی دارم به‌طور خلاصه و قابل فهم با تعریف دادخواست و شکوایه تفاوت آن‌ها را با یکدیگر بیان کنم.

### • تعریف دادخواست و شکوایه

دادخواست: اصولاً در دعاوی حقوقی شخصی که از محکمه درخواست احقاق حقوق خود را دارد می‌بایست به‌وسیله تقدیم دادخواست به مرجع قضایی درخواست خود را مطرح و مطالبه بنماید. دادخواست که امروزه توسط درگاه الکترونیک قوه قضاییه تنظیم می‌گردد می‌بایست حتماً به زبان فارسی تنظیم شده و رعایت نکات زیر در تنظیم دادخواست الزامی می‌باشد:

- ۱ - نام و نام خانوادگی ۲ - شغل ۳ - نشانی ۴ - سن
- ۵ - نام پدر
- تمامی موارد ذکر شده در بالا باید هم برای درخواست کننده و هم برای خوانده‌ی دعوا نوشته شود.
- ۶ - موضوع درخواست ۷ - مدارک و مستندات موجود
- ۸ - امضا و اثر انگشت درخواست کننده

شکوایه: طبق قانون ایران، قانون‌گذار، مراجع انتظامی و قضائی را موظف نموده که حتی شکایت شفاهی را از شاکی‌ها دریافت بنمایند اما به منظور تسریع در کار و انجام روال اداری و قضایی اشخاص می‌توانند شرح شکایت خود را به صورت مکتوب با ذکر تاریخ و وقوع محل جرم تقدیم

مراجع قضایی نمایند که اصطلاحاً به این برگه که در آن شکایت نوشته می‌شود شکوایه گفته می‌شود.

### • تفاوت بین دادخواست و شکوایه

در واقع با دانسته‌های ماهوی حقوقی نیاز به یک جعبه‌ی ابزار داریم به اسم آیین دادرسی مدنی و کیفری تا بتوانیم به‌وسیله‌ی آن برای احقاق حقوق در دادگاه اقدام کنیم. هر گاه اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) در روابط خصوصی و مدنی‌شان دچار مشکلی شدند که از آن متضرر و محسور گردیدند، برای احقاق حقشان می‌بایست به طرح دعوی حقوقی بپردازند که راه شروع این گونه دعوی مکتوب کردن دادخواست می‌باشد. مرجع صالحه برای آن، دادگاه عمومی حقوقی و در برخی موارد شورای حل اختلاف می‌باشد. مثلاً برای مطالبه‌ی وجه‌الضمان یک قرارداد. همچنین دعاوی در دیوان عدالت اداری نیز به شکل دادخواست مطرح می‌شود.

ولی وقتی شخص مورد یک جرم قرار گیرد و تمامیت جسمانی و مالی و معنوی فرد مورد مداخلات قرار گیرد و عمل و یا ترک عمل مرتکب مشمول ماده‌ی دو قانون مجازات گردیده و متعاقباً عمل مرتکب جرم انگاری شده باشد و برایش مجازات در نظر گرفته شده باشد، در اینجا فرد بایستی با طرح شکوایه در دادسرا فرد خاطی را مورد شکایت قرار دهد.

بعضاً شاهد هستیم بعضی از دعاوی هم جنبه‌ی کیفری دارند هم حقوقی که در اثنای دعوی کیفری علاوه بر شکوایه بایستی دادخواست حقوقی نیز طرح و تقدیم دادگاه شود.

به طور کلی، اگر شخصی به علت وقوع جرمی که در قانون مجازات اسلامی برای آن مجازات تعیین شده، قصد شکایت داشته باشد باید شکایت خود را در شکوایه تنظیم کند.

جرائمی که برای طرح دعوا، نیاز به شاکی خصوصی باشد، جرائم قابل حل و گذشت می‌باشد که با طرح شکایت، تعقیب متهم شروع شده و با استرداد شکایت و یا صرف‌نظر کردن شاکی، تعقیب متهم به پایان خواهد رسید. وقتی که شکایت کیفری تنظیم شود، دادسرا که در



طرف دادسرا به دادگاه صالح کیفری جهت بررسی و صدور رای ارجاع می‌شود.

دادگاه صالح پس از بررسی کیفرخواست اگر پرونده نقضی داشته باشد جهت تکمیل آن را به دادسرا عودت می‌دهد. در غیر اینصورت با مطالعه کیفرخواست و در صورت لزوم استماع گزارش دادستان یا نماینده ایشان و اخذ آخرین دفاع از متهم و بررسی اسناد و مدارک شاکی و شنود اظهارات ایشان و شهود مطلعین اجتماعی، با در نظر گرفتن شرایط قانونی جرم و شرایط قانونی و شخصیتی و روانی مجرم اقدام به صدور رای لازم می‌نماید.

پس از صدور رای، طرفین حق اعتراض به رای را به حسب مورد در دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور دارد. رای صادره از این مراجع قطعی است.

### • تفاوت شکواییه و دادخواست در خصوص پرداخت هزینه دادرسی:

دادخواست‌ها در موضوع هزینه دادرسی به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند: (۱) دعاوی مالی (۲) دعاوی غیرمالی هزینه دادرسی در دعاوی مالی در مرحله بدوی تا مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال، معادل ۲.۵٪ ارزش خواسته و بیش از آن ۳.۵٪ از مبلغ خواسته دعا و در مرحله تجدید نظر و واخواهی ۴.۵٪ و در مراحل فرجام خواهی، اعاده دادرسی، اعتراض ثالث معادل ۵.۵٪ از ارزش خواسته می‌باشد.

اما در دعاوی غیرمالی مبلغ هزینه دادرسی یک مبلغ ثابت است که بسته به نوع دعا طبق بخشنامه رئیس قوه قضاییه به صورت سالیانه تعیین می‌گردد. طرح دعاوی کیفری و شکواییه نیز همچون دعاوی غیرمالی سالیانه توسط بخشنامه رئیس قوه قضاییه تنظیم می‌گردد.

در دعاوی حقوقی نیز دادگاه اصولاً با دعوت از طرفین دعا و وکلای ایشان تشکیل جلسه می‌دهد و نسبت به موضوع رای لازم را صادر می‌کند که این رای نیز اصولاً قابل اعتراض در مراجع قضایی بالاتر (حسب مورد دادگاه عمومی، تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور) می‌باشد. ■

رأس آن دادستان است، تعقیب متهم را شروع نموده و تحقیقات اولیه را به قاضی تحقیق که بازپرس است، ارجاع خواهد داد. بازپرس بر مبنای شکایتی که تنظیم شده، عمل خواهد کرد. در این صورت که اگر فرد الف به فرد ب توهین کرده باشد، شخص ب می‌تواند علیه شخص الف مبنی بر توهین شکایت کند.

### • مراحل رسیدگی به شکایت کیفری:

رسیدگی به جرائم کیفری با اعلام جرم از طرف شاکی خصوصی و یا اعلام جرم از طرف ضابطین دادگستری و یا شاهدین و گواهان جرم و یا از طریق اعلام جرم توسط مدعی‌العموم (دادستان) آغاز می‌شود. پس باید توجه داشته باشیم که جهت تشکیل پرونده علیه شخص و پیگیری آن نیاز به اعلام و گزارش جرم به یکی از نحوه‌های فوق دارد. مراحل تشکیل پرونده کیفری که شاکی خصوصی دارد به وسیله تنظیم شکواییه و طرح دعوا شکواییه آغاز می‌شود. همچنین ممکن است شکایت ابتدا در یکی از پایگاه‌های نیروی انتظامی مطرح شود اما بعد از تشکیل پرونده در کالنتری‌ها نیز پرونده برای به جریان افتادن نیاز به صدور دستور از طرف دادستان را دارد.

پس از تنظیم این شکواییه و ارجاع پرونده به یکی از شعب دادیاری یا بازپرسی دادسرا، به دستور معاون ارجاع دادستان پیگیری رسمی آغاز می‌شود. اما لازم به ذکر است که یک سری از جرائم به تجویز قانون آیین دادرسی و کیفری مستقیماً به وسیله دادگاه کیفری صالح پیگیری می‌شود.

پس از آن که مراحل تحقیق و پیگیری وقوع جرم و شناخت متهم احتمالی توسط دادسرا انجام شد، روند دادرسی به ۲ حالت کلی تقسیم می‌شود:

۱ - جرم و یا انتساب جرم به مجرم ثابت نمی‌شود و یا امکان قانونی پیگیری جرم وجود ندارد؛ که در این حالت دادسرا با صدور قرار لازم پیگیری را خاتمه می‌بخشد.

۲ - وقوع جرم از ناحیه مجرم محرز باشد و کیفیات و شرایط جرم مشخص شود، همچنین امکان پیگیری جرم به لحاظ قانونی مانند شرایط مرور زمان کیفری مهیا باشد، پرونده با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست از

# من بی گناهم جناب سروان



شیپورچی

به اونا در مشکلاتشون کمک می‌کنم.  
+ کمک؟! مثلاً چه کمکی؟  
- من برای خیلی از زوج‌هایی که با هم اختلاف خانوادگی دارن پا درمیون می‌کنم!  
+ تو که برای بقیه زن و شوهرها پا درمیون می‌کنی پس چرا زن خودت ازت ۷ بار شکایت کرده؟  
- ای بابا جناب سروان شما که زن‌ها رو خوب می‌شناسین، بهونه گیر میشن دیگه.  
+ بهانه گیر؟ اینجا نوشته تو دنده‌های خانمت رو با ضربات جسم سنگین خورد کردی! اینم واسه بهونه گیری بوده؟  
- یک دفعه عصبانی شدم! شما با خانم‌هایی که همسرشون رو عصبانی می‌کنن برخورد نمی‌کنید؟  
+ مردک چه بلایی مونده که سر زنت بیاری؟ چطور مردم برای حل مشکل زناشویی سراغ کسی میان که خودش این رفتار رو با همسرش کرده؟  
- از خودشون بپرسید!  
+ خب بریم سراغ اصل مطلب. این همه پول رو به چه عنوانی از مردم گرفتی؟  
- من تاجر قابلی هستم و با این پول ها کار می‌کردم. اونا هم که از خدایشون بود ماه به ماه سودشون رو دریافت می‌کردن!  
+ تاجر قابل؟ تو خودت نگفتی بیکاری؟  
- بیکار بیکار که نیستم. اهل سرمایه‌گذاری‌های پر سودم!  
+ با پول مردم؟ هیچ می‌دونستی یک نفر از این خانم‌ها که پولش رو دست تو داده، این پول کل دار و ندارش بوده

+ نام و نام خانوادگی؟  
- گیلعاد زرپرست  
+ سن؟  
- ۶۵ سال  
+ خجالت نمی‌کشی با این سن و سالت؟  
- چیکار کردم مگه؟  
+ حالا می‌رسیم بهش! شغل؟  
- تقریباً بیکار  
+ وقتی ازت سوال می‌پرسم درست جواب بده. تقریباً بیکار یعنی چی؟  
- والا جناب سروان شغل ثابت که ندارم، در منزل به خانمم کمک می‌کنم. یه خرید و فروش‌هایی هم انجام میدم.  
+ تو بدون شغل و اعتبار چطوری تونستی این رقم وحشتناک رو از مردم کلاهبرداری کنی؟  
- رقم؟ کلاهبرداری؟ چه رقمی؟ چه کلاهبرداری‌ای؟ من که کاری نکردم.  
+ کلاهبرداری نکردی؟ پس این ۵۰۰ میلیارد رو زن عمومی من خورده یه آبم روش؟  
- آهان اون ۵۰۰ میلیارد...؟ نخوردم اونو که! ضرر دادم!  
+ ۵۰۰ میلیارد پول زبون بسته مردم دست تو چیکار می‌کرده که ضرر بدی؟  
- جناب سروان به زور که نگرفتم، بهم اعتماد داشتن دادن دیگه.  
+ چرا؟ مگه تو چه کاره‌ای که بهت اعتماد داشتن؟  
- من شخص خیلی معتمدی تو جامعه هستم. همه منو می‌شناسن و بهم اعتماد دارن! من خیرخواه مردم هستم و

پول مردم رو بدی؟  
- مال خودشونه جناب سروان. به جون شما من کارهای  
نیستم. بعدم بزرگ میشن میخوان ازدواج کنن، نیاز به  
سرمایه دارن... ازدواج نکنن خوبه؟  
+ چی داری میگی! با پول مردم؟  
- پول مردم بود... الان پول منه! چشمشون کور می-  
خواستن اعتماد نکنن.  
+ حالا تو دادگاه معلوم میشه.  
+ یه نفرشون ازت خیلی شاکیه.  
- کدومشون؟  
+ آقای منوچهری.  
- آهان سعید گشنه رو میگی؟ ای بابا این سعید خیلی  
گدا گشنه و ندید بدیده!  
+ اولاً که سعید گشنه یعنی چی؟ به شما یاد ندادن که  
روی دیگران اسم نذاری؟ دوما یعنی چی گدا گشنه؟ واسه  
این پول زحمت کشیده.  
- گشنه‌اس دیگه! گشنه نبود که به دخترش جهیزیه  
بیشتر می‌داد!  
+ آقای محترم این حرفا به من و شما چه ربطی داره؟  
پولش رو بده.  
به نظرم دارن بزرگش می‌کنن. من کاری نکردم جز  
این که نگران مردم بودم که به اونا هم سود برسونم!!! ■

و الان سخته کرده گوشه خونه افتاده؟  
- والا من قصدم خیر بود. می‌خواستم کمکش کنم!  
+ عجب...! تو می‌دونستی که گرفتن و دادن نزول و  
بهره مجازات داره؟  
- اسمش که نزول نیست!  
+ پس چیست؟  
- والا ما به این کار سپرده‌گذاری با حسن نیت و قلب  
پاک و دست بخشنده می‌گی... بده آدم خیرش به دیگران  
برسه؟ اصلاً از اسمش پیداست تمام این کار خیرخواهانه  
بوده!  
+ تو پول رو از شخص اول با سود ۳٪ گرفتی و به  
شخص دوم با سود ۶٪ نزول دادی! به این کار خیرخواهی  
میگن یا...؟  
- گفتم که اهل داد و ستد هستم!  
+ الان همه این آدم‌ها که تو ازشون پول گرفتی یا  
بهشون پول دادی از دست تو شاکي هستن.  
- من که گفتم جناب سروان، ضرر کردم... کمی صبر  
کنن پیشون میدم... در که نرفتم، جلوی چشمشون  
نشستم... می‌رفتم جایی که دستشون بهم نرسه خوب بود؟  
+ مرد حسابی این همه پول رو چه جوری می‌خوای پس  
بدی؟ اینجا نوشته که با پول مردم برای خودت ویلا و  
ماشین و مغازه خریدی.

- نه بابا! شما بررسی کنید، تمام اینا به نام بچه‌های منه  
نه مال من!  
+ یعنی چی؟ بچه‌ی ۱۵-۱۶ ساله چطوری توی  
بهترین پاساژ تهران مغازه‌ی دو دهنه خریده؟  
- با سرمایه‌ی خودش جناب سروان... من یک میلیون  
تومن بهش پول دادم، اون این پول رو تبدیل کرد به ده  
میلیارد!  
+ بس کن... دختر شش ساله چطور در لواسان ویلا  
خریده؟  
- با هدیه‌های تولدش!

+ خودتو مسخره کردی یا ما رو؟ چرا اینارو نمی‌فروشی

### سرای سالمندان یهودی ایران

با بیش از نیم قرن سابقه و با کادری مجرب در  
خدمت سالمندان همکیش می‌باشد. از کلیه‌ی  
عزیزانی که مایل هستند با این مرکز همکاری  
کنند در خواست می‌شود کمک‌های نقدی و غیر  
نقدی خود را با هماهنگی دفتر سراررسال نمایند.  
نشانی: خیابان دماوند، نرسیده به میدان امام حسین،  
کوچه عاشق‌باه، پلاک ۲  
تلفن ۷۷۵۵۴۱۶۹-۷۷۵۵۲۰۳۰



## اخبار

مهندس امید محبتی مقدم

مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

### پیام تبریک مشاور رئیس جمهور

ماموستا دکتر عبدالسلام کریمی، مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی فرارسیدن عید پسخ (در فروردین ۱۴۰۱) را به جامعه کلیمیان ایران شادباش گفت. متن کامل این پیام به شرح ذیل می‌باشد:

به نام خداوند جان و خرد

فرارسیدن عید پسخ، عید آزادی و رهایی انسان از بند اسارت را به جامعه ایرانیان کلیمی و پیروان حضرت موسی کلیم الله (ع)؛ پیام آور توحید و عدالت، تبریک و شادباش می‌گویم.

این عید مذهبی که یکی از سه عید بزرگ کلیمیان است، به دلیل نزدیکی زمانی با عید نوروز برای ایرانیان عزیز کلیمی از شکوه و عظمت بیشتری برخوردار است و بدین جهت، برخی از سنت‌های زیبای نوروز نیز در این عید اجرا می‌شود. ایرانیان کلیمی بیش از دو هزار سال در این سرزمین و در کنار دیگر ایرانیان عزیز مسلمان، زرتشتی و مسیحی، اخلاق مدار و صلح آمیز زندگی کرده‌اند.

ایران زمین، مهد یکتاپرستی، صلح طلبی و مدارا در جهان است. این سرزمین از فرهنگ و تمدن دیرینه و اصیل برخوردار می‌باشد. فرهنگی که مبتنی بر اخلاق دینی، انسانیت و اندیشه صلح آمیز است.

همدلی، همبستگی، انسجام اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز توأمان با تکریم پیروان ادیان توحیدی، از مهمترین نقاط قوت و قدرت ایرانیان در طول تاریخ است.

اینجانب به عنوان مشاور رئیس جمهور محترم، خود را در شادی ایرانیان عزیز کلیمی شریک می‌دانم و امیدوارم به لطف پروردگار متعال، سال جدید، سالی سرشار از موفقیت، بهروزی و سلامتی برای کلیمیان و همه ایرانیان عزیز پیرو ادیان توحیدی باشد.

عبدالسلام کریمی

مشاور رئیس جمهور

### برگزاری جشن پوریم در مهد یلدای دو

روز پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ تالار محبان شاهد برگزاری جشن نوآموزان مهد یلدای دو بود. این برنامه که به مناسبت جشن پوریم و سال جدید شمسی برگزار شد با استقبال قابل توجه خانواده‌ها و والدین همراه شد. از نکات قابل توجه این جشن، اجرای ۱۰ برنامه متنوع از طرف نونهالان مهد بود که با کیفیت عالی توسط آنها



برگزار شد. قرائت تورات، سخنرانی، اجرای نمایش پوریم، ژیمناستیک و ... بخشی از برنامه اجرا شده توسط نونهالان مهد بود.



### کسب مقام برگزیده توسط دانش‌آموزان مجتمع اتفاق

جمعی از دانش‌آموزان مجتمع آموزشی اتفاق، موفق به کسب مقام برگزیده در یازدهمین جشنواره نوجوان سالم شدند. ماهک فاخری و شانیل کشکی در رشته نرم‌افزار چندرسانه و الینور مسیح اسرائیلیان در رشته موشن‌گرافی، دانش‌آموزان افتخارآفرین مجتمع اتفاق در این جشنواره بوده‌اند.

### جشن تقدیر از دبیران تعلیمات دینی و مسئولان نهادهای خیریه



تالار اجتماعات کوروش، ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ میزبان برنامه‌ای در راستای تقدیر از دبیران گران‌قدر عبری و دینی و نهادهای خیریه بود. در این برنامه که با پشتیبانی انجمن کلیمیان تهران و به همت کمیته جوانان برگزار شد، با اهدای هدیه و لوح تقدیر از دبیران زحمت‌کش و نهادهای خیریه قدردانی به عمل آمد. همچنین دو تن از نوجوانان نخبه جامعه به نام‌های یونا خالدار و پرهام ریحانیان، به خاطر کسب رتبه برتر در المپیادهای علمی مورد تشویق قرار گرفتند.

## دیدار با شاعر پرافتخار جامعه کلیمی

همزمان با عید پسخ روز ۳۱ فروردین ۱۴۰۱، جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران به همراه دکتر همایون سامه‌یح، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی با ابراهیم سعیدیان ملاقات کردند. علاوه بر نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، موسی ثانی (خزانه‌دار)، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی آموزشی) و مهندس نغمه کدخدا (مسئول کمیته جوانان) در این دیدار حضور داشتند و جشن پسخ را به این شاعر کلیمی تبریک گفتند.



خاطرنشان می‌سازد ابراهیم سعیدیان، علاوه بر تنظیم کتاب تورات منظوم، سال‌های متمادی از زندگی خود را وقف جامعه نموده است. فعالیت چندین ساله در کانون فرهنگی-اجتماعی یهود در کسوت رییس و بنیان‌گذاری بنیاد ازدواج از جمله فعالیت‌های ارزنده این چهره برجسته می‌باشد. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران ضمن تمجید و تقدیر از سال‌ها زحمات ماندگار و بی‌شائبه این چهره سرشناس، طول عمری با عزت و سلامتی کامل شاعر خوش‌ذوق جامعه را از پروردگار منان مسئلت می‌نماید.

## دیدار با مدیریت آموزش و پرورش منطقه شش



دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی-آموزشی انجمن) و جمعی از مدیران و مسئولین مدارس خاص کلیمیان، با سرپرست جدید مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران در دهه انتهایی فروردین ۱۴۰۱، دیدار و گفتگو کردند. نمایندگان جامعه کلیمی در این دیدار انتصاب حمید ضیاءپور را به عنوان سرپرست مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران تبریک گفته و در خصوص مسائل موجود پیرامون مدارس خاص کلیمی به بحث و گفتگو پرداختند. سرپرست جدید مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران نیز از حضور میدانی در مدارس خاص کلیمی در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

## دیدار با مدیر آموزش و پرورش منطقه دوازده تهران

دکتر همایون سامه‌یخ (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی-آموزشی انجمن) و مدیران مدارس خاص کلیمیان، با مدیر آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران در ۱۱ خرداد ۱۴۰۱، دیدار و گفتگو کردند. نمایندگان جامعه کلیمی در این دیدار انتصاب احمدرضا اصلانی به عنوان مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران تبریک گفتند. در این نشست، مسئول کمیته علمی-



آموزشی انجمن در خصوص مسائل موجود پیرامون مدارس خاص کلیمی توضیحاتی ارائه داد. مدیر آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران نیز با مهم شناختن مسائل اقلیت‌های قومی و دینی برای دولت و نظام جمهوری اسلامی، از سعی و اهتمام آموزش و پرورش برای به حداقل رساندن چالش‌های این حوزه خبر داد.

## برگزاری مجمع عمومی انجمن کلیمیان تهران

مجمع عمومی عادی نوبت دوم انجمن کلیمیان تهران ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در کنیسای یوسف آباد با حضور همکیشان و نماینده وزارت کشور، برگزار شد. مطابق رای‌گیری به عمل آمده در این مجمع، آزاده بن ذکریا (رئیس)، اورا الف‌امیدی (منشی)، آیدین برخوردار (ناظر)، سارا لاله پور (ناظر) و فرید هزقیه (نایب رئیس) به عنوان اعضای هیات ریسه مجمع عمومی انجمن کلیمیان تهران انتخاب شدند. محور عمده پرسش‌ها و انتقادات مطرح شده در مجمع عمومی، حول مسائل مربوط به املاک، فعالیت بت‌دین، نامه‌های ارسال شده از طرف انجمن، مدارس و ... بود که با توجه به زمان موجود، به تعداد قابل توجهی از پرسش‌های مطرح شده، پاسخ داده شد. خاطر نشان می‌سازد در ابتدای جلسه، تعدادی از حاضرین با اعتراضات خود، که زمان زیادی از جلسه را نیز به خود اختصاص داد و بیشتر پیرامون مسائل مربوط به طلاق خانوادگی بود سعی بر برهم زدن جلسه داشتند که با مدیریت نماینده وزارت کشور و توضیحات دکتر همایون سامه‌یخ، جلسه ادامه پیدا کرد. به اعتقاد روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران، طرح پرسش و انتقاد از عملکرد انجمن کلیمیان تهران، حق تک تک افراد جامعه می‌باشد که زمان آن نیز، تنها به زمان برگزاری مجمع عمومی محدود نخواهد بود و پاسخگویی مستمر به نظرات و انتقادات افراد، وظیفه ذاتی خدمتگزاران مردم در هیات مدیره انجمن می‌باشد.

## نتایج انتخابات هیات مدیره و بازرسان انجمن کلیمیان تهران

انتخابات هیات مدیره و بازرسان انجمن کلیمیان تهران روز دوشنبه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۱ در کنیسای اتفاق برگزار شد و

نتایج (به ترتیب تعداد آراء) به شرح زیر حاصل گشت:

هیات مدیره:			
۱. امید محبتی مقدم	۵. هرصل گلشیرازیان	۱۱. شاهین آشوری	۱۷. نسترن جاذب
۲. بهداد میکائیل	۶. دانیل مرادی	۱۲. فرزین فرنوشی	۱۸. پیام یمینی
۳. ایلن میشاعلیان	۷. موسی ثانی	۱۳. مونیکا یهودازاده	۱۹. یوسف شیبانی
۴. همایون سامه‌یخ نجف-آبادی	۸. سامان یوسفیان	۱۴. نغمه کدخدا	<b>بازرسین:</b>
	۹. یهودا آصاف	۱۵. داوید یومتوبیان	۱. فرزاد طوبیان
	۱۰. فریدون طوبی	۱۶. ژان پایاب	۲. دیوید سلیمانیان
			۳. سعید فروزانفر
			۴. امید ماخانی
			۵. رامین ساخایی
			۶. زاک صفا

لازم به ذکر است که ۱۲ نفر اعضای اصلی هیات مدیره و ۳ نفر بازرس پس از تایید کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و ابلاغ وزارت کشور تعیین خواهند شد.



## مراسم یادبود سی و سومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

به مناسبت سی و سومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، مراسم دعا و نیایش مطابق روال هرساله با حضور جمعی از کلیمیان و مسئولین ستاد بزرگداشت ارتحال امام خمینی (ره) ۹ خرداد ۱۴۰۱ در کنیسه‌ی یوسف‌آباد تهران برگزار شد.



جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، برخی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران و تعداد دیگری از اقشار مختلف

و فعالین اجتماعی کلیمیان در این برنامه حضور داشتند.

این مراسم با حضور سردار محمد رضا موحدی (رییس کمیته ادیان الهی ستاد بزرگداشت امام) حجت‌الاسلام علی‌زاده (جانشین رییس)، مهندس رضایی یزدی (از اعضای کمیته ادیان الهی) همراه بود.

از طرف جامعه کلیمیان، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس امید محبتی مقدم (نایب رییس دوم و مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان) به ایراد سخنرانی پرداختند.

هنرمندی نوجوان جامعه کلیمیان، یوگاود (یوخود) گیدانیان نیز بخش دیگری از این مراسم بود که مورد توجه و تشویق حضار قرار گرفت. در این برنامه که اجرای آن برعهده بهادر میکائیل بود، از سوی ستاد بزرگداشت ارتحال امام از بیژن آصف (نماینده انجمن در ستاد بزرگداشت و عضو هیات مدیره) به عنوان نماینده برتر تشکر و قدردانی شد.

## دیدار با مدیر کل جدید اقوام و مذاهب وزارت ارشاد



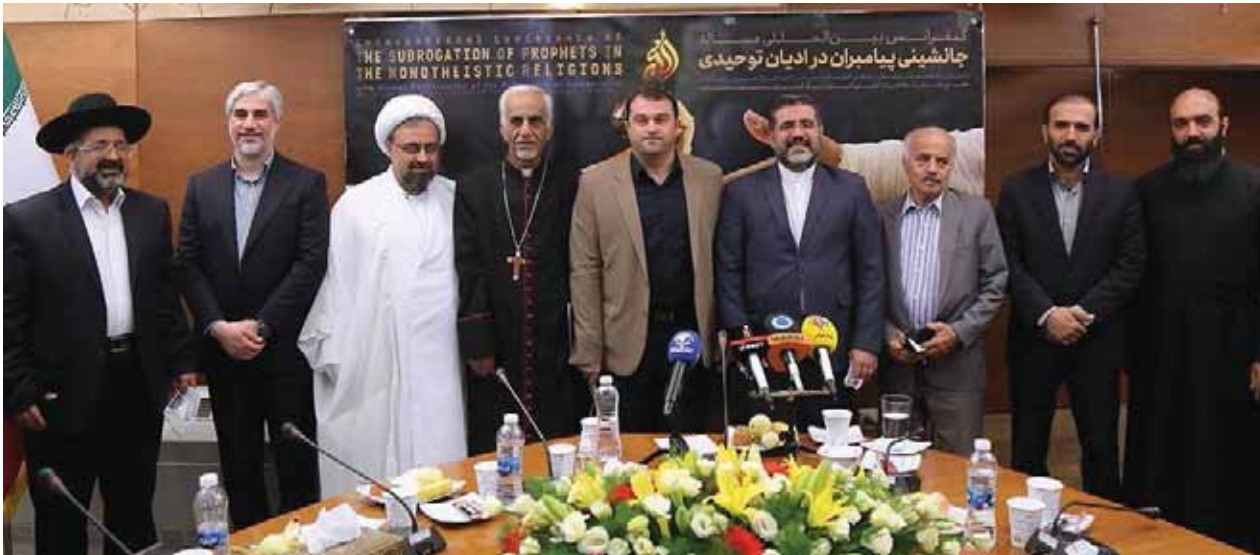
روز ۲۴ خرداد ۱۴۰۱، مهندس هرصل گل‌شیرازیان (نایب رییس اول انجمن کلیمیان تهران) به عنوان نماینده انجمن، در جلسه‌ی دیدار مدیر کل جدید اقوام و مذاهب وزارت ارشاد با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی شرکت کرد.

خاطر نشان می‌سازد به دنبال انتصاب دکتر جانعلی‌پور به سمت مدیر کل اقوام و مذاهب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلسه معارفه و نشست صمیمانه‌ای نیز روز ۲۳ خرداد با حضور جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن و دکتر جانعلی‌پور، در ساختمان انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.

مساعدت هر چه بیشتر در جزئیات برگزاری غرفه انجمن کلیمیان تهران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نحوه تقسیم بودجه اقلیت‌های مذهبی، تسهیل در چاپ کتب مربوط به کلیمیان و ... از جمله مباحث مطرح شده در این جلسات بود.



## کنفرانس بین‌المللی «مساله جانشینی پیامبران در ادیان توحیدی»



محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این همایش با اشاره به تاریخچه زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی در ایران افزود: پیشینه زندگی مسالمت‌آمیز و بدون چالش ادیان توحیدی در جغرافیای فرهنگی ایران از سابقه چند هزار ساله برخوردار است. وی با اشاره به خشونت و درگیری‌های درون دینی و برون دینی نقاط مختلف دنیا ادامه داد: خشونت‌های مختلف تاریخی سراسر دنیا در حالی رخ داده است که ایران عزیز همواره کانون محبت و دوستی پیروان ادیان توحیدی بوده است. وزیر فرهنگ افزود: سابقه‌ی تاریخی ما در زمینه‌ی زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان توحیدی درخشان است و در قانون اساسی که مهم‌ترین نقطه تصمیم‌گیری کشور است برای ادیان توحیدی در ابعاد مختلف تبلیغی، مناسبتی و دینی جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: نمایندگان ادیان توحیدی در کشور ما صرفاً از بین پیروان خود انتخاب می‌شوند، و در جایگاهی کاملاً برابر، به امر نظارت و تقنین می‌پردازند. اسماعیلی پیش‌بینی جایگاه ادیان توحیدی در قانون اساسی را نشان از فرهنگ بالای ایرانیان دانست و تاکید کرد: امتیازات تعیین شده برای پیروان ادیان توحیدی را منت نمی‌دانیم بلکه این ترسیم‌کننده سیره فرهنگ

با مشارکت شخصیت‌های فرهنگی و مذهبی، اقلیت‌های دینی، صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه و اساتید مطالعات تطبیقی ادیان، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کنفرانس بین‌المللی «مساله جانشینی پیامبران در ادیان توحیدی» ۲۸ تیر ۱۴۰۱ در کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار شد. از جامعه‌ی کلیمیان حاخام دکتر حمای لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و آرش آبائی حضور یافتند.

اسماعیل جانعلی‌پور مدیر کل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در ابتدای این کنفرانس گفت: برگزاری این کنفرانس کمک می‌کند اتفاقات خوب و قابل‌ارائه به جامعه در انجمن‌های ادیان توحیدی شکل بگیرد تا بتوانیم مطالب سودمندی را ارائه دهیم. او ادامه داد: ما برای برگزاری این کنفرانس به دنبال بهترین نقطه و توقفگاه مشترک بین ادیان می‌گشتیم که این زمان را در نزدیکی عید غدیر یافتیم چراکه مساله جانشینی یک مساله مشترک بین ادیان و به عنوان اصلی که مکمل است مطرح می‌شود. ما باید فارغ از این جلسه نقطه‌های اتصال دیگر و رویدادهای دیگر را شاهد باشیم تا بتوانیم این مسائل را در فضای رسانه‌ای بیشتر مطرح کنیم.



جانشینی پیامبران از دیدگاه یهودیت یک موضوع منطقی و عقلانی است. جانشینی در ادیان امری الهی است و گذشته از اینکه بحث جانشینی در برخی مسائل جنبه الهی پیدا می‌کند، این یک مساله مردمی هم هست. زیرا هر پیامبر می‌تواند فقط مدتی محدود در میان مردم باشد. به گفته او بارزترین مساله جانشینی در مورد موسی است. زیرا او از خداوند خواست تا جامعه مانند گله‌ای نباشد که چوپانی ندارد. او با اشاره به اینکه این نمونه در دوران بعدی هم تکرار می‌شود، افزود: در دیدگاه یهودیت گذشته از ارزش‌ها و دیدگاه فردی، فرد به درجه‌ای می‌رسد که لیاقت نبی شدن را داشته باشد. نبوت مانند مرجعیت اجازه می‌دهد جانشین او باشد. همینطور تا آخرین نبی انتقال پیدا می‌کند. تا شریعت الهی از مسیر درست انحراف پیدا نکند.

در این همایش همچنین کشیش نرسیسیانس از آرامنه تهران، حمید شهریاری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و نیز اسقف کلیسای آشوری به ایراد سخنرانی پرداختند.

لازم به ذکر است که ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پذیرای نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در جلسه هم‌اندیشی بین ادیان در خصوص موضوع جانشینی پیامبران به عنوان مقدمه‌ای بر همایش اصلی بود. از طرف جامعه کلیمیان نیز مهندس هرصل گل‌شیرازیان (نایب رییس اول انجمن) در این جلسه حضور داشت و به بیان دیدگاه کلیمیان پرداخت. ■

ایرانی است و آن را مایه مباهات می‌دانیم. وی توحید و وحدت را عامل پیوستگی ایرانیان معرفی کرد و ادامه داد: ما در ایران به همه ادیان الهی احترام می‌گذاریم و به پیامبران الهی به نگاه تکریم می‌نگریم و این نشأت گرفته از نگاه دینی و سیر و سلوکی تاریخی است.

وزیر فرهنگ برگزاری کنفرانس‌های گفت‌وگو محور را مهم و ضروری دانست و گفت: موضوع گفت‌وگوهای ادیان در دستور کار سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و اداره کل مجامع و تشکل‌های فرهنگی قرار دارد. اسماعیلی نمایندگان ادیان مختلف در مجلس شورای اسلامی را شخصیت‌هایی فاضل معرفی کرد و گفت: جلسات کاری و گفت‌وگو محور زیادی با این نمایندگان داریم و در این زمینه اگر مانعی برای فعالیت‌ها وجود داشته باشد آماده رفع این موانع هستیم.

همچنین یاسر احمدوند معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این همایش گفت: در ادیان ابراهیمی به‌طور ویژه حضرت ابراهیم مدنظر قرار گرفته است و انتقال جانشینی از سه روش و سه مسیر مطرح شده است. یک مسیر «برکت» است که از حضرت ابراهیم آغاز می‌شود و خداوند در قرآن می‌گوید: «ما به ابراهیم برکت دادیم و به نسل ابراهیم هم برکت خواهیم داد.» وی با بیان اینکه در قرآن کریم در دو مرحله از حضرت مسیح با واژه «برکت» یاد شده، ادامه داد: برخی مواقع جانشینی و انتقال از طریق مسیر «وراثة» است و گاهی انتقال و جانشینی از مسیر «وصایت» است.

در بخش دیگری از این همایش، حجت‌الاسلام حبیب ارزانی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره برپایی نشست‌هایی در حوزه مصالحه ادیان گفت: در ایران پیشینه زیادی در این حوزه داریم. ایران گفت‌وگوی میان ادیان را چند دهه قبل شروع کرد و این اقدام در آن سال‌ها صفاخانه نام داشت. وی تصریح کرد: باید بتوانیم بعد از ۱۲۰ سال که از این موضوع گذشته صفاخانه را احیا و درباره موضوع مشخص صحبت کنیم.

حاجام دکتر یونس حمادی لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان ایران نیز سخنران دیگر این کنفرانس بود که بیان کرد:



## دیدار با رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها

امیدواریم به زودی با برگزاری گفت‌وگوهای دینی اسلام و یهود، هم‌گرایی و هم‌افزایی بین پیروان دو دین الهی صورت گیرد.

حاخام حمامی لاله‌زار، مرجع کلیمیان ایران نیز در این دیدار، بر ضرورت ترویج همزیستی مسالمت آمیز با حفظ کرامت انسانی گفت: در متون مقدس یهود، روایت‌های بسیاری موجود است که می‌تواند زمینه‌ساز همزیستی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان توحیدی و همه ابنای بشر باشد.

دکتر سامه‌یح، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رئیس انجمن کلیمیان تهران هم در سخنانی، بر لزوم توسعه اخلاق مداری و دین‌گرایی در جامعه تأکید کرد و گفت: ارتباط بیشتر میان اندیشمندان مسلمان و یهودی که خود نشأت گرفته از حس احترام متقابل و توجه به اصل شناخت صحیح از ادیان الهی است، منجر به انسجام بیشتر طرفین می‌شود. وی افزود: جامعه کلیمیان ایران همواره در کنار دیگر هموطنان خود از هیچ تلاشی برای سربلندی ایران فروگذار نکرده‌اند و رهبران و نمایندگان ایشان در تمامی مجامع داخلی و بین‌المللی از احترام و آزادی و جایگاه برجسته اقلیت‌های مذهبی از جمله کلیمیان به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز نظام اسلامی یاد کرده‌اند.

آرش آبائی، پژوهشگر کلیمی، ضمن استقبال از پیشنهاد برگزاری گفت‌وگوی دینی اسلام و یهود، بر کاربردی بودن موضوعات این گفت‌وگوها تأکید کرد و همچنین محورهای مطالعاتی از جمله آموزش دینی، چالش‌های نوین در ادیان و تحولات فقهی و فرهنگی را برشمرد. ■

روز ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ حاخام یونس حمامی لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان ایران به همراه دکتر همایون سامه‌یح، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رئیس انجمن کلیمیان تهران و آرش آبائی، پژوهشگر کلیمی ضمن حضور در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با دکتر علی اکبر ضیایی، رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها، دیدار و گفت‌وگو کردند. ضیایی در دیدار با حاخام یونس حمامی لاله‌زار و هیأت همراه، با اشاره به نقش مهم رهبران ادیان در ترویج معنویت و اخلاق‌گرایی، تقویت و تداوم گفت‌وگوی دینی اسلام و یهود را ضروری دانست. وی گفت: هجومی که نسبت به دین وارد شده و می‌شود، همه ادیان را در بر می‌گیرد و این خاص اسلام نیست بلکه به مسیحیت و یهودیت هم مربوط می‌شود. اخلاق نیاز امروز همه جوامع بشری است و یک دغدغه مشترک بین همه ادیان و رهبران و پیروان راستین آنهاست. ضیایی با تأکید بر اینکه همه ادیان بر این موضوع واقف هستند که انسان خداپرست، ایمان خود را در عمل و در خدمت به خلق ابراز می‌کند، گفت: مسئله کرونا مشکلاتی را برای انسان به وجود آورد که موجب افسردگی فرد شد، اما دین توانست التیام بخش افراد مؤمن باشد. وی به نقش مهم رهبران ادیان در ترویج معنویت و اخلاق‌گرایی اشاره و تصریح کرد: همه ادیان ابراهیمی در اصول با یکدیگر مشترک هستند و همین نقاط مشترک زمینه خوبی برای گفت‌وگوهای موفق و تأثیرگذار در آینده فراهم می‌کند.

رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها با تأکید بر لزوم تقویت و تداوم گفت‌وگوی دینی اسلام و یهود گفت:



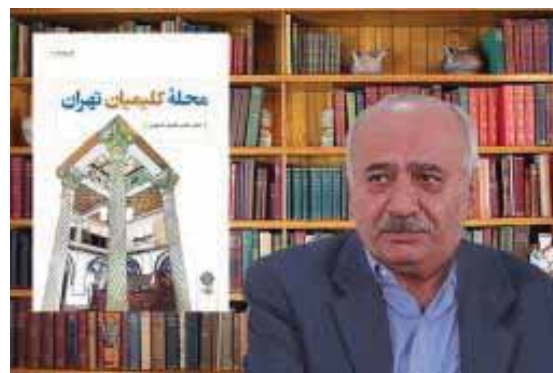
## مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۸۳ عبری

تنظیم: آرش آبائی

مناسبت	تاریخ عبری	تاریخ خورشیدی	
اول خنوکا (جشن روشنایی‌ها) - به مدت ۸ روز (تا دوشنبه ۵ دی)	۲۵ کیسلو ۵۷۸۳	۲۸ آذر ۱۴۰۱	دوشنبه
تعنیت (روزه‌ی) دهم طوت	۱۰ طوت	۱۳ دی	سه‌شنبه
ایلائوت (جشن درختان)	۱۵ شواط	۱۷ بهمن	دوشنبه
تعنیت (روزه‌ی) استر پوریم	۱۳ آدار	۱۵ اسفند	دوشنبه
	۱۴ آدار	۱۶ اسفند	سه‌شنبه
آدینه‌ی موعِد پسخ - تعنیت (روزه‌ی) نخست‌زادگان ذکور	۱۴ نیشان	۱۶ فروردین ۱۴۰۲	چهارشنبه
اول موعِد پسخ (عید فطیر) - یوم طوو (تعطیل دینی)	۱۵ نیشان	۱۷ فروردین	پنجشنبه
دوم موعِد پسخ - یوم طوو (تعطیل دینی)	۱۶ نیشان	۱۸ فروردین	جمعه
هفتم موعِد پسخ - یوم طوو (تعطیل دینی)	۲۱ نیشان	۲۳ فروردین	چهارشنبه
هشتم موعِد پسخ - یوم طوو (تعطیل دینی)	۲۲ نیشان	۲۴ فروردین	پنجشنبه
پسخ شینی - هیلولای ربی میئر بعل هنت	۱۴ ایار	۱۵ اردیبهشت	جمعه
لگ باعومر - هیلولای ربی شیمعون بریوحای	۱۸ ایار	۱۹ اردیبهشت	سه‌شنبه
اول موعِد شاووعوت (عید هفته‌ها) - یوم طوو (تعطیل دینی)	۶ سیوان	۵ خرداد	جمعه
دوم موعِد شاووعوت - یوم طوو (تعطیل دینی)	۷ سیوان	۶ خرداد	شنبه
تعنیت (روزه‌ی) هفدهم تموز	۱۷ تموز	۱۵ تیر	پنجشنبه
تعنیت (روزه‌ی) نهم آو	۹ آو	۵ مرداد	پنجشنبه
آدینه‌ی رُوش هسانا - هتارت نداریم	۲۹ الول	۲۴ شهریور	جمعه
اول رُوش هسانا - آغاز سال ۵۷۸۴ عبری - یوم طوو (تعطیل دینی)	۱ تیشری ۵۷۸۴	۲۵ شهریور ۱۴۰۲	شنبه

## درگذشت دکتر ناصر تکمیل همایون

دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که دوره‌ی کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی و کارشناسی ارشد علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران گذراند و دو دوره‌ی دکترای تاریخ و دکترای جامعه‌شناسی را در دانشگاه پاریس به پایان برد. وی که به زبان عبری و منابع عبری زبان نیز تسلط داشت، علاوه بر ده‌ها اثر تاریخی-فرهنگی، مولف دو کتاب ارزشمند اودلاجان (عودلاجان - ۱۳۹۳) و محله‌ی کلیمیان تهران (۱۳۹۵) است که



در آن به گفت‌وگو با ساکنان یهودی قدیمی محله کلیمیان پرداخته و درهم‌تنیدگی زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان و یهودیان ایرانی با یکدیگر را نشان داده است. این استاد این جامعه‌شناسی و تاریخ‌نگاری متولد ۱۳۱۵، در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ درگذشت. جامعه‌ی کلیمیان ضمن پاسداشت تلاش‌های فرهنگی این استاد بزرگوار، فقدان او را به خانواده و جامعه‌ی دانشگاهی و فرهنگی ایران تسلیت می‌گوید.



# \* غرفه کلیمیان در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ \*





نقاشی کاشی کاری طرح اسلیمی اثر خانم ادلیا خانزاده

